

Free



سال اول - شماره سوم جمعه ۲۲ تیرماه 13 July 2007

Signature
AGENCY - GENEVA HELPLINE LTD

تصادف و سانحه در محل کار یا در خیابان
برای اطلاعات بیشتر با آقای **محمد عزیزی** تماس بگیرید

020 8202 2822 - 07958 192 192

www.persianweekly.co.uk

قصه های هزار و یکشب **ناخونک هفته** **رقصهای سنتی آذربایجان** **اس ام اس و طنزهای هفته** **شنیده های هفته** **رازهای زیبایی**

از دواج به سبک ایرانی

کارت عروسی دختر شریفی نیا خبرساز شد
بسمه تعالی شأنه

با عمل به سنت پیامبر اعظم(ص) مجلس جشن و سرور به مناسبت وصلت میمنت اثر عروس خانوم ملیکا خاتون «نقاش باشی و آکتوریس» صبیبه آقا محمدرضا خان شریفی نیا و سرکار علیہ آریتا خانوم حاجیان «از مشاهیر تیارت و سینما توقراف» و ماه داماد میرزا امیررضا «مدیر صنایع و طرب» ولدخلف محمودرضاخان طلاچیان از کسبه مومن و محترم بازار تهران و سرکار علیہ ایران خانوم سروربخش در منزل شخصی منعقد است.

مدعوین محترم از خواتین مکرمه و رجال معظم در یوم الجمعه به دارالضیافه نزول اجلال بفرمایند که در آن انواع اطعمه و اشربه حلال و حلویات به نحو احسن مهیا می باشد و مراسم به قواعد اسلامی برقرار و مجلس از آلات لهو و لعب از جمله جاز و قیتار و ساکسیفون و ترومپت و دیگر آلات غنا میرا و منزه بوده و متبرک به صلوات. لکن انواع کف و کل و بشکن اصوات بلبلی بلاشکال است.

سرعت انتشار شایعه

بدینوسیله به اطلاع عموم خوانندگان گرامی میرساند، به علت نقل مکان چاپخانه، متأسفانه این شماره و احتمالاً شماره بعدی با چند روز تاخیر، چاپ و توزیع می گردد. با این وجود، این شماره همانند همه شماره ها، هر جمعه بصورت تمام رنگی بر روی وب سایت هفته نامه، قابل دسترسی می باشد.



مسلمان شدن ماهایا پطروسیان، بازیگر موفق سینمای ایران

معرفی بهاگوان شری راجنیش (اشو)



برای اولین بار با بازی در نقش بسیار کوتاهی (استاد دانشگاه) در فیلم پری (داریوش مهرجویی، ۱۳۷۳) دیده شد. اما قبل از آن و در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ مشغول بازی در نقش ولید در مجموعه تلویزیونی امام علی (ع) (داود میرباقری) بود که با پخش این مجموعه در سال ۱۳۷۵ مطرح و شناخته شد.



سیندرلای ایرانی



Food Station

طعم واقعی غذای ایرانی، یاد آور خاطرات شیرین در قلب ایلینگ

FREE DELIVERY

0208 566 2953

139 UXBRIDGE ROAD,
WEST EALING,
W13 9AU



شما هم آگه خبر مهمی دارید برای ما بفرستید
reports@persianweekly.co.uk

سراغاز

این هفته چه خبر

به گزارشهای رسیده تعدادی از جوانان ایرانی متاسفانه در دادگاه به اتهام حمل مواد مخدر و آدم ربایی در یکی از دادگاههای لندن محاکمه می شوند. امیدواریم که هر چه زودتر این جوانان به کانون خانواده خود بازگردند منتظر گزارشهای بیشتر در این مورد باشید

در هفته های اخیر یک جوان ایرانی در یکی از مناطق لندن خودکشی نموده است که به دلیل تحقیقات اولیه پلیس از ذکر نام فرد مذکور خودداری می نمایم

متاسفانه شنیده ها حاکی از افزایش جرایم در بین جوانان ایرانی بخصوص مواد مخدر و ارتباط با باند های بزرگ اشرار می باشد لذا به خانواده های هموطن توصیه می شود آگاهی های لازم را به جوانان خود ارائه نمایند.

خبرنگار هفته نامه پرشین گزارش زیبایی از زورخانه لندن تهیه نموده که به دلیل کمبود زمان در شماره بعدی به چاپ خواهد رسید.

آقای خرسندی و پرویز صیاد از این به بعد به مدت سه سال باهم برنامه های خود را اجرا خواهند نمود آرزومندیم همانند گذشته با استقبال خوب هموطنان عزیز روبرو شوند.

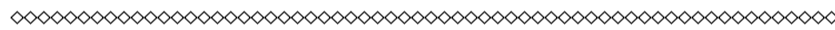
شنیده ها حاکی از رضایت برادران شاهرودی از مراسم سالگرد هزار و یکشب خود داشتند و توانستند برنامه خوبی را اجرا نمایند

ظاهراً آقای حسن شجاعی خواننده قدیمی در کما بسر برده و بعد از مدتی دچار فراموشی شده است امیدواریم که هر چه زودتر به جامعه هنری بپیوندد

در مطالب هفته قبل برای استفاده واژه آمریکایی COP در مطلب "چرا به پلیس های لندن بایی می گویند" یکی از هم وطنان طی تماس تلفنی یاد آوری نمود که استفاده واژه (COP) constable on Patrol را برای پلیس های آمریکایی به کار می برند و اساساً این واژه نیز از کشور انگلستان وارد زبان کشور آمریکا شده است.

طی تماسهای مکرر تعدادی از خوانندگان تقاضای استفاده از مطالب ورزشی در هفته نامه را داشتند که از شماره بعد صفحه اختصاصی ورزش به این هفته نامه افزوده خواهد شد.

گزارش های مبنی بر این که یک نفر از دستگیر شدگان، پزشکی ایرانی، شاغل در بیمارستان «نورث استرافورد شایر» می باشد، صحیح نیست. «محمد عشاء» مظنون ۲۶ ساله تحت بازداشت که نام وی در برخی اخبار آمده، یک پزشک اهل اردن می باشد



ایمیل های ارسالی از خوانندگان عزیز

با تشکر فراوان از اظهار نظرهای شما عزیزان خواننده، امیدواریم که با بکارگیری از راهنمایی شما بزرگواران هر شماره بهتر از شماره های گذشته بوده و رضایت خاطر شما هموطنان عزیز را جلب نمایم.

هر هفته تعدادی از ایمیل های ارسالی شما را در هفته نامه خواهیم گذاشت تا همه هموطنان از نظرات و پیشنهادات سایرین مطلع باشند.

با تشکر فراوان
سردبیر
عباس نجفی

Aghaye modire masol behtar nist jahat balatar bordane keyfeyate kareton az hamin hala kari bokonid kamtar soraghe ax · harfhaye dokhtarhaye khoshgel brid agha lotfan be mardom ehteram bezarid ta moteghabelan daryaftkonid dar sathe mardom v hatta bachehaye ma in harfha nist baraye jalbe nazare mardom chizhaye ba arzesh neshoneshon bedahid na vsafhaye tamam harfhaye koche kheyabani inharo ke hame ja mishe shanid ehteyaji be haftenam shoma nist .

salam resian

Matalebe jalebi dashti mesle vaseyat nameh markz va sagarmi va tanz sefate mordeh parasti ro khondam avalesh kheyli khob bod vali badesh por az eshtebah bod va matlabe khnome tarane gofteh bod livan mishkane mitarsim vali del mishkanim nemitarsim amma khodosh ba bi ehterami dar morede dokhtarhaye iran dele maroham shekond va nemifahmam manie akse on ro dar har shomare ba in adaha tanx va movafagh bashid

Man az khandegane haftehname jadide shoma hastam avval dashtid khob shoro mikardid vali alan kharab kardid va shoma ham ke dar pesh shomareh gofteh bodid daneshe in kar ro darid az pase in kar bar nayomadid shomareh dovvom vaghean bad bod az matlabe parvaneh ke khlafe vagheyat bod v baes shod shoma ham mesle bagheye sathi negari khodeton ro neshon bedid dar morede masaele v faghat ba janjalhaye ke sakhte daste amsale shomast kar konid ta arajefe indokhtar khanomi ke zaheran shoma delbasteash hastid ba an axhaye doreyali ke ba paris hilton khodesho eshtebah gerefteh v dar nahayate veghahatbe khodesh igazeh mideh be dokhtarhaye ba sharafe irani ke dar dakhele keshvar hastand anche ra ke layeghe khodesh ast bege dokhtarhaye iran ax ba short dar majalle nadaran ke in khandome azize va loloye shoma dare agar mikahid movafaghbashid dorost fekr konid v arajef tahvile mardom nadid

هفته نامه اجتماعی ، فرهنگی ، هنری
چاپ لندن

سال اول - شماره ۳ - ۱۳۸۶

صاحب امتیاز: PCNOX Ltd

هفته نامه پرشین به هیچ گروه و ارگان سیاسی و غیر سیاسی وابسته نمی باشد و صرفاً در جهت اطلاع رسانی صحیح گام بر می دارد

مدیر مسئول: عباس نجفی

زیر نظر شورای تحریریه

مدیر مالی و بازرگانی: جواد تونچی

طراح و صفحه آرایی :
عباس نجفی - علیرضا لاهیجانیان

طراحی لوگو: علیرضا ریاحی

همکاران این شماره:

پالیز - محبوبه
قارون - ترانه - فرزاد-سوسن-امیر

چاپ:

Web Print UK Ltd.
Unit 20, Bow Industrial Park
Carpenters Road E15 2DZ

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

امور وب سایت: عباس نجفی

نشانی الکترونیکی:

www.persianweekly.co.uk

نشانی پست الکترونیکی:

info@persianweekly.co.uk

هفته نامه پرشین از نوشته های نویسندگان و خوانندگان استقبال کرده ولی در ویرایش ادبی آنها آزاد است

مسئولیت آگهی ها و صحت آنها
بعهد صاحبان آن میباشد
هفته نامه پرشین در قبول یا
رد آگهی ها صاحب اختیار میباشد

Lord Business Centre
2 Floor Unit 20
665 North Circular Road
London NW2 7AX

Tel: 020 8453 7350

Fax: 020 8453 7351



reports@persianweekly.co.uk

با پوزش فراوان از شما خوانندگان گرامی و سرکار خانم دستجردی نویسنده مقاله « صفت مرده پرستی » در شماره گذشته، به دلیل اشتباهات متعدد املائی و گرامری این مقاله با تصحیح کامل، مجدداً در این شماره به محضر شما بزرگواران ارائه می گردد.

صفت مرده پرستی

صفت مرده پرستی را هم دیگر نمی توانیم با خود یدک بکشیم چراکه این لطف محدودی را هم که به یک دیگر داشتیم در جایی از سفر زمان به جا گذاشته ایم. نمی دانیم چه شد که اینبار داستان شکلی دیگر گرفته روال معمول خود را که رسمی دیرین دارد طی نکرده و باز نمی دانم که چه شد که اینبار خانه ای با پایه های سخت و استوار با وزش نسیمی کوچک فرو می ریزد و آن خانه از بد حادثه نامش ایران است، ایران ایران عزیز ما، ایرانی که پیشینیان ما آن را بروی چشم هایشان به داستان ما فرزندان ناسپاس سپردند. قصه همیشگی ناسپاسی هایمان در اوج خود در بدرقه زیبا صدا و زیباروی موسیقی ایران تجلی یافت. در جمعه ای که گذشت با آنکه در غم دردل هایمان نشسته بود با بزرگ بانویی خدا حافظی کردیم که آرزوی سر بلندی میهنش و رضایت و سعادت هموطنانش بود. اما متأسفانه در این داستان حتی سنت آشتی های مصلحتی را که عموماً در چنین مراسم هایی خود نمایی می کردند و برای اندک زمانی دل خوشی بخش بودند، شکستیم. ای کاش جدای از هر مرده باد زنده باد. به دور از هر آیین و مذهب. به وراى جوهر انسانیت عزیز مسافرمای ن می پرداختیم، ای کاش لااقل آن روز در ژرفای نگاه مه هستی غروب کرده محومی شدیم و تیرگی حاصل از نبود صدای ملکوتی او را می دیدیم و تاسفی بر خود روا میداشتیم از بابت این محرومیت غیر قابل جبران. نه در تردید مسلک و آیین ذاکر علی و عاشق مسیح. که مارا بر آن حقی نیست. کاش به همان اندازه که او یارشاطری بود. ما بار خاطر بود ن رادر بدرقه خود از او دریغ می کردیم. کاش اگر چاشتی برای شیرین کردن دهانمان و آبی جهت تر کردن لبانمان ندیدیم. به یاد خاطرو خاطره های شیرین با او، وجودمان را از تلخی دور و با غم جدایی اش درمی آمیختیم و با شنیدن صدایش عطش مان را بر طرف می ساختیم. این هم می توانست روزی و روزی و روزی باشد در فراق او که دم از عاشقی اش می زدیم. چه بسا سفره شیرین و آب خنکش نیز در صیافت رفتنش مهیا بود اما. اما امان از آن روز که خود جدا از معرکه نمایش و خود نمایی ببینیم. امان از آن روز که افسار رشک خود را نتوانیم بدست بگیریم و امان از آن روز که پرده های وجودمان با نسیمی به نرمی. نسیم صبا کنار می رود. آن موقع است که طاق دیدن خویش را خود هم نداریم و از آئینه گریزانیم و فارغ از اینکه روز طوفانی در پیش. می گویند ما می پذیریم نظرها و آرای شما را. اما همیشه صدای آنکه خلاف رای شان می گوید بر حسب اتفاقی خاموش می گردد. می گویند از مردمیم. اما تا بوده همه از هم گریزان. مگر نه آنست که خودشان از مردمانند پس چرا از هم گریزان شاید هم نیستند و ما نمی دانیم. هر جا که رنگ دنیا در نظرشان پر جلاتر باشد هستند و در جیب هایشان سنگین تر. مردم را عزیز می دارند و نامشان را از پس هر کلامشان می آورند، اما بیداد از آن روزی که طبع مردم بروفق مراد شان نباشد و بی سواد برای خانه ها شان مردم بروفق مرادشان نباشد و بی سواد برای خانه ها شان.

چگونه می توان از مردم سخن بگویند. وقتی آنها رانندگی گیرند و حتی بخل و کینه هایشان را به بزرگترین دلیل که همانا دل شکسته مردم در فراق بانو بود. کنار گذاشتند و یا برای کوتاه زمانی زبان به کام نگرفتند تا آن روز بگذرد و سپس شمشیرهایشان را از روبندند و خصومت های شخصی و قدیمی شان را با هم تصفیه کند. دیگر مه عزیز ما کنسرتی نداشت. که سودی برای این جماعت داشته باشد و دیگر سودی برای جیب های این مگسان گرد شیرینی وجود نداشت. پس به چه دلیلی می بایست حرمت نگه میداشتند و با هر کمی و کاستی. اگر بود؟! جمع خود را حفظ می کردند. مگر نه آنست که خود را نماینده کان مردم در غربت و رسانه هایشان را از آن آنان میدانند پس چرا یگانه دخترش راتنها گذاشتند در میدان عمل. به ظاهر گفتار نیکو داران ما به باطن کردار ناپسند. دم از فرنگ و فرهنگ بد فرنگی و اشرافی زدند و گفتند ((ما را چه به این چیز ها. ما سنت های خود مان را داریم. حلوا بی و چایی و آبی و شیرینی. خاک و گلی بر سر جهت به درد آوردن دل حاضرین چرا پیکره های آنچنانی، ای کاش همان لحظه آن دوست به شریک زندگی خود که در کنارش بود نگاهی می کرد. چرا که سیمای او، سیمای زنان عذار مجالس حلوا و چای و شربت و گریه نبود. سیمای او بیشتر به سیمای میهمان دعوت شده به مراسم پایکوبی می بود. بازیکی کامل بر چهره و کیسوانی پریشان. که افشان شده بودند از پس خود نمایی. کاش عزیز می گفت و می نالید ((دیگر این لموها از آن ما نیست و چرا زپی فرنگیان می رویم و خویش را در پایین دست قرار می دهی. اینها فرهنگ ما نیستند ((و دم از طعامی برای شیرین کردن کامش، نگاهی به رنگ موهای بلوند خود در آینه می انداخت و به یاد می آورد، دختران ایران زمین با کیسوان مشکی به رنگ شب و قهوه ای پریشان در دنیا بنامند نه با این الوان، که بر گرفته از همان فرنگی می باشد که می گفت چرا زپی آنها می رویم. نه آنکه اینها بد باشد. نه! غرض آن است که اندکی به خود بنگریم و آنچه که می گوئیم و کمتر دل بشکنیم و فررویم در قلب هایمان و نیم نگاهی به گوشه های تاریک و خاک گرفته و کارتنک زده آن بیندازیم و در نهایت خود را بشناسیم. ای کاش به یاد می آوردند، میراث بزرگ ما ایرانیان که موظف به حفظ آن می باشیم آب و خاک و زبانمان می باشد نه حفظ سنت تناول غذا و حلوا و چای در خاکسپاری ها که باز همای کاش فلسفه آن رامی دانستند و سپس بر آن رای می زدند. دستی که بر حفظ آب و خاک ندارند و نگاهی دلسوز بر احوال مردم پس توقع است بر حفظ زبانمان نه فراموشی آن. بجاست که بگویم، این فرنگی ما با آن که سنگ سنت و فرهنگ ایران همیشه جاوید را به سینه می زنند و گاه پیراهنشان را بر تن پاره می کنند. بسیار نکو می بود اگر این ارثیه بزرگ را بدون خدشه به فرزندان خود واگذار می کردند نه آنکه خودشان هم زبان مادری شان را به خاک بسپارند آنهم بدون چای و شربت! به سبب آنکه شخصیت خود را ارضا کنند در میان هر جمله شان از دیگری، بر گردان کلامی را به پارسی می پرسند. تا بگویند ما محو فرهنگ و تمدن نداشته این خاکیم نه ان خاک. آنان آنچه را که بر باد داده بودند را به کناری گذاشتند و به جستجوی پیراهنی گشتند از برای برپایی بلوا انهم در خداحافظی با عزیز می نگاهش، شرقی ترین نگاهها و فراتر از آن ایرانی بود بی هیچ شرمی. و اما در آخر همیشه به یاد و اویزه گوشه هایمان داشته باشیم که ما فرزندان بزرگترین امپراطوری این خاک هستیم. جلال و شوکت همراه با عدالت و احترام از آن ما بوده و با خود غریب ندانیم آنچه را که از ماست بلکه حفظش کنیم یک صدا، یک دل با دستان گره کرده، نفس های هماهنگ و نگاههایی پر فروغ، همه و همه به سوی سر بلندی افق پرشین جاویدان. سولمان دستجردی

استاد آواز ایران داغدار شد



مادر محمدرضا شجریان، در ۱۷ تیرماه بر اثر عارضه قلبی در مشهد درگذشت.

مادر محمدرضا شجریان فرزند اول «افسر شاوردیانی»، است که در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در مشهد به دنیا آمده بود. وی دارای شش فرزند به نام های محمدرضا، علیرضا، نسرین، احمدعلی، محمدجواد و امیر بوده است.

با کمال تأسف و تأثر، بدینوسیله هفته نامه پرشین، درگذشت مادر گرامی استاد شجریان را به او و خانواده داغدارش تسلیت عرض می کند.

اشتراک هفته نامه

علاقه مندان به اشتراک و دریافت هفته نامه پرسشنامه زیر را تکمیل نموده و برای ما ارسال نمایند

نام:

نام خانوادگی:

آدرس:

کدپستی: تلفن:

مدت اشتراک: سه ماه ۲۴۴ ششماه ۴۲۴ یکسال ۶۰۴

Lord Business Centre, 2 Floor Unit 20,
665 North Circular Road, London NW2 7AX

Barclays Bank

A/N: 53058360 S/C: 20-92 60

با تشکر از تمامی دوستانی
که ما را در توزیع این
هفته نامه یاری می کنند،
بدینوسیله لیست مراکز
توزیع هفته نامه پرشین را
برای شما خوانندگان عزیز
اعلام می کنیم.

سوپر سپید
سوپر سیب
سوپر سهند
سوپر دنا
سوپر علوان
سوپر فردوس
سوپر فردیس
فرهنگسرا
قنادی عسل ۱
قنادی عسل ۲
سوپر کسری
سوپر مازندران
سوپر مسعود
سوپر هرمز

رستوران ایلینگ کباب

رستوران آریانا

رستوران بهشت

رستوران شهرزاد

Turkish Super Market, Way to say

|Turkish Super Market, TFC

Turkish Super Market, CODI

Turkish Super Market, ELING

و شهرستانهای:

Birmingham

Glasgow

Leeds

Liverpool

Manchester

New Castle

Nottingham

Southampton

Brighton

جامعه ایرانیان

کانون ایرانیان

سوپر آما

سوپر آران

سوپر انزلی

سوپر بازارچه ایرانی

سوپر پرشیا

سوپر بیژن

سوپر بهار

سوپر تهران

سوپر تخت جمشید

سوپر جردن

سوپر خزر

سوپر رضا

سوپر زمان

سوپر زمزم

سوپر ساوالان

سوپر سارا



reports@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

داستان از گابریل مارسیا مارکز
ترجمه از احمد گلشیری

رؤیاهایم را می فروشم

یک روز صبح ، ساعت نه ، که روی تراس هتل رویبرای هاوانا ، زیر آفتاب درخشان داشتیم صبحانه می خوردیم ، موجی عظیم چندین اتومبیل را ، که آن پایین در امتداد دیوار ساحلی ، در حرکت بودند یا توی پیاده رو توقف کرده بودند ، بلند کرد و یکی از آنها را با خود تا کنار هتل آورد . موج حالت انفجار دینامیت را داشت و همه آدمهای آن بیست طبقه ساختمان را وحشتزده کرد و در شیشه های بزرگ ورودی را به صورت گرد درآورد . انبوه جهانگردان سراسرای هتل با مبلها ، به هوا پرتاب شدند و عده ای از طوفان ترگ شیشه زخم برداشتند . موج به یقین بسیار بزرگ بود ، چون از روی خیابان دوطرفه میان دیوار ساحلی و هتل گذشت ، با آن قدرت ، شیشه را از هم پاشید . داوطلبان باشاش کوبایی ، به کمک افراد اداره آتش نشانی ، آت و آشغالها را در کمتر از شش ساعت جمع کردند و دروازه رو به دریا را گشودند و دروازه دیگری کار گذاشتند و همه چیز را به صورت اول درآوردند . صبح کسی نگران اتومبیلی که با دیوار جفت شده بود نبود ، چون مردم خیال می کردند یکی از اتومبیلی است که توی پیاده رو توقف کرده بودند . اما وقتی که جرثقیل آن را از جایش بلند کرد ، جسد زنی دیده شد که کمر بند ایمنی او را پشت فرمان ، نگه داشته بود ، ضربه آن قدر شدید بود که زن حتی یک استخوان سالم برایش نمانده بود . چهره اش داغان شده بود ، چکمه هایش دریده بود و لباسش تکه پاره شده بود . یک حلقه طلا به شکل مار با چشمانی از زمرد در انگشت دستش دیده می شد . پلیس به اثبات رساند که زن خدمتکار سفیر جدید پرتغال و زنش بوده . او دوهفته پیش همراه آنها به هاوانا آمده بود و آن روز صبح ، سوار بر اتومبیلی نو ، راهی بازار بوده . وقتی این موضوع را توی روزنامه خواندم نام زن چیزی را به خاطر نمی آوردم ، اما حلقه مارمانند و چشمان زمردش کنجکاو می مرا برانگیخت ، چون دستگیرم نشد که حلقه در کدام یک از انگشتانش بوده .

این خبر برای من بسیار با اهمیت بود چون می ترسیدم همان زن فراموش نشدنی باشد که اسمش را هیچگاه در نیافتم و حلقه های شبیه همین حلقه در انگشت اشاره دست راستش داشت که حتی در آن روزها از حالا غیر عادی تر بود . این زن را سی و چهار سال پیش در وین ، توی میخانه ای که محل رفت و آمد دانشجویان آمریکای لاتینی بود ، دیده بودم که سوسیس و سیب زمینی آب پز و آبجو بشکه می خورد . من آن روز صبح از رم رسیده بودم و هنوز که هنوز است واکنش سریع خود را در برابر سینه باشکوه او که حالت سینه خوانندگان اپرا را داشت ، دمهای وارفته پوست روباهی که روی یقه کتش آویخته بود ، و آن حلقه مصری مارمانند را به یاد دارم . زبان اسپانیایی را که تعریفی نداشت با لحنی طنین دار و بدون مکث صحبت می کرد و من خیال می کردم که او تنها زن اتریشی در پشت آن میز طولانی خوبی است . اما اشتباه می کردم ، او توی کلمبیا متولد شده بود ، و در دوران بچگی و در فاصله دو جنگ به اتریش آمده بود تا در رشته موسیقی و آواز درس بخواند . سی سالی داشت اما خوب نمانده بود چون چهره اش چنگی به دل نمی زد و پیش از موقع شکسته شده بود . اما انسان جذابی بود و حیرت همه را برمی انگیزت .

وین هنوز شهر سلطنتی کهنی بود که موقعیت جغرافیایی اش در میان دو دنیای آشتی ناپذیر ، پس از جنگ جهانی دوم ، آن را به صورت بهشت معاملات بازار سیاه و جاسوسی بین المللی در آورده بود . من جایی دنج تر برای هم مین فراری ام ، که هنوز توی میخانه سرنیش دانشجویان غذا می خورد ، سراغ نداشتم . او صرفا به خاطر پای بندی به ریشه هاییش آن جا می آمد چون آن قدر پول داشت که غذای همه دوستان پشت میزش را حساب کند . هیچ گاه اسم حقیقی اش را نمی گفت و ما همیشه او را با نامی آلمانی ، که راحت نمی شد تلفظ کرد ، می شناختیم ، نامی که ما آمریکای لاتینی ها در وین برایش ساخته بودیم ، یعنی فرو فریدا . من تازه به او معرفی شده بودم که با گستاخی بی بسازایی او او پرسیدم ، چطور ما به دنیایی گذاشته که این همه با تپه های بادخیز کیندیو متفاوت و دور است و او این جمله بهت انگیز را پاسخ داد :

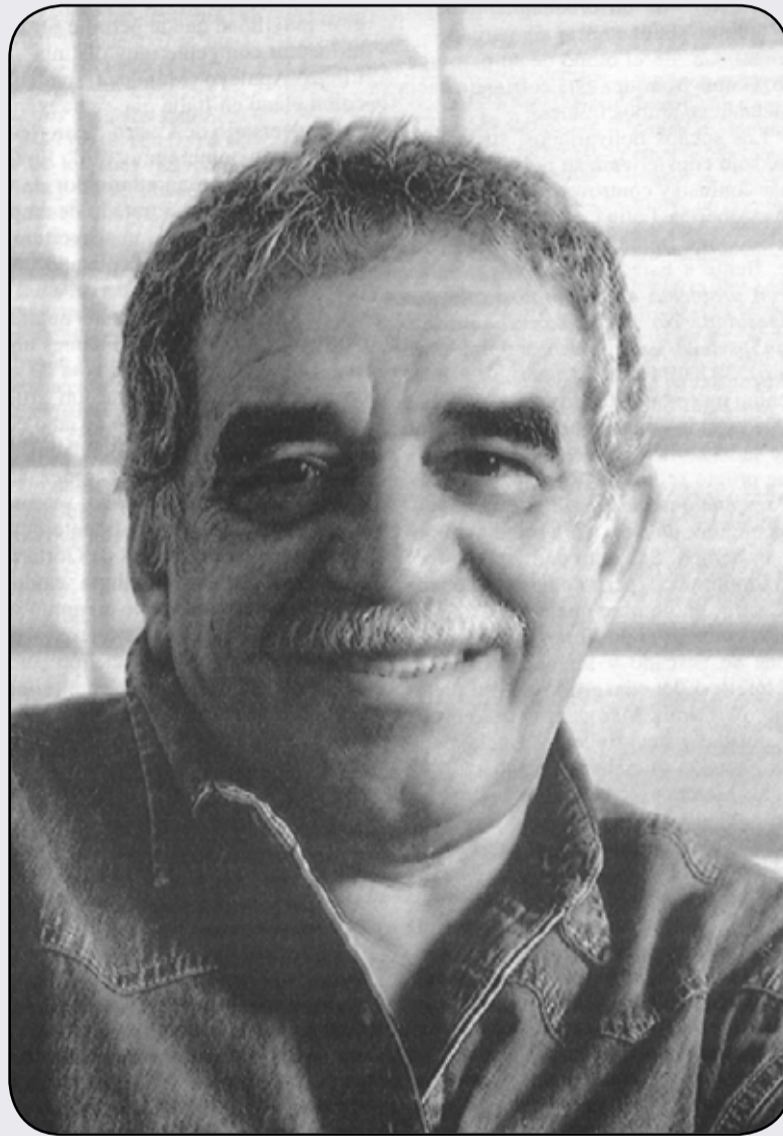
"من رؤیاهام می فروشم ."

در واقع همین تنها حرفه او بود . او فرزند سوم از یازده فرزند مغازه دار مرفهی در کالداس سابق بود و همین که زبان باز کرد ، این عادت زیبا را در خانواده اش تعمیم داد که همه ، پیش از صبحانه خواب هایشان را تعریف کنند ، یعنی وقتی که کیفیت الهام بخشی در انسان به ناب ترین شکلی در حال پاک رفتن است . در هفت سالگی خواب دید که یکی از برادرهایش را سیلاب برده . مادرش صرفا از روی خرافه پرستی قدغن کرد که پسرش توی آب کند شنا کند با این که او عاشق این کار بود . اما فرو فریدا از قبل به شیوه خود پیش بینی اش را اعلام کرده بود .

گفته بود: "معنی این خواب این نیست که برادرم غرق می شه بلکه منظور اینه که نباید لب به شیرینی بزنه ."

تعبیر او برای پسر پنج ساله ظاهر ا روسیاهی به دنبال داشت : چون او نمی توانست روزهای یکشنبه را بدون فاقالی لبی به شب برساند . مادر که به استعداد غیبگویی دخترش اطمینان داشت اخطار را جدی گرفت . اما در اولین لحظه ای که از پسر غافل ماند او با یک تکه شیرینی کارامل که پنهانی مشغول خوردنش بود خفه شد و راهی برای نجاتی نبود .

فرو فریدا گمان نمی کرد که از راه استعدادش بتواند زندگی کند تا این که زمستانهای طاقت فرسای وین عرصه را براو تنگ کرد . آن وقت بود که او در اولین خانه ای که علاقه پیدا کرد زندگی کند به دنبال کار برآمد وقتی که از او پرسیدند چه کاری از دستش برمی آید فقط این نکته را به زبان آورد که : "من خواب می بینم ." به تنها کاری که نیاز داشت توضیحی مختصر برای خانم خانه بود و آن وقت با دست زدی که تنها مخارج جزئی او را برمی آورد استخدام شد ، اما یک اطاق قشنگ و سه وعده



می آمد . یک شب که آجگو مرا به وجد آورده بود ، توی گوش من با قاطعیت زمزمه کرد :

"فقط او دمدم بهت بگم که دیشب خواب تو دیدم . باید فوری از این جا بری و تا پنج سال این طرفها پیدات نشه ." و جای درنگ باقی نگذاشت . گفته اش با چنان قاطعیتی همراه بود که من همان شب سوار آخرین قطار رم شدم . گفته اش آن قدر بر من تأثیر گذاشت که از آن وقت به بعد خود را آدمی دانستم که از فاجعه ای که قرار بوده دامنگیرش شود جان به در برده و هنوز که هنوز است پایم به وین نرسیده .

پیش از آن واقعه ناگوار هاوانا ، فرو فریدا را یک بار توری نامنظرانه و تصادفی دیدم که برایم ران آمیز بود . این اتفاق در روزی پیش آمد که پابلو نرودا در طول یک سفر دور و دراز ، برای یک اقامت موقتی ، برای اولین بار از هنگام جنگ داخلی ، پا به اسپانیا گذاشت . نرودا یک روز صبح را به قصد شکار کتاب های ناب دست دوم با ما گذراند و توی پورتر یک جلد کتاب قدیمی از ریخت افتاده را ، که شیرازش از هم پاشیده بود ، خرید

از روی شانهاش نگاه کردم و دیدم درست می گوید . سه میز آن طرف تر زنی جسور با کلاه قدیمی و اشارپی ارغوانی بدون شتاب غذا می خورد و به او خیره شده بود . بیدرنگ او را به بجا آوردم . پیر و چاق شده بود اما همان فرو فریدا بود با حلقه مارمانند در انگشت اشاره . فرو فریدا با نرودا و همسرش سوار یک کشتی بود که از ناپل راه افتاده بود . اما توی کشتی همدیگر را ندیده بودند . او را دعوت کردیم تا سر

میز ما قهوه بنوشد و من تشویقش کردم تا از رؤیاهایش بگوید و شاعر را شگفتزده کند . نرودا اعتنایی نکرد ، چون از همان ابتدا اعلام کرد که ، به رؤیاهای پیشگوییانه اعتقادی ندارد .

گفت : "فقط شعره که غیبگوست ."

پس از صرف ناهار و در طول قدم زدن اجباری در طول رامبلاس ، من و فرو فریدا خود را عقب کشیدیم تا خاطرات مان را تعریف کنیم بی آنکه گوش کسی بشنود . فرو فریدا گفت که اموالش را در اتریش فروخته و در اپورتوی پرتغال جای دنجی پیدا کرده و توی خانه ای که توضع داد کاخی قلابی بر روی تپه است زندگی می کند که از آن جا چشم انداز سراسر اقیانوس تا کشورهای آمریکای جنوبی پیدا است . هر چند صریحا نگفت اما از گفته هایش این موضوع روشن بود که با خواب های پیاپی ، دار و ندار مشتریان پر و پا قرصش را در وین بالا کشیده . اما این موضوع تعجب مرا برنمی انگیزت ، چون نظرم همیشه این بوده که رؤیاهای او چیزی بیش از ترفندی برای گذران زندگی نیست و این موضوع را با او در میان گذاشتم .

غش غش زیر خنده زد و گفت : "مٹ همیشه پررویی . و چیز دیگری نگفت ، چون بقیه افراد به انتظار نرودا ایستاده بودند تا او صحبت هایش را به زبان عامیانه شیلیایی با طوطیهای رامبلاد لوس باخاروس تمام کند . وقتی گفت و گویمان را از سر گرفتیم فرو فریدا موضوع را عوض کرد .

گفت : "راستی ، می تونی برگردی وین ."

تنها در این وقت بود که به صرافت اقدام سیزده سال از اولین ملاقات ما گذاشته .

گفتم : "حتی اگر رؤیاهات نادرست باشه به هیچ وجه بر نمی گردم ، اینو گفته باشم ."

در ساعت سه ما او را به حال خود گذاشتیم تا نرودا را برای رفتن به محل خواب نیمروز مقدس او همراهی کند ، که در خانه ما پس از تدارک مفصل آماده کرده بود و از جهتی آدم را به یاد مراسم چای ژاپنیها می انداخت . بعضی پنجره ها می بایست باز باشند و بعضی دیگر بسته باشند تا میزان کامل گرما حاصل شود و نوع خاص نور از جهتی خاص می بایست بتابد و سکوت کامل برقرار باشد . نرودا بیدرنگ به خواب رفت و مثل بچه ها ده دقیقه بعد بیدار شد که اصلا انتظارش را نداشتم . سر و کله اش در اتاق پذیرایی پیدا شد ، سر حال و با نقشی که بالش برگونه اش جا گذاشته بود .

گفت : "من خواب اون زنی رو دیدم که خواب می بینه ."

ماتیلده از او خواست که خوابش را برایش تعریف کند . گفت : "خواب دیدم که اون زن داره خواب منو می بینه ."

من گفتم : "این موضوع از داستانهای بورخسه ."

با ناراحتی نگاه می من انداخت .

"مگه اون این موضوعو نوشته ؟"

گفتم : "اگه هم نوشته باشه به روزی می نویسه . این یکی از مخمصه های اونه ."

همین که نرودا در ساعت شش غروب آن روز سوار کشتی شد با ما خداحافظی کرد ، به تنهایی پشت یک میز تنها نشست و با جوهر سبز شروع به نوشتن شعرهای روانی کرد که معمولا موقع اهدای کتاب

هاش با آن گل و ماهی و پرنده می کشید . با اولین اخطار "بدرقه کننده ها پیاده شوند" ، به دنبال فرو فریدا گشتم و سرانجام همانطور که خداحافظی نکرده داشتیم می رفتیم ، در عرشه جهانگردها پیدایش کردیم . او هم چرتی زده بود .

گفت : "من خواب شاعرو دیدم ."

شگفتزده از او خواستم که خوابش را برام تعریف کند . گفت : "خواب دیدم شاعر داره خواب منو می بینه ."

نگاه بهت زده

من اوقات او را تلخ کرد . "چه انتظاری داشتی ؟ گاهی میون اون همه خواب ، آدم خوابی می بینه که هیچ ارتباطی با زندگی واقعی نداره ."

دیگر او را ندیدم یا حتی به فکرش هم نیفتادم تا وقتی که خبر آن زن انگشت مارمانند به دست را توی آن فاجعه رویبرای هاوانا شنیدم که جاش را از دست داده . چند ماه بعد که ، در یک مهمانی سیاسی ، تصادفی با سفیر پرتغال برخوردیم نتوانستم جلو و سوسه خود را بگیرم و از او سؤالهایی کردم . سفیر با علاقه زیاد و تحسین فوق العاده ای درباره او داد سخن داد . گفت : "شما نمی تونین چقدر این زن خارق العاده بود . اگه می دونستین به داستان درباره اش می نوشتین ." و با همین لحن و جزئیات بهت انگیز به گفته هایش ادامه داد ، بی آنکه سر نخ به دست من بدهد تا به نتیجه ای برسیم . سرانجام با لحنی بسیار عینی پرسیدم : "آخر چه کار می کرد ؟"

آن وقت او میوسانه گفت : "هیچی ، خواب می دید ."

و در ازایش قیمتی پرداخت که دو برابر حقوق ماهانه اش در سفارتخانه رانگون می شد . در لابه لای جمعیت مثل فیل معلولی حرکت می کرد و هر چیزی را که می دید با کنجکاو چکانه به دنبال طرز کارش بود ، چون دنیا در نظرش اسباب بازی کوکی گنده ای می آمد که زندگی از آن ساختن می شد .

من کسی را ندیده ام که به اندازه او به یکی از پاپ های رنسانس شبیه باشد ، چون آدمی شکمبار و ظریف بود و حتی ، به رغم میلش در صدر میز می نشست . همسرش ، ماتیلده ، پیشبندی دور گردنش می آویخت که بیشتر به درد آرایشگاه می خورد تا سر میز غذا ، اما این تنها راهی بود که سرا پایش غرق سس نمی شد . آن روز در رستوران کارولاریاس یکی از روزهای معمول زندگی او بود . سه خرچنگ درسته را با مهارت یک جراح از هم جدا کرد و خورد و در عین حال بشقاب های دیگران را با چشم بلعید و از هر کدام با لذتی چشید انگار خواسته باشد صدف های خوراکی معمول گالیسیا ، صدفهای پوسته سیاه کانتابریا ، میگوهای الیکانته و خیارهای دریایی کوستا براو را ، که خواستاران زیادی دارد ، بخورد . و در این میان مثل فرانسویها از چیز دیگری به جز غذاهای لذیذ آشپزخانه صحبت نمی کرد ، به خصوص خرچنگ ماقبل تاریخی شیلی که توی قلبش جا داشت .

ناگهان از خوردن دست کشید ، شاخک های خرچنگ وارش را تنظیم کرد و با لحنی بسیار آرام به من گفت :

"به نفر پشت سر من که چشم از من بر نمی داره ."



reports@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

ناخونک

در روزگاری که در و تخته اصلا با هم جور نیستند و دنیا به خصوص در مملکت هنر پرپر ما رنگ و لعابی دیگر دارد، اصلا قصد نداشتم دوباره به عمل شنیع ناخنک زنی دست بزنم! هر چند که همه امروزه به خصوص در مملکت بی در و پیکر ما به همه چیز و همه کس ناخنک می زنند! ناخنک زنی جزء تغییر ناپذیر فرهنگ ایرانی جماعت است که با او زاده شده ولی با او نمی میرد، بلکه از جسمی به جسم دیگر حلول پیدا می کند!

برای همین قصد نداشتم به این عمل شنیع دوباره دست یازی کنم، اما یکی از دوستان قدیم و جوانان ندیم به این جانب امر فرمودند و از آنجاییکه بنده توان "نه" گفتن ندارم، حتی در بدترین شرایط، امتثال امر کردم و گردن نهادم. این گردن نهادن با آن گردن نهادنی که شما فکر می کنید فرق دارد!

دوستانی که مرا میشناسند یا نمی شناسند، می دانند ناخنک زنی پیشه لا یزالی این جانب است و از این راه نان و بوقلمون میخورم، البته اگر بگذارند، که نمی گذارند! از آنجایی بنده ناخنک-زن، به قلب همه چیز ناخنک می زنم و نه حاشیه آن، تصمیم گرفتم ناخنک افتتاحیه را به قلب موضوع روز یعنی قاچاق فیلم بزنم، هر چند قاچاق فیلم معرکه ای بود که آقایان براه انداختند تا پشت آن مخفی شوند.

چندی پیش عوامل و اهل اندرونی و بیرونی این طایفه از ما بهترین سینمای رو به موت ایران، بیل و کلنگ بدست گرفته و غلم و کتل هوا کرده بودند که جلو قاچاق فیلم را بگیرند! ولی مشخص نکردند کدام فیلم؟ آیا به واقع این شلم شوربایی که به حلق این خلق میریزند، فیلم است؟

به عقل کامل یا ناقص بنده نمی رسد با وجود این همه فیلم رنگین و سنگین که در سراسر عالم به خصوص کعبه آمال تمام حوزه های فیلم، یعنی "هالیوود" ساخته میشود، کسی به فکر قاچاق فیلم ایرانی بپردازد، آن هم از نوع بد و خیلی بدش!

خدایا از دست این جماعت به اصطلاح تهیه کننده که تنها کارشان شمردن پول آن هم با دستگاه پولشمار است (چون سواد شمردن ندارند!) به تو پناه میبریم. چون فقط تو میتوانی ما را از شر این اشرار حفظ کنی! این جماعت را فقط من ناخنک زن میشناسم و بس! باور کنید، اگر کسی دیگر غیر از من این جماعت را می شناخت، جرأت نمیکردند برای سر کیسه کردن دولت و ملت از این دست خیمه شب بازی ها به راه بیندازند! این جماعت چون با فوت و فن فیلم ساختن آشنا نیستند و بیشتر کاسب مملکت هستند (آن هم نه از آن نوع که حبیب خداست)، به جای فیلم ساختن خودشان فیلم بازی می کنند و خلق خدای بی خبر از دوز و کلک را فیلم می کنند!

این جماعت که اشک تمساح در مشکشان است، با فشار یک شاسی اشکشان سرازیر میشود و مانند گدایان سامره مردم را تلکه میکنند! از آنجایی که در مملکت گل و بلبل ایران از مطبوعات چنان قدیم خبری نیست و جوجه مطبوعات چنان عصر حاضر هم دهانشان مثل نهنگ ... خور همیشه باز است، لقمه ای نیمه چرب در این دهان گنده می گذارند تا برای آنان مثل نهنگان سیرک نمایش اجرا کرده و موضوع قاچاق فیلم را در بوق کرنا کنند و گوش فلک را ببرند، غافل از اینکه گوش فلک مدتهای مدیدیست که کر است و زبانش لال!

پس از اینکه گرد و خاکی به پا شد و دید همه نسبتاً کور، این جماعت به اصطلاح تهیه کننده، در پس این گرد و خاک به تکثیر و قاچاق فیلم های خود مشغول میشوند! جل الخالق! عجب مارمولک هایی هستند!

آنان که میدانند، یعنی مطمئنند که فیلم هایشان فروش ندارند و جماعت پول اضافی خرج این آش شل قلمکار نمی کنند، به حربه قاچاق رو آورده اند. این بر میگردد به اصل آنانکه محترک و قاچاقچی کالا بودند. راستش را بخواهید در خونشان است و نمی توان گناهی به گردن آنان انداخت! آنان به ندای درونشان که سر منشأ شیطانی دارد گوش میکنند، چه بچه های حرف شنو ای!

اگر چند نفر از این تهیه کنندگان را از ته یا از سر آویزان کنند، بخصوص سرکرده نظر کره آنان را که این الم شنگه را راه انداخته، مشکل قاچاق به همین راحتی حل میشود! اگر به عهده من بگذارید که حتماً حلش می کنم!

ناخونک

بخش مردها کاملاً فضای سنتی همراه با تنبک، ویلن، چای و تخت و البته میز و صندلی هم برای کسانی که دوست داشتند موجود بود. بالاخره ایده ای که هرکسی تکه ای از آن را گفت شکل گرفت و جالب هم شکل گرفت، چون فکر کردند که متفاوت باشند

آقا داماد هم بسیار با این ایده موافق بود و فقط نگرانی اش از این بود که کارت ها دیر به دست میهمان ها برسد و آنها بی کارت بمانند اما این اتفاق نیفتاد و میهمان ها جملگی اظهار کردند که کارت به این پسندیدگی اشکالی ندارد که دیر به دست ما رسید

حالا بشنویز از پدر و مادر عروس که آنها هم آن قدیم ها جشن عروسی نداشتند و کاردی را به در خانه آشناهایشان فرستادند که روی آن نوشته بودند که ما عروسی نگرفته ایم ولی پولش را صرف امور خیریه برای کودکان بی بضاعت که قدرت خرید حتی یکم جلد کتاب یا شام را ندارند، می کنیم و در واقع برای این بچه ها عروسی گرفته ایم

روی آن کارت هم پر بود از چهره کودکان تنگدست. بله دوستان، سرتان را درد آوردم و اینطوری بود که قصه ما به سر رسید کلاغ هم به خوش رسید

ملیکا شریفی نیا در پایان صحبتش در مورد مهرآه خواهرش می گوید: نمی دانم نظر او راجع به این نوع عروسی گرفتن چیست؟ باید خودش بگوید. شاید اصلاً دوست نداشته باشد عروسی بگیرد. باید از خودش بپرسید، چون هر کسی باید در موقعیت قرار بگیرد

در مورد بازتاب های مثبت و منفی احتمالی این کار عجیب هم می گوید: بازتاب منفی که تا به حال ندیده ام یا شاید به گوشم نرسیده، ولی مثبتش این بوده که همه میهمان ها کارت مان را به عنوان یادگاری نگه داشته اند. البته نه لای کتاب بلکه روی کتابخانه شان تا بگویند که به یادمان هستند. دستشان درد نکند. کسانی هم که در مراسم ما نبوده اند یا تازه با هم دوست شده ایم می گویند می شود یکی هم برای ما درست کنید؟

ملیکا شریفی نیا در پایان می گوید که فکر نمی کند شق القمر کرده اند. فقط خوب فکر کردیم و نتیجه اش این شد. خوب است که به دل بقیه نشست و در پایان اینکه از تمام عکاسان پیشکسوت که منتظر بودند عکس شان روی جلد مجله! تصویر سال چاپ شود عذر می خواهم، ولی تقصیر من نبود



عکس من دو ساله و محمد رضا شریفی نیا گروه و روی جلد کارت دعوت عروسی چاپ کرده است

کارت عروسی دختر شریفی نیا خبرساز شد

از دواج به سبک ایرانی

قضیه وقتی جالب تر شد که فهمیدیم این عروس ملیکا خاتون شریفی نیا صبیبه آقا محمدرضا خان شریفی نیا و سرکار علیّه آزیتا خانوم حاجیان «از مشاهیر تیاتر و سینما توقراف» است. این روزها در کشورمان شاهد سبک های مختلف عروسی هستیم

از عروسی هایی که به شیوه های سنتی با آلوچه، خرما، دل و جگر، چای و پسته به پذیرایی از میهمانان می پردازند تا میهماندارانی که کراوات می زنند یا پرواز عروس و داماد بر فراز استخر قوهای زیبا! اما این بار عروسی متفاوت نیست بلکه عروس و داماد و کارت عروسی شان متفاوت است

عکس روی جلد مجله تصویر سال مربوط است به کارت عروسی این عروس و داماد با پوشش متفاوت «یکی بود، یکی نبود» روزی در یکی از خانه های شهر تهران خانواده محمدرضا خان شریفی نیا کنار هم نشسته بودند و کاملاً اتفاقی به این نتیجه رسیدند که این کار متفاوت را انجام دهند

هرکس نظری داد و حرفی زد تا حاصل کار، کاردی جالب شد که در روز جمعه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۶ هجری شمسی ساعت هفت تا ۱۰ شب، جمعی از آشنایان این خانواده را به مجلس شادی آنها بکشاند

و افقی A۴ جونم براتون بگه» این کارت در ابعادی کمی کوچکتر از کاغذ چاپ شد. متن آن را از کارت های عروسی قدیمی و شیوه های گفتاری و نوشتاری قدیمی گرفتند. پدر عروس خانم و آقاداتاماد جناب امیر رضا خان طلاچیان زحمت بسیاری کشیدند تا نتیجه نهایی حاصل شد

دو خط مختلف را برای روی کارت امتحان کردند؛ یکی به خط آقای شریفی نیا و دیگری با فونت رایانه ای (نمی دانیم در ایران باستان به فونت چه می گفته اند؟!); بر این اساس نیمی از کارت ها را با خط شریفی نیا به میهمان ها دادند و نیمی را هم به شیوه دیگر. تمامی کارهای چاپی کارت را عوامل دست اندرکار در خانه و بدون دخالت تجهیزات مدرن امروزی انجام دادند

قالب مقوا را گرفتند، عکس عروس خانم و آقاداتاماد را پدر عروس خانم گرفت و خودش هم چاپ کرد، متن نوشته شده را به تعداد کارت ها فتوکپی گرفتند و مقوای شابلون بیضی خریدند، عکس را روی آن چسباندند و در پاکت را هم برخلاف رسم این روزها با رویان نبستند، بلکه مهر و موم کردند. طبیعی است که این همه کار زمان زیادی می برد و میزبانان عروسی تا سه روز مانده به مراسم درگیر این کار بودند

دست و بال عروس خانم، آقا داماد و مادر عروس خانم روز مراسم زخم و چسبی بود. مرارت بسیار کشیدند و تمام لوازم این کارت را مغازه به مغازه گشتند و پیدا کردند و بالاخره آن شد که میخواستند و اما بشنوید از لباس عروس و داماد. حتما در جریان هستید که ضیاءالدین دری دارد سریالی می سازد به نام «کلاه پهلوی» که طراح لباس آن سارا خالدی است

ایشان لباسی را که برای نقش شقایق فراهانی در این سریال طراحی کرده دو روز به عروس خانم ما قرض دادند و هر تکه از لباس داماد را هم از لباس های یکی از بازیگران این سریال آوردند تا این عکس گرفته شود

تنها اتفاقی که قرار بود بیفتد و نیفتاد این بود که داماد باید سیبیل هم می داشت که نشد! قرار بر این شد که در عکس برای ایشان سیبیلی نقاشی کنند و مهرآه خانم شریفی نیا خواهر عروس خانم - ایضا بازیگر سینما و تیاتر - سیبیلی برای ایشان نقاشی کرد که اشتباه نسخه رایانه ای سیبیل دار به عنوان عکس نهایی انتخاب نشد و در نتیجه داماد قصه ما بی سیبیل ماند

آرایش عروس خانم یا به گفته امروزی ها گریم آن را خود ملیکا خانم روی صورتش انجام داد که این کار تا دو نیمه شب طول کشید. حتماً برایتان سوال پیش آمده که مگر جشن عروسی ساعت دو نیمه شب بوده است؟

خیر. این آرایش و لباس خاص و سنتی تنها برای عکس روی کارت عروسی عروس و داماد ما تعبیه شده بوده. این زوج برای روز عروسی شان لباس های رویتن تری پوشیدند اما باز هم خاص! آقاداتاماد فرآک پوشیدند و عروس خانم لباس عروسی عربی

جشن عروسی در یک باغ روباز بود؛ مردها اینور و زنها اونور.



reports@persianweekly.co.uk

www.persianweekly.co.uk هفته نامه پرشین در وب سایت بصورت کاملا رنگی در دسترس می باشد

منبع: نشریه فوربس
ترجمه: شادی آذری

پایزده فروری که دنیا را تغییر داد!



در دهه ۷۰ میلادی، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، هنری کیسینجر، از نخست‌وزیر وقت چین چوئن لای درباره پیامدهای عمده انقلاب فرانسه پرسید. گفته می‌شود چو چوئن پاسخ داد: «خیلی زود است که جواب دهم.» نکته‌ای که در پاسخ چو نهفته بود، مشکل اساسی در تعیین مهم‌ترین رویدادهای تاریخی است. هیچ یک از ما نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم جهان در آینده به چه سمتی پیش می‌رود و رویدادهایی که امروز شگفت‌انگیز و تاریخی به نظر می‌رسند، ممکن است در جاده زمان رنگ ببازند و کم‌اهمیت شوند. به عنوان مثال اسکوتر اختراع شده توسط دین کامن را در نظر بگیرید. تا همین چند سال پیش، این وسیله به عنوان پدیده‌ای شگفت‌انگیز در صنعت حمل‌ونقل جهان قلمداد می‌شد و وسیله‌ای بود که طراحی همه شهرهای جهان را می‌توانست دستخوش تغییر کند. اما امروز از رونق اولیه‌اش بسیار کاسته شده و برای همه عادی شده است.



تیم برنرز-لی
مخترع شبکه جهانی اینترنت

ولی برخی دستاوردها آنچنان شایان توجه و آن قدر اثربخش هستند که در مدت کوتاه تنها چند دهه پس از ظهور آنها می‌توانیم شاهد تغییراتی که در جهان ما به وجود می‌آورند، باشیم. فوربس در همین رابطه نمونه‌هایی از این انقلاب‌های جهانی را گرد هم آورده است و به معرفی ۱۵ نفر از افرادی که از سال ۱۹۵۰ تاکنون جهان ما را دستخوش تحولاتی شگرف کرده‌اند، پرداخته است. آنچه باید به آن دقت کنیم، این است که هر کسی نمی‌تواند جهان را در جهت مثبت تغییر دهد. خیلی خوب می‌شد اگر اسامه بن لادن‌ها کمتر و کورباچف‌ها بیشتر می‌شدند. تفاوت این دو دسته افراد در این است که گروه اول با دستیابی به قدرت به فکر نسل‌کشی می‌افتد و گروه دوم با رسیدن به قدرت، آن را در جهت منافع نوع بشر هدایت می‌کند. این فهرست فوربس فهرستی اختصاصی از افراد گروه دوم است.



فرانسیس کریک، جیمز واتسن، رزالیند فرانکلین
کاشف ساختار دی ان ای

در مجموع وقتی بحث دستیافته‌ها و موفقیت‌های بشری به میان می‌آید و اینکه این دستیافته‌ها چگونه زندگی امروز ما را متحول ساخته است، شاهد آن هستیم که سیاستمداران کمتر از دانشمندان تاثیرگذار هستند. سازندگان تکنولوژی، یعنی ایده‌هایی که شکل فیزیکی به خود می‌گیرند، در صدر این فهرست قرار دارند. به عنوان مثال اختراعات پائول لاورتریر و پیتر منسفیلد را در نظر بگیرید. یعنی سیستم تصویربرداری صوتی - مغناطیسی یا ام‌آر‌آی که تقریباً همه رشته‌های جراحی را دستخوش تحول کرد و به پزشکان این امکان را داد که بدون بریدن بدن بیمار بتوانند داخل بدن وی را مشاهده کنند. نیریت ویس، استادیار بخش جراحی اعصاب دانشکده مونت سینای نیویورک می‌گوید: «ام‌آر‌آی جراحی اعصاب را به کلی دستخوش تحول کرد. اگر جمجمه را بشکافید و به مغز نگاه کنید یک توده منسجم است. شما نمی‌توانید با نگاه کردن به آن موفق به دیدن گروه‌های سلولی گوناگون آن شوید. اما ام‌آر‌آی به ما این امکان را می‌دهد که ساختارهای موجود در مغز را مشاهده کنیم و نقشه‌ای در اختیار داشته باشیم که به کجا برویم و کجا نرویم.» گاهی تاثیرگذارترین اقدامات لزوماً به پیشرفت‌های باور نکردنی در علم که سال‌ها مورد تعریف و تمجید قرار گیرند منجر نمی‌شوند. شاید مجهز ساختن یک کامیون توسط یک جعبه بزرگ متحرک و استاندارد بیش از یک اختراع باور نکردنی تاثیرگذار باشد. و اقتصاد کنونی جهان بدون آن باورنکردنی می‌نماید.



reports@persianweekly.co.uk

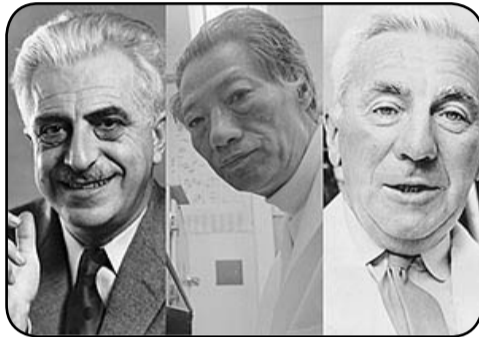
لطفاً مطالب و ترجمه‌های خود را بصورت تایپ شده برای دفتر روزنامه ارسال کنید



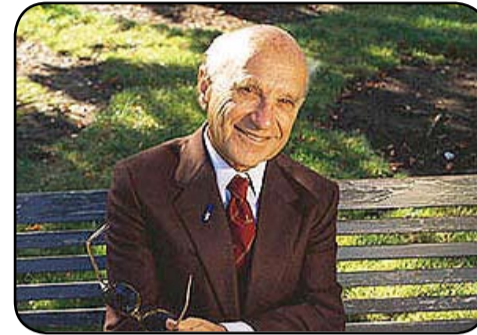
بخشید.

ملکوم مک لین
مبدع کانتینر کشتی‌ها

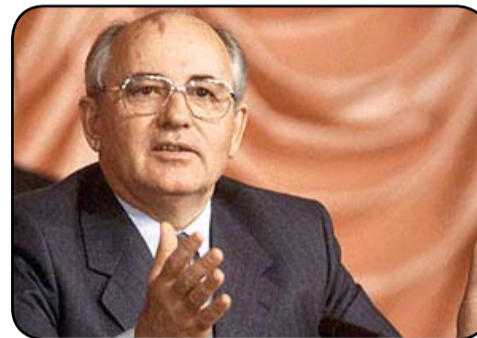
این کارآفرین صنعت کشتی‌سازی یک ایده بزرگ داشت: اگر جریقی‌های بزرگ می‌توانستند کل بخش یدک کامیون را به یک کشتی منتقل کنند به جای آنکه از روش وقتگیر و پرهزینه تخلیه و بارگیری تدریجی کشتی استفاده شود بهره‌وری کار بسیار بیشتر خواهد شد. خلاقیت او توانست کانتینر کشتی‌ها را به سطح استاندارد برساند و اقتصاد جهانی را متحول سازد.

گریگوری پینکس، چانگ و جان راک
تولیدکننده اولین قرص کنترل جمعیت

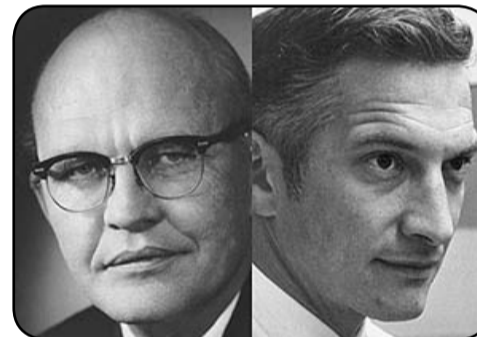
در سال ۱۹۵۳ پینکس و همکارش مین چونه چانگ ثابت کردند که هورمون‌ها می‌توانند از آبستن شدن حیوانات جلوگیری کنند. مطالعه مشابهی هم توسط دکتر جان راک در دانشگاه هاروارد در حال انجام بود و او نیز به پینکس پیوست تا آزمایشات لازم را در مورد انسان در سال ۱۹۵۶ انجام دهند. در سال ۱۹۶۰ سازمان غذا و داروی ایالات متحده آمریکا اولین قرص ضدبارداری را که انووید نام داشت تایید کرد.

میلتون فریدمن
بنیانگذار بازارهای آزاد

حمایت میلتون فریدمن، اقتصاددان از مالیات کم، محدودیت تصدی‌گری دولت و بازارهای آزاد از طرح یک تئوری در دهه ۶۰ آغاز شد و به محوریت سیاست‌های اقتصادی آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری ریگان رسید. فریدمن به خاطر طرح این بحث شهرت دارد که رشد ثابت و متعادل در عرضه پول منجر به رشد اقتصادی ثابت خواهد شد و تورم ثمره آن است که پول بیش از حد زیاد، کالاهای بیش از حد کمی را به دست دهد. او برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۶ شد.

میخائیل گورباچف
پایان‌بخش کمونیسم

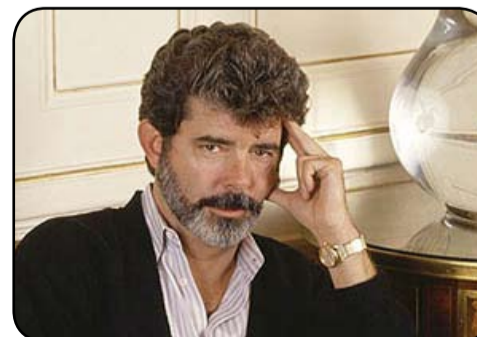
پس از آنکه میخائیل گورباچف در سال ۱۹۸۵، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سابق شد، موضوعاتی چون «گلاسنوست» (فضای باز) و «پرسترویکا» (اصلاحات) را مطرح ساخت. این اقدام او آغازی بود برای پایان کمونیسم و جنگ سرد. اما اولین تلاش او در اصلاحات به عنوان دبیرکل با شکست مواجه شد. او تلاش کرده بود مصرف مشروبات را متوقف سازد.

جک کیلیبی و رابرت نویس
مخترع ریز تراشه

کیلیبی و نویس هر یک به طور جداگانه یک مدار ترکیبی را در سال ۱۹۵۹ اختراع کردند. این اختراع پیش از آن یکی از بزرگترین موانع بشر در دستیابی به کامپیوترهای سریع‌تر و قوی‌تر بود. ریزتراشه آنها انقلابی را در کوچک‌سازی تکنولوژیکی به وجود آورد. اگرچه کیلیبی اختراع خود را زودتر معرفی کرد و جایزه نوبل را دریافت کرد، اما این تراشه‌های سیلیکونی نویس بود که بیشتر مورد پسند واقع شد. نویس شرکت اینتل را در سال ۱۹۶۸ تاسیس کرد و این شرکت امروز بزرگترین تولید کننده نیمه‌هادی‌ها در جهان است. در همان سال کیلیبی موفق به ساخت اولین ماشین حساب شخصی در جهان شد.

پائول لوتربر و پیتر مانسفیلد
مبدع تصویربرداری صوتی - مغناطیسی یا آم‌آرای

لاوتربر و مانسفیلد موفق به دریافت جایزه نوبل پزشکی در سال ۲۰۰۳ شدند. آنها این جایزه را به خاطر اختراع دستگاه تصویربرداری صوتی - مغناطیسی بردند. این دستگاه که همه آن را با نام آم‌آرای می‌شناسند، به جراحان این امکان را می‌دهد که داخل ارگان‌های نرم بدن را بدون شکافتن آنها یا در معرض اشعه ایکس قرار دادن بیمار مشاهده کنند.

جورج لوکاس
سازنده فیلم جنگ ستارگان

جورج لوکاس فیلمساز شرکت نور و تصویر اینداستریال را در سال ۱۹۷۵ تاسیس کرد تا تخیل خود از جنگ ستارگان را به زندگی واقعی ما وارد سازد. شرکت او موفق شد جلوه‌های تصویری را در صنعت فیلمسازی متحول کند. تکنیک‌های پیشرفته دوربین‌های کنترلی و تصویرسازی رایانه‌ای او انقلابی را در دهه ۸۰ میلادی رقم زد و شاید مهمتر از همه اینکه عزم جورج لوکاس در ایجاد تحولی در فیلمسازی به اقتصاد صنعت فیلمسازی معنایی تازه

سرعت انتقال پول با قیمت مناسب را با ما تجربه کنید



صرافی بین المللی برادران سروری

SARWARY BROTHERS
INTERNATIONAL
TRAVEL & MONEY EXCHANGE

انتقال پول

به اکثر نقاط جهان در مدت ۱۵ دقیقه
و بلعکس بدون شارژ. ظرف کمتر از ۱ ساعتآلمان - آمریکا - ایران - استرالیا - ترکیه
آمریکای شمالی - افغانستان - مسکو - دبی
آمریکای جنوبی - یونان - پاکستان و سراسر اروپا...Head Office: 122 Flasher Road, Plasto,
London, E13 0QS

Tel: 020 8257 5040. Mobile: 07975 303 612

Branch One: 10a The Broadway Southall,
Middlesex, UB1 1PS

Tel: 020 8571 0166, Fax: 020 8893 5976

Email: mohsin@sarwary.e7even.com

آگهی های شما به کیفیت و استمرار این هفته نامه یاری می رساند



reports@persianweekly.co.uk

لطفاً ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

مسلمان شدن ماهایا پطروسیان، بازیگر موفق سینمای ایران



ماهیا پطروسیان را همه می‌شناسند. بازیگر جوان و پرشور و شوروی که چه در صحنه تئاتر، چه سینما و چه تلویزیون همیشه متفاوت ظاهر می‌شود. علیرغم آنکه چند سالی از گرایش وی به دین مبین اسلام و مذهب تشیع می‌گذرد اما به دلیل آن که دوست نداشت عمل معنوی اش پیرایه های رسانه ای پیدا کند این امر را در سکوت برگزار کرد؛ اما مدتی پیش برخی از سایت‌های اینترنتی و نشریات خیر مسلمان شدن این بازیگر را منتشر کردند. این نشریات نوشته بودند که این بازیگر در پی ازدواج با یک جوان مسلمان به دین اسلام روی آورده است. او همچنین به برخی از خبرنگاران گفته بود که از مدت‌ها پیش برای باقی ماندن در مسیحیت یا گرویدن به اسلام در تردید بودم که با توجه به ازدواج با یک مسلمان از این تردید خارج شده و مسلمان شدم. برای کسب اطلاعات بیشتر گفتگویی با این هنرمند مشهور انجام شده است که آن را با هم می‌خوانیم:

- خانم پطروسیان! خبر را تایید می‌کنید؟

بله چندی پیش به دین اسلام گرویدم و دلیلش هم این بود که همسرم یک مسلمان بود و من ترجیح دادم که مسلمان شوم.

- واکنش خانواده شما نسبت به مسلمان شدن شما چه بود؟

واکنش خاصی نداشتند چون خانواده‌ام، همسرم را خیلی دوست داشتند ضمن اینکه خانواده‌ام، افراد متعصبی نیستند و بیش از همه برایشان انسانیت مهم است. من سال‌ها با مسلمانان در ارتباط بودم و نظر خانواده‌ام در این رابطه مثبت بود.

- از جانب هم‌کیشان خود با چه عکس‌العملی مواجه شدید؟

الان تعداد ارامنه در ایران کم است و من هم با تعداد اندکی از ارامنه ارتباط نزدیک دارم و همان کسانی را هم که می‌شناسم تبریک گفتند و عکس‌العمل خاصی نشان ندادند.

- جالب است چون ارمنی‌ها دارای تعصبات خاصی هستند.

بله، ارمنی‌ها متعصب هستند البته تعدادشان اندک است و می‌خواهند که جامعه خودشان را حفظ کنند ولی از نظر من فرق چندانی نمی‌کند چون من هم یک ارمنی بودم و الان مسلمان شده‌ام.

- تغییر مذهب چه احساسی را در انسان به وجود می‌آورد؟

من از دین اسلام خیلی دور نبودم، و سالهاست که با این دین مانوسم در مدارس ایرانی و مسلمانان درس خواندم و دوستان مسلمان هم داشتم و با افراد مختلفی در ارتباط بودم و بیشتر با ایرانی‌های مسلمان سروکار داشتم تا ایرانی‌های ارمنی. ضمن اینکه شخصاً مذاهب و ادیان الهی را از هم دور و متفاوت نمی‌بینم چون در نهایت تمام مذاهب مهم و اصلی دنیا یک حرف زده‌اند و چندان فرقی با یکدیگر ندارند.

- نظر همسران در مورد ادامه کار هنری شما چیست؟

نظرشان کاملاً مثبت است چون از وقتی که با هم آشنا شدیم، من بازیگر بودم. همسرم هم در خارج از کشور بزرگ شده و عقایدش نسبت به هنر مثبت است و مثل بعضی‌ها که معتقدند خانم‌ها بعد از ازدواج نباید به کار خود ادامه دهند همسرم معتقد است که باید به کارم ادامه دهم.

- پس کم کاری شما در این مدت به دلیل ازدواج بوده است؟

نه، اتفاقاً من بعد از ازدواج حضورم در سینما بیشتر شده ولی فیلم‌هایم به نمایش درنیامده است.

- زندگی مشترک چطور است؟

خوب است و خیلی متفاوت از زندگی مجردی و مسئولیت هم سنگین‌تر می‌شود دید آدم به زندگی تغییر می‌کند و آرامش بیشتری هم پیدا می‌کند.

- زمانی که مسلمان شدید نام شما به چه اسمی تغییر کرد؟

اسم من تغییر نکرد چون اسم من مسیحی نیست. ماهایا اسم شرقی است و ریشه هندی دارد و موقع مسلمان شدن هم از من خواستند که اسم را تغییر دهم.

(کردآوری: بهزاد - ر / از کتاب قصه های هزار و یک شب، نقاشی: ش - برازنده)
behzad@persianweekly.co.uk

داستانهای هزارویکشب

حکایت دهقانی و خرش



وزیر چون مبالغت او را بدین پایه دید، برخاسته به بارگاه ملک رفت و پایه سریر بوسیده از داستان دختر خویش آگاهش کرد. اما شهرزاد خواهر کهنتر خود، دنیازاد را به نزد خود خوانده با او گفت که: چون مرا پیش ملک بردند من از و درخواست کنم که تو را بخواهد. چون حاضر آبی از من تمنای حدیث کن تا من حدیثی گویم شاید که بدان سبب از هلاک برهم.

پس چون شب برآمد دختر وزیر را بیاراستند و به قصر ملکش بردند. ملک شادان به حجله آمد و خواست که نقاب از روی دختر بکشد. شهرزاد گریستن آغاز کرد و گفت: ای ملک، خواهر کهنتری دارم که همواره مرا یار و غمگسار بوده، اکنون همی‌خواهم که او را بخواهی که با او وداع بازپسین کنم. ملک، دنیازاد را بخواست و با شهرزاد از تخت به زیر آمده، در کنار خواهر بنشست. دنیازاد گفت: ای خواهر من از بی‌خوابی به رنج اندرم، طرفه حدیثی بر گو تا رنج بی‌خوابی از من ببرد. شهرزاد گفت: اگر ملک اجازت دهد بازگویم. ملک را نیز خواب نمی‌برد و بشنودن حکایات رغبتی تمام داشت؛ شهرزاد را اجازت حدیث گفتن داد.

شهرزاد در شب نخستین گفت:

حکایت بازرگان و عفريت
ای ملک جوانبخت، شنیده‌ام بازرگانی سرد و گرم جهان دیده و تلخ و شیرین روزگار چشیده، سفر به شهرهای دور و دریاها پرشور می‌کرد. وقتی او را سفری پیش آمد. از خانه بیرون شد و همی رفت تا از گرمی هوا مانده گشته، به سایه درختی پناه برد که لختی برآساید. چون برآسود، قرصه نانی و چند دانه خرما از خرچینی که با خود داشت به در آورده بخورد و تخم خرما بینداخت. در حال عفرتی با تیغ برکشیده نمودار شد و گفت: چون تخم خرما بینداختی بر سینه فرزند من آمد و همان لحظه بیجان شد، اکنون ترا به قصاص او بایدم کشت. بازرگان گفت: ای جوانمرد عفريتان، من مالی بی‌م و چند پسر دارم اکنون که قصد کشتن من داری مهلت ده که به خانه باز گردم و مال به فرزندان بخش کرده وصیت‌های خود بگذارم و پس از سالی نزد تو آیم. عفريت خواهش او را پذیرفت.

بازرگان به خانه بازگشت. مال به فرزندان بخش کرده ماجرای خویش را چنان که با عفريت رفته بود با فرزندان و پیوندان بیان کرد. چون سال به پایان آمد به همان بیابان بازگشت و در پای درخت نشسته، بر حال خود همی‌گریست که پیری پیدا شد و غزالی در زنجیر داشت. به بازرگان سلام داده پرسید که: کیستی و تنها در مقام عفريتان از بهر چیستی؟ بازرگان ماجرا باز گفت. پیر را عجب آمد و بر او افسوس خورد و گفت: از این خطر نخواهی رستن. پس در پهلوی بازرگان بنشست و گفت: از اینجا برنخیزم تا ببینم که انجام کار تو چون خواهد شد.

بازرگان به خویشتن مشغول بود و همی‌گریست که پیری دیگر با دو سگ سیاه در رسید و سلام داده پرسید که: در این مقام چرا نشستاید و به مکان عفريتان از بهر چه دل بسته‌اید؟ ایشان ماجرا باز گفتند. هنوز پیر دیگر ننشسته بود که پیر آستر سواری در رسید. سلام کرده سبب بودن در آن مقام باز پرسید. ایشان ماجرا بیان نمودند.

ناگاه گردی برخاست و از میان گرد همان عفريت با تیغ کشیده پدیدار شد، دست بازرگان بگرفت تا او را بکشد. بازرگان بگریست و آن هر سه پیر نیز بر حال او گریان شدند. پیر نخستین که غزال در زنجیر داشت، برخاست و بر دست عفريت بوسه داده گفت: ای امیر عفريتان، مرا با این غزال طرفه حکایتی است: آن را بازگویم اگر ترا خوش آید از سه یک خون او در گذر. عفريت گفت بازگوئی.

ادامه دارد ...

وزیر گفت: شنیده‌ام که دهقانی مال و رَمه، فراوان داشت و زبان جانوران دانستی. روزی به طویله رفت. گاو را دید که نزدیک آخور خر ایستاده و چشم به علیق پاکش نهاده به خوابگاه خُشککش رشک می‌برد و می‌گوید که گوارا باد بر تو این نعمت و راحت که من روز و شب در رنج و تعب، گاهی به شیار و گاهی به آسیاب گرداندن می‌گزارم و ترا کاری نیست جز این که خواجه ساعتی ترا سوار شود و باز به سوی آخور باز گرداند.

ترا شب به عیش و طرب می‌رود

ندانی که بر ما چه شب می‌رود

درازگوش به پاسخ گفت: فردا چون شیارافزار به گردنت نهند بخُشب و هر چه زبندت بر مخیز و آنچه پیشت آورند مخور. چون روزی دو بدین‌سان کنی از مشقت و رنج خلاص یابی. اینها در گفتگو بودند و خواجه گوش همی‌داد. چون بامداد شد خادم طویله آمده گاو را دید که قوتی نخورده و قوتی ندارد. سستی گاو را به خواجه باز نمود. خواجه گفت: درازگوش را کار فرما و شیار افزار به گردن او بنه. خادم چنان کرد. به هنگام شام که درازگوش بازگشت، گاو پیش آمده به نیکیهای او سپاس گفت. خر پاسخی نداد و از گفته خود پشیمان بود. روز دیگر باز خر را به شیار بستند. وقت شام خر با تن فرسوده و گردن سوده بازگشت. گاو به شکرگزاری پیش آمد. درازگوش با گاو گفت: دانی که من ناصح مُشفق توام؟ از خواجه شنیدم که به خادم گفت: فردا گاو را به صحرا ببر. اگر سستی نماید، به قصابش ده. من به دلسوزی پندی گفتمت و السلام. چون گاو این را بشنید رضامندی کرد. گفت: فردا ناچار به شیار روم. اینها در سخن بودند و خواجه گوش همی داد.

بامداد خواجه با خاتون به طویله آمده به خادم گفت: امروز گاو را کار فرما. چون گاو خواجه را بدید دم راست کرده بانگی زد و برجستن گرفت. خواجه در خنده شد و چندان بخندید که بر پشت افتاد. خاتون سبب خنده باز پرسید. خواجه گفت که: سری در این است که فاش کردن نتوانم. خاتون گفت: ترا خنده بر من است! چون خواجه خاتون را بسیار دوست می‌داشت گفت: ای مونس جان از بهر خاطر تو من سر خود را فاش کنم ولی پس از آن زنده نخواهم بود. آنگاه خواجه فرزندان و پیوندان خود حاضر آورده وصیت بگزارد و از بهر وضو به باغ اندر شد که سگی و خروسی و مرغان خانگی در آن باغ بودند. خواجه شنید که سگ با خروس می‌گوید: وای بر تو، خداوند ما به سوی مرگ روان است و تو شادانی؟ خروس پاسخ داد که: خداوند ما کم خرد است از آنکه من پنجاه زن دارم و با هر کدام گاهی به نرمی و گاهی به درشتی مدارا می‌کنم. خداوند ما یک زن بیش ندارد و نمی‌داند با او چگونه رفتار کند. چرا شاخی چند از این درخت بر نمی‌گیرد و خاتون را چندان نمی‌زند که یا بمیرد یا توبه کند که رازهای خواجه را باز نبرد. در حال خواجه شاخی چند از درخت بگرفت و خاتون را چندان بزد که بیخود گشت. چون به خود آمد معذرت خواسته استغفار کرد و پای خواجه را همی بوسید تا بر وی ببخشد.

اکنون ای شهرزاد همی ترسم که بر تو از ملک آن رود که از دهقان بدین زن رفت. شهرزاد گفت: «دست از طلب ندارم تا کام من برآید».

طراحی حرفه ای وب سایت، خدمات نشر لفلت و چاپ، دیزاین لوگو

077 3311 3137-020 8453 7350



reports@persianweekly.co.uk

لطفا مطالب و ترجمه های خود را بصورت تایپ شده برای دفتر روزنامه ارسال کنید

شاپ استارباکس خارج از آمریکای شمالی در شهر توکیو راه اندازی شد. در سال ۱۹۹۸ فروشگاههای این شرکت در کشور انگلستان نیز با استقبال فراوان روبرو شد. در ماه آوریل سال ۲۰۰۳، قهوه های استارباکس به عنوان بهترین قهوه در سیاتل انتخاب شد و تعداد شعباتش در سراسر جهان به ۶۴۰۰ عدد رسید.



شرکت استارباکس یک پری دریایی دارای دو دم را نشان می دهد.

علاوه بر انواع قهوه دم کردنی و اسپرسو، در فروشگاههای استارباکس چای، انواع نوشیدنی های داخل بطری، شیرینی، ساندویچ های آماده و نوعی میلک شیک قهوه اختصاصی استارباکس با نام Frappuccino نیز سرو می شود. در فروشگاههای واقع در سیاتل، شیکاگو و چند شهر دیگر به صورت آزمایشی صبحانه شامل تخم مرغ، همبرگر، پنیر، شیرینی کره ای (muffin) و ساندویچ اسفناج و پنیر نیز به مشتریان پیشنهاد می شود. ثابت بودن قیمت ها در فروشگاههای استارباکس یکی از قوانین این شرکت است.

تاریخچه

اولین کافی شاپ با نام استارباکس در سال ۱۹۷۱ در شهر سیاتل با همکاری یک معلم زبان انگلیسی به نام جری بالدوین (Jerry Baldwin)، یک معلم تاریخ به نام زو سیگل (Zev Siegel) و نویسنده ای به نام گوردون بوکر (Gordon Bowker) کار خود را آغاز نمود. مشوق این سه نفر در راه اندازی مکان فوق که در آن قهوه خام و تجهیزات مختلف مرتبط با آن به فروش می رسید، شخصی به نام Alfred Peet بود. این فروشگاه واقع در Pike Place کماکان به فعالیت مشغول است.

استارباکس و محبوبیت جهانی موفقیت استارباکس تنها به کشور آمریکا محدود نبوده و نیست، این نام محبوبیت و موفقیت جهانی دارد. امروزه در خیابان های مختلف بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، کافی شاپ های استارباکس به چشم می خورد.

عمده شهرت کافی شاپ های زنجیره ای استارباکس، منوی اختصاصی آنهاست که در آن تنوع قهوه ها بسیار زیاد است؛ در نتیجه به منظور آسانتر شدن انتخاب نوع و طعم قهوه برای مشتریان و همچنین امکان تست ترکیبات مختلف، منوها به صورت هفتگی تغییر می کنند.

علاوه بر قهوه، نوشیدنی های گرم دیگر همچون کاپوچینو و لاته ها که مایه اصلی همگی آنها از اسپرسو تشکیل شده است و شکلات گرم، کرم ها و شربت هایی با طعم های مختلف که فاقد اسپرسو می باشند، نیز در شعبات مختلف استارباکس سرو می شوند. در فصل زمستان نوشیدنی های گرم محبوب ترین پیشنهاد کافی شاپ های زنجیره ای استارباکس است. برخلاف گرمای تابستان که ترکیبات مختلفی از قهوه و طعم های دیگر به همراه شیر، شکر و یخ خرد شده اصلی ترین انتخاب مشتریان را تشکیل می دهد

در سال ۱۹۸۲ موسس اصلی این شرکت هاوارد شولتز (Howard Schultz) با پیشنهاد فروش قهوه و اسپرسو نوشیدنی، در کنار قهوه خام، به جمع شرکا پیوست. در آن زمان عقیده عمومی بر این امر استوار بود که قهوه باید تنها در منازل افراد تهیه شود، بنابراین پیشنهاد شولتز از جانب سه شریک دیگر پذیرفته نشد، آنها معتقد بودند که ورود به عرصه فروش نوشیدنی، باعث انحراف مسیر و مانع از رسیدن به هدف مورد نظر خواهد شد.

پس از آن در سال ۱۹۸۵، شولتز به تنهایی یک سری کافی شاپ زنجیره ای تحت نام Il Giornale را تاسیس نمود. در سال ۱۹۸۷ مالکان استارباکس حق امتیاز فروشگاههای خود را به Il Giornale شولتز واگذار نمودند. شولتز به سرعت آن دو را با هم ادغام نمود و به گسترش کافی شاپ استارباکس در کشورهای مختلف همت گماشت.

لوگوی معرف شرکت استارباکس یک پری دریایی دارای دو دم را نشان می دهد

اولین کافی شاپ های زنجیره ای استارباکس در همان سال، در شیکاگو و نیز شهر ونکوور (Vancouver) کانادا تاسیس شدند، در سال ۱۹۹۶ اولین کافی

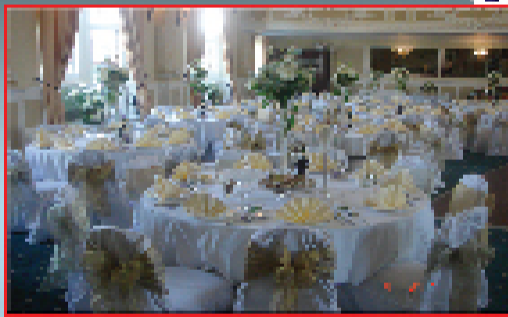
کافی شاپ های زنجیره ای استارباکس

استارباکس یکی از بزرگترین کافی شاپ های زنجیره ای در سراسر جهان یکی از بزرگترین کافی شاپ های زنجیره ای در سراسر جهان تحت نام استارباکس (Starbucks) به فعالیت مشغول است. دفتر اصلی این شرکت در شهر سیاتل، آمریکا واقع شده و عمده مشتریان این کافی شاپ ها را در آمریکا و کانادا، قشر جوان دانش آموز و تحصیل کرده و متخصصین جوان تشکیل می دهند.



امروزه در اقصی نقاط جهان از جمله: مکزیک، چین، انگلستان، استرالیا، فرانسه، آلمان، عربستان سعودی، ترکیه، اسپانیا، اتریش، اندونزی، یونان، شیلی، پرو، نیوزلند، مالزی، لبنان، امارات متحده عربی و بسیاری از کشورهای دیگر شاهد کافی شاپ هایی به این نام هستیم. نام این شرکت از شخصیت استارباکس، یکی از کاراکترهای "موبی دیک" رمان معروف هرمان ملویل (Herman Melville) گرفته شده، لوگوی معرف

موسسه پذیرائی گلچین



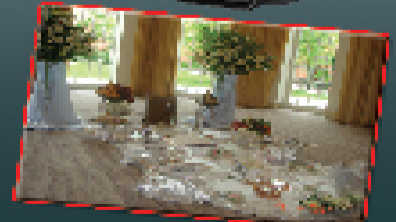
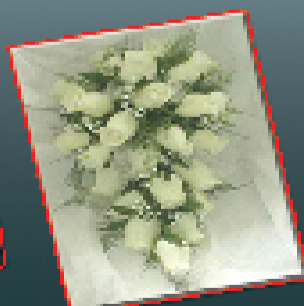
مشاور، طراح و برگزار کننده جشنهای شما
(عروسی - نامزدی - تولد - مهمانیها خصوصی - مراسم عزاء)
تهیه بهترین و مجلل ترین سالن و
هتل با سرویس پذیرائی کامل



با انواع غذاهای ایرانی فونگی و دریایی به همراه

(کیک - گل آرائی - ماشین عروس - سفره عقد - فیلمبرداری - عکاسی - موزیک زنده - میز - صندلی - سرویس رومیز)

گلچینی از بهترین تزئینات غذایی با مدرن ترین سرویس



T-Mob: 07904 515 081 / 07723 093 078

Tel / Fax: 020 3084 4620

38 Glebe Road Stanmore HA7 4EL

E mail: golchin_institution@yahoo.co.uk



reports@persianweekly.co.uk

معرفی بهاگوان شری راجنیش (اشو)

www.ods.ir سایت برگرفته از

در ایالت اورگان شهری را به نام او بنا ساختند و طولی نکشید که سیل انسانهایی که در پی معنویت بودند به این شهر سرازیر گشت. اما دولتمردان آمریکا از افزایش محبوبیت اشو که همه آنها را زیر سوال برده بود، بیمناک گردیدند و بر آن شدند تا از شر او رهایی یابند. آنها در سال ۱۹۸۶ اشو را به دروغ به نقض قانون مهاجرت به آمریکا متهم ساختند و وی را به دادگاه کشانده و مجبورش کردند آنجا را ترک کند.

او بیش از سی و پنج سال به تعلیم و گسترش دین واقعی و باز کردن چشمان مردمی که هزاران سال است هیپنوتیزم شده اند پرداخت و هدفش رسیدن هر انسانی به مقام والای آدمیت بود. وی به نقاط بسیاری از دنیا سفر کرد و در این سالها بارها و بارها از سوی سیاستمداران و دولتها مورد خشم و غضب قرار گرفت و بارها به زندان افتاد و شکنجه شد و عاقبت در ۱۹ ژانویه ۱۹۹۰ توسط دولت وقت آمریکا به قتل رسید و شهید شد.

اشو همواره میکوشید تا بشریت را از این خواب طولانی بیدار کند و دین واقعی را به مردم نشان دهد و تمامی سخنانش حقیقتی ناب بود که متأسفانه سیاستمداران و قدرت طلبان قدرت تحمل چنین حقیقتی را نداشتند، زیرا اگر مردم با حقیقت واقعی موجود (یا خدای واقعی) رو به رو میشدند تمام آئین ها و سنن های چندین هزار ساله دروغین را به کناری میگذاشتند و این مرگی بود برای افرادی سود جو از جمله سیاستمداران و کشیشان و... زیرا چندین هزار سال است که به ترویج دین مصنوعی پرداخته اند و بشریت را گمراه و بازیچه دست خود کرده اند و روح واحد انسانیت را پاره پاره کردند و برای همین دنیا به چنین روزی افتاده است.

او یکی از خطرناک ترین موجوداتی هست که تا به حال پا به این جهان گذاشته است و صحبتهایش از هر بمبی خطرناک تر است! او هرگز زاده نشد، هرگز نمرد! بلکه فقط بازدید کننده ای بود از زمین بین سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۹۰!

پیام من نظریه فلسفی نیست، بلکه نوعی کیمیاگری است! دانش تحول روحانی است بنابراین فقط آنان که مایلند بر آنچه هستند بمیرند و دوباره متولد گردند؛ فقط این عده از مردم با شهامت و شجاع که معدودند آماده شنیدن پیام من هستند. زیرا شنیدن این پیام نیز مخاطره آمیز است. با شنیدن شما نخستین گام را برای زایش دوباره برداشته اید. پیام من چیزی کمتر از مرگ و زایش مجدد نیست!

از ششصد و پنجاه جلد کتاب و گرد آوری شده است. این کتاب ها به بیش از سی و سه زبان دنیا ترجمه شده است. اشو یک نویسنده به معنای رایج کلمات نیست، او شخصا هیچ کتابی را ننوشته است، کتابهای منتشر



اکثر ما در دنیایی زندگی میکنیم که در لحظه حالمان وجود نداریم و زندگیمان را در خاطرات گذشته و یا انتظارات آینده سپری میکنیم و فقط در بعضی از مواقع قادر خواهیم بود برای لحظاتی کوتاه وارد زمان حال یا (بی زمانی) شویم.

در این دنیا فقط عده کمی از مردم قادرند با فراتر بگذارند و وارد بعد بی زمانی یا زمان حال (ابدیت) شوند و از این عده تنها عده انگشت شماری تجربه خویش را با دیگران قسمت میکنند، بودا، مسیح، گورجیف، حلاج، حافظ، مولانا، کریشنا، لائوسو و... کسانی بوده اند در جامعه زمان خودشان آنان را افرادی غیر عادی و بعضاً دیوانه خطاب میکردند و پس از مرگ، لقب عارف و پیامبر و فیلسوف... را بر آنها میگذاشتند. نکته قابل توجه اینکه بعد از مرگ قدیمی میشدند و روز به روز بر تعداد پیروانشان افزوده میشد!

بهاگوان شری راجنیش (اشو) یکی از معدود افرادی است که راز زیستن در بی زمانی را کشف کرده است، او در سن بیست و یک سالگی مشرف به نور الهی گشت و به اشراق رسید (روشن ضمیر شد).

اشو در یازدهم دسامبر ۱۹۳۱ در روستای کوچواد واقع در مادها پرادش هندوستان دیده به جهان گشود، او از کودکی روحی عصیانگر و حقیقت طلب داشت و از همان دوران بچگی اش سعی داشت تا حقیقت را بیابد و هرگز هیچ دین و آئینی را نپذیرفت و اسرار داشت هر چیزی را شخصا تجربه کند! او در اواخر ده ۱۹۶۰ میلادی فنون مراقبه پویا و منحصر به فرد خویش را به دنیا عرضه کرد. وی عقیده داشت که انسان عصر نوین چنان در زیر فشار سنت ها و نگرانی های زندگی مدرن گرفتار است که قبل از آنکه بتواند وارد حریم مراقبه شود، باید فرآیند پاکسازی عمیقی را از سر بگذراند.

اوایل دهه هفتاد بود که نام اشو به گوش غربیان رسید، در سال ۱۹۷۴ مرکزی در پونای هندوستان تاسیس شد و طولی نکشید که افراد بسیار زیادی به این محل آمدند.

او در تعالیم خود به راستی درباره هر جنبه از تحول ضمیر آگاه انسان سخن راند. وی نه بر اساس درک عقلی، بلکه بر اساس تجربه هستی گرایانه و خرد درونی خویش، آنچه را که برای جستجوی معنوی انسان معاصر اهمیت داشت، بازگو کرد.

اشو به هیچ مرام و آئین و مکانی تعلق ندارد! همانطور که خود در این باره میگوید: من سر آغاز یک آگاهی کاملاً تازه هستم، لطفاً مرا به گذشته پیوند نزنید، زیرا گذشته حتی ارزش یاد آوری هم ندارد.

سخنرانی های وی برای مریدان و حقیقت جویان از سراسر جهان به بیش

جیمز کابورن ، هنرپیشه

بی ادب، فرزانه، شوخ طبع، دیوانه و در نهایت، بسیار سلیم.
نشریه ی کتاب خوان ، آمریکا

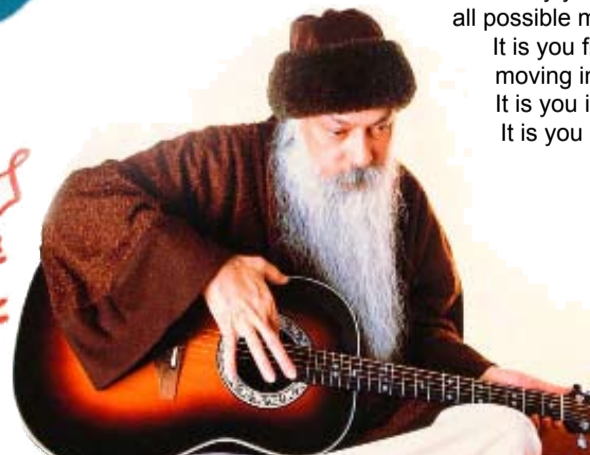
اشو در گفته های دیگران:

" اشو مرشدی به اشراق رسیده است که با تمامی امکانات مشغول کار است تا به انسان ها کمک کند که از مرحله ی دشوار توسعه ی معرفت عبور کنند."
تنگین گیاتسو، چهاردهمین دالایی لاما

" نوارهای سخنرانی و کتاب های او به من و میلیون ها انسان دیگر در راه تکامل فردی الهام بخشیده اند. حضور او در اینجا همچون زنگی عظیم است که صدا می زند بیدار شوید، بیدار شوید، بیدار شوید."

When mind knows, we call it knowledge
When heart knows, we call it love
And when being knows, we call it meditation
There is only one door which can help you, and that is within you
Taking a jump into yourself, you have plunged into existence
In that moment you feel a tremendous oneness with all
And then you are no longer lonely, no longer alone

There is only you expended in all direction, in all possible manifestation
It is you flowering in the tree, it is you moving in the white cloud
It is you in all the oceans, in the river
It is you in the animals, in the people



وقتی ذهن میشناسد، آن را دانش میخوانیم

وقتی دل میشناسد آن را عشق مینامیم

و آنگاه که وجود میشناسد، با مکاشفه روبرو میشویم

درون تو تنها گذرگاه هست که میتواند یاری رسان تو باشد

با سفر به درون میتوانی به هستی چنگ بزنی

در آن لحظه با همه چیز احساس یگانگی ژرفی میکنی

و دیگر تنها نیستی

این تنها تو هستی که در همه سو بسط یافته ای و در همه چیز تجلی کرده ای

این تو هستی که در درخت شکوفا شده ای، این تویی که در ابرهای سفید می خرامی

این تویی در اقیانوس و این تویی در رود

این تویی در جانوران و این تویی در انسان



reports@persianweekly.co.uk

سرعت انتشار شایعه!!!

شگفتی آور است که خبر و شایعه با چه سرعتی در شهر منتشر می شود! گاهی از زمانی که تنها چند نفر از یک خبر اطلاع داشته اند حتی دو ساعت هم نمی گذرد که دیگر تمام شهر از آن مطلع شده اند همه آن را شنیده اند. سرعت غیر عادی این انتشار عجیب به نظر می رسد مثل یک معما. ولی اگر وارد محاسبه شویم روشن می شود که هیچ معمایی در این جا وجود ندارد همه چیز مربوط به ویژگی های عدد است و هیچ جنبه ی رمز آمیزی در خود شایعه خبر وجود ندارد. ساعت ۸ صبح، یکی از اهالی پایتخت به یک شهر ۵۰ هزار نفری وارد می شود او حامل یک خبر جدید است در منزلی که او وارد می شود فقط سه نفر از مردم شهر ساکن هستند و او این خبر را برای آن ها بازگو می کند فرض می کنیم این کار یک ربع ساعت طول بکشد.

به این ترتیب در ساعت هشت و ربع صبح ۴ نفر از مردم شهر از خبر جدید آگاه شده اند یکی مسافر و سه نفر هم ساکنان منزل. هر یک از سه نفری که خبر جدید را شنیده اند به نوبه ی خود برای سه نفر دیگر از هم شهری هایشان بازگو می کنند و این هم یک ربع ساعت طول می کشد بنابراین نیم ساعت بعد از ورود خبر جدید به شهر تعداد ۱۳ = ۳(۳) + ۴ نفر از آن اطلاع دارند. هر یک از این ۹ نفری که تازه از خبر اطلاع پیدا کرده اند در یک ربع ساعت بعد، با سه نفر دیگر از هم شهری هایشان صحبت می کنند و به این ترتیب در ساعت هشت و سه ربع صبح تعداد کسانی که از این خبر با اطلاع اند چنین است
۴۰ = ۱۳(۳) + ۴۰

اگر انتشار خبر را به همین طریق دنبال کنیم یعنی فرد جدیدی که خبر را می شنود در عرض یک ربع ساعت به سه نفر دیگر اطلاع دهد تعداد افرادی از شهر که در ساعت های مختلف خبر را شنیده اند به ترتیب زیر خواهد بود:

نفر ۱۲۱ = ۳(۳۲) + ۴۰ در ساعت ۹ صبح
نفر ۳۶۴ = ۱۲۱(۳) + ۱۲۱ در ساعت ۹ و ربع
نفر ۱۰۹۳ = ۳۶۴(۳) + ۳۶۴ در ساعت ۹ و نیم

همان طور که می بینیم بعد از گذشت یک ساعت و نیم از آغاز پخش خبر تنها نزدیک ۱۱۰۰ نفر از اهالی آن را شنیده اند و این در مقابل جمعیت ۵۰ هزار نفری شهر رقم جالب توجهی نیست ممکن است این طور به نظر برسد که به این زودی ها همه ی مردم شهر با خبر از جریان نخواهند شد ولی به همین ترتیب انتشار خبر را دنبال می کنیم:

نفر ۳۲۸۰ = ۱۰۹۳(۳) + ۱۰۹۳ در ساعت ۹ و چهل و پنج دقیقه
نفر ۹۸۴۱ = ۳۲۸۰(۳) + ۳۲۸۰ در ساعت ۱۰ صبح
و بعد از یک ربع ساعت دیگر بیشتر از نصف مردم شهر از خبر جدید آگاه شده اند:
نفر ۲۹۵۲۴ = ۹۸۴۱(۳) + ۹۸۴۱
و این به معنای آن است که در حدود ساعت ده و نیم دیگر همه ی مردم شهر بزرگ، خبری را که ساعت ۸ صبح تنها یک نفر از آن با اطلاع بود می دانند.



حالا ببینیم محاسبه ی گذشته را چگونه انجام دادیم. در حقیقت عددهای زیر را با هم جمع کردیم:

$$+3+1(3 \times 2) + (3 \times 3 \times 2) + (3 \times 3 \times 3 \times 2) + \dots$$

آیا نمی توان این مجموع را مثل مجموع عدد های ۱...+۲+۳+۴+... به روش ساده ای معین کرد؟ به شرطی که ویژگی این عددها را به شکلی که در زیر مشخص کرده ایم در نظر بگیریم می توان روش محاسبه ی ساده را پیدا کرد:

۱=۱

۲=۱+۱+۲
۹=(۳+۱)×۱+۲
۲۷=(۹+۳+۱)×۱+۲
۸۱=(۲۷+۹+۳+۱)×۱+۲
به زبان دیگر هر عدد از این رشته اعداد برابر است با دو برابر مجموع تمام عدد های قبلی به اضافه ی یک.
از این جا نتیجه می شود که اگر بخواهیم مجموع همه ی عددهای این رشته را تا هر عدد دلخواه به دست آوریم کافی است به این عدد نصف خودش را اضافه کنیم (به شرطی که قبلا یک واحد از آن کم کرده باشیم)
مثلا مجموع عددهای ۱+۲+۳+۹+۲۷+۸۱+۲۴۳+۷۲۹ برابر است با مجموع ۷۲۹ با نصف یعنی ۷۲۸
۳۶۴+۷۲۹=۱۰۹۳

در مثالی که آوردیم هر کسی که از خبر جدید آگاهی پیدا می کرد آن را تنها با سه نفر از هم شهری های خود در میان می گذاشت ولی اگر ساکنین را بر حرف تر فرض کنیم به طوری که هر یک از آن ها به جای سه نفر با ۵ نفر یا حتی ۱۰ نفر دیگر از خبر جدید صحبت می کرد البته شایعه با سرعت بسیار بیشتری پراکنده می شد.
اگر فرض را بر این بگیریم که هر نفر با ۵ نفر دیگر شایعه را در میان بگذارد وضع پخش خبر بین اهالی شهر در ساعت های مختلف خواهد بود:

نفر ۱=در ساعت ۸ صبح

نفر ۶=۱+۵ در ساعت ۸:۱۵

نفر ۳۱=۶(۵) + ۶ در ساعت ۸:۳۰

نفر ۱۵۶=۳۱(۵) + ۳۱ در ساعت ۸:۴۵

نفر ۷۸۱=۱۵۶(۵) + ۱۵۶ در ساعت ۹

نفر ۳۹۰۶=۷۸۱(۵) + ۷۸۱ در ساعت ۹:۱۵

نفر ۱۹۵۳=۳۹۰۶(۵) + ۳۹۰۶ در ساعت ۹:۳۰

و قبل از این که ساعت به ۹:۴۵ برسد همه ی اهالی شهر از خبر جدید اطلاع داشتند. البته اگر هر کسی خبر جدیدی را که می شنود با ۱۰ نفر در میان بگذارد شایعه با سرعت باز هم بیشتری پخش خواهد شد در این حالت یک اتفاق جالبی هم برای اعداد می افتد

نفر ۱=در ساعت ۸ صبح

نفر ۱۱=۱+۱۰ در ساعت ۸:۱۵

نفر ۱۱۱=۱۱+۱۰۰ در ساعت ۸:۳۰

نفر ۱۱۱۱=۱۱۱+۱۰۰۰ در ساعت ۸:۴۵

نفر ۱۱۱۱۱=۱۱۱۱+۱۰۰۰۰ در ساعت ۹ صبح

روشن است که عدد بعدی این رشته اعداد، ۱۱۱۱۱۱ می باشد و این به معنای آن است که در آستانه ی شروع ساعت ۱۰ صبح همه ی اهالی شهر از خبر جدید اطلاع خواهند داشت و شایعه در طول نزدیک یک ساعت همه جا را فرا می گیرد

azizi@signatureclaims.co.uk



تصادف کرده اید و فکر میکنید مقصر نیستید؟
در موقع تصادف سرنشین بوده اید؟
جهت دریافت خسارت از بیمه دچار مشکل شده اید؟
آیا دچار حادثه در محل کار یا خیابان شده اید؟
آیا رانندگتان تاکسی هستید و ماشین PCO لازم دارید؟
با یک تلفن به کمپانی Signature Claim می توانید به همه خواسته های خود دست یابید.

با سپردن کلیه مشکلات خود در امور تصادفات به
گادرجب Signature Claim آسودگی خاطر خود را تضمین نمایید.

Signature
ACCIDENT CLAIM HELPLINE LTD

تعویض انوموبیل نصادفی
رفع مشکلات دریافت خسارت
جلوگیری از افزایش قیمت بیمه
قرار ملاقات در محل مورد نظر شما

برای اطلاعات بیشتر با آقای محمد عزیزی
تماس حاصل فرمایید

5Park Road, West Hendon, London, NW4 3QB

Tel: 020 8202 2822 08000 470 940

07958 192 192



reports@persianweekly.co.uk

نخستین های موسیقی در ایران

نخستین سرود رسمی ایران

مربوط به دوره ی قاجار ساخته ی «موسیو لومر فرانسوی»، موسیقی دان نظامی اعزامی به ایران این سرود برای پیانو نوشته و یک بار به هنگام ورود مظفرالدین شاه قاجار در پاریس در حضور وی اجرا شد و اجرای آن توسط ارکستر ملل اولین اجرای رسمی و ارکسترال آن بود در دوره حاضر ترانه ای برای آن توسط «بیژن ترقی» سروده شد و خواننده ای در تالار وحدت آن را خواند

نخستین مدرسه موسیقی در ایران

شعبه موسیقی دارالفنون نخستین مدرسه موسیقی در ایران است که در سال ۱۲۴۸ هجری شمسی به ریاست موسیو لومر فرانسوی تأسیس یافت.

نخستین کتاب موسیقی نظری

نخستین کتاب موسیقی نظری جدید که از نوشته‌های موسیو لومر فرانسوی بود در همان زمان توسط مزین الدوله نقاشباشی به فارسی برگردانده شد و در دسترس هنر آموزان قرار گرفت و در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی تعلیم موسیقی رسماً در برنامه مدارس قرار گرفت.

نخستین پیانو در ایران

نخستین پیانویی که به ایران آوردند، پیانویی کوچک بود که به تناسب وسایل حمل و نقل آن زمان انتقال آن از فرانسه به ایران امکان پذیر باشد. بدین جهت این پیانو فقط دارای پنج اکتاوی بود که صفحه جای انگشت آن از پیانو جدا می‌شد و حمل آن را تسهیل می‌کرد. مشیر همایون شهردار، استاد پیانو می‌نویسد: «این پیانو را در سال ۱۳۱۴ هجری شخصاً به اتفاق پدرم در منزل مرحوم «عضالدوله» پدر عین الدوله دیدم که روی آن به زبان فرانسه عبارتی نوشته شده بود حاکی از آنکه پیانویی مذکور را ناپلئون به فتحعلی شاه اهدا نموده است.

نخستین انجمن موسیقی و نخستین کنسرت

خیریه

در سال ۱۲۸۸ هجری قمری، ایران به یکی از بزرگترین قطعی‌ها و مرگامرگیهای تاریخ معاصر خود دچار گردید. در آن بحیوچه میرزا حسین خان سپهسالار به صدارت رسید. به علاج آن واقعه، نخست میرزا عیسی وزیر دارالخلافه را که به همدستی نانوایان، سختی بیش از پیش قحط و غلا را موجب بود، برکنار کرد. کار دیگرش برپایی مجلس اعانه بود در رمضان ۱۲۸۸ هجری قمری. هم‌زمان با این رویداد، «ژان باتیست لومر» رئیس موسیقی چیان سلطنتی و معلم موسیقی محفل سرگرمی و تفریح فرنگیان مقیم ایران، به افتتاح انجمن موسیقی تحت عنوان انجمن موسیکان مبادرت ورزید و در نخستین اقدام خود، جهت معاضدت به مجلس اعانت دارالخلافه به برپایی نخستین کنسرت خیریه اقدام کرد.

نخستین ارکستر رادیو

هنگامی که ایستگاه فرستنده به کار افتاد کار موسیقی رادیو را بعهده کمسیون گذاشتند که جز تشکیلات سازمان پرورش افکار بود و پس از تشکیل اداره تبلیغات امور هنری موسیقی نیز به اداره موسیقی کشور سپرده شد و شامل چند قسمت بدین شرح بود: موسیقی ایرانی توسط هیات نوازندگان و موسیقی اروپایی به وسیله ارکستری از استادان و هنرجویان هنرستان عالی موسیقی و غیر از این دو قسمت، بقیه ساعات بخش موسیقی با صفحه برگزار می‌شد. اولین هیات ارکستر عبارت بودند از نامی‌ترین نوازندگان آن زمان به شرح زیر ابوالحسن صبا (رئیس ارکستر)، ابراهیم منصوری و مهدی خالدی (نوازنده ویلن)، مرتضی نی داود و موسی معروفی و عبدالحسین شهنازی (تار)، حبیب سماعی (سنتور)، مرتضی محجوبی و جواد معروفی (پیانو)، حسین تهرانی (ضرب). از آذر ۱۳۳۰ ارکستری به نام ارکستر نوین تشکیل شد که رهبری آن را استاد علیقلی وزیر بعهده داشت و اولین ارکستری بود که آهنگهای موسیقی ایرانی را با هارمونی اجرا می‌کرد. خواننده آن هم عبدالعلی وزیری بود. این ارکستر آهنگهای بی آواز نیز اجرا می‌کرد.

نخستین نوازنده ویولون در ایران

ویولون از ادوات و آلات موسیقی جدید است که در زمان ناصرالدین شاه پس از تأسیس شعبه موسیقی دارالفنون، و آمدن مستشاران خارجی برای معلمی این شعبه و آوردن سازهای جدید مانند فلوت و قره‌نی در ایران معمول گردید

موسیو دوال فرانسوی که در اواخر عصر ناصری به ایران آمد و دو سال بیشتر در ایران نماند معلمی قسمتی از شعبه موسیقی دارالفنون را بر عهده داشت و استاد و نوازنده ویولون بود و این ساز را با قواعد مخصوص آن تعلیم می‌داد. و ظاهراً از قدیمی‌ترین مربی و معلم ویولون بود. حسن مشحون در کتاب تاریخ موسیقی ایران حسین هنگ آفرین، را قدیمی‌ترین ایرانی نوازنده ویولون معرفی کرده است ولیکن «روح الله خالقی» در کتاب سرگذشت موسیقی، «تقی دانشور» (اعلم السلطان) را نخستین ایرانی می‌نویسد که با ویولون آشنا شده است.



سرورالملک «بود که در هر گام دو پرده را تغییر کوک داد تا بتواند آهنگهای ملی را با آن اجرا کند که کوک پیانو برای این آهنگها به همین صورت است. گفته شده در سفری که «حاجی میرزا حسین خان سپهسالار»، ناصرالدین شاه را به اروپا برد، در مراجعت چند دستگاه پیانوی بزرگ و کامل برای دستگاه سلطنتی آوردند که به قراین در آن زمان کسی در تهران به نواختن پیانو و قوف نداشت. مرحوم «محمد صادق خان سرورالملک» استاد و نوازنده بی نظیر سنتور که در نظر ناصرالدین شاه قدر و منزلت مخصوص داشت به مناسبت نزدیک بودن وضع نواختن سنتور و پیانو کوشش کرد که برای خوش آمد شاه نواختن پیانو را فرا گیرد و با آنکه در سنین کهولت بود برای نیل به مقصود از قریحه و نبوغ خویش کمک گرفت و تا حد امکان توفیق حاصل کرد و چون تشخیص داده بود دو صدایی که علاوه بر دوازده صدای موجود در هر گام پیانو مورد لزوم موسیقی ایرانی است در صدای پیانو وجود ندارد همچنان که هنگام نواختن سنتور وقتی می‌خواهد از آهنگی به آهنگ دیگر بروند و حتی در حین نواختن همان یک آهنگ برای به دست آوردن آن دو صدا نیز خرک سنتور را پس و پیش می‌کنند، سرورالملک نیز با تغییر کوک دو صدای مورد احتیاج موسیقی ایرانی، کوکی را که حالا مشهور به کوک شور است ابتکار کرد.

نخستین دانشمندی که در ایران در فن موسیقی علمی و عملی کتاب نوشت

نخستین دانشمندی که پس از اسلام در ایران در فن موسیقی علمی و عملی کتاب نوشت فیلسوف و ریاضیدان و موسیقیدان بزرگ ایران ابونصر فارابی است که در سده چهار هجری می‌زیست. فارابی که خود در علم و عمل این فن مهارت داشت نخستین کتاب جامع خود را در این رشته نوشت. پیش از او نیز به دانشمند و طبیب نامی ایران محمد بن زکریای رازی نوشتن رساله‌ای را در موسیقی نسبت داده‌اند به نام «فی الجمل الموسیقی». پس از فارابی، حکیم و دانشمند نامی ایران ابو علی سینا در کتاب شفا بابی را با عنوان فن به موسیقی اختصاص داد و دانشمند کم نظیر ایران ابو ریحان بیرونی در کتاب «الاستخراج الاو تار فی الدائرة» را در موسیقی نوشت. پس از ابن سینا از جمله شاگردان او «ابو منصور زیله» کتاب الکافی الموسیقی را به رشته تحریر کشید.

نخستین مجموعه آلات و ادوات موسیقی در ایران

در سال ۱۳۰۴ هجری قمری «کلنل اسمیت» انگلیسی، رئیس تلگرافخانه انگلیس در تهران، مجموعه‌ای از آلات و ادوات موسیقی مفضض (آبکاری شده) شصت نفره ساخت انگلستان را که همه به نشان دولتی ایران مزین بوده است از طرف ملکه انگلستان به ناصرالدین شاه هدیه کرده و مورد عنایت خاصه پادشاه قاجار واقع شده است. به نظر می‌رسد این مجموعه موسیقی اولین و جامعترین مجموعه موسیقی بوده که تا آن تاریخ به ایران رسیده است.

نخستین کسی که موسیقی ایران را متحول کرد

غلامحسین درویش از هنرمندان نامی و استاد اواخر دوره قاجاریه است. وی در سال ۱۲۵۱ هجری شمسی در تهران متولد شد. پدرش چون به موسیقی علاقه داشت غلامحسین را به مدرسه موسیقی دارالفنون سپرد و وی به فراگرفتن خط موسیقی و نواختن شیپور و طبل کوچک مشغول شد. غلامحسین به دربار شاهی رفت و آمد داشت و ساز نوازندگان را می‌شنید. سپس پیش «آقا حسینقلی» به تکمیل فن خود پرداخت و بعد از سالها تمرین در نواختن تار و بویژه سه تار مهارت یافت و بهترین شاگرد استاد خود شد. با ظهور جنبش مشروطه در نخستین سر کنسرتهایی که در انجمن اخوت تشکیل شد وی سمت ریاست و رهبری ارکستر را داشت. درویش خان، نوعی آهنگ ضربی به نام پیش درآمد ساخت که تا سالها بعد از او، رواج بسیار داشت. «سعدی حسنی» در کتاب تاریخ موسیقی درباره پیدایش موسیقی نوین ایران می‌نویسد: «نخستین تحول واقعی موسیقی را غلامحسین درویش (۱۲۵۱ - ۱۳۰۵ هجری شمسی) آغاز کرد. درویش در نواختن تار دست داشت. تا آن زمان تار پنج سیم (دو سیم سفید، دو سیم زرد، و یک سیم بم) داشت و درویش از روی سه تار به فکر افتاد سیم دیگری به تار بیفزاید و از آن وقت تار دارای شش سیم شد. درویش در زمان تحصیل در مدرسه موسیقی نظام که تحت نظر «لومر» اداره می‌شد متوجه یکنواخت بودن موسیقی ایرانی شد، به این جهت آواز را که تا آن زمان بدون ضرب و طولانی بود، خلاصه کرد و به صورت ضربی در آورد و علاوه بر «درآمد» که پیش از آواز نواخته می‌شد قطعه ضربی دیگری به نام پیش درآمد به آن افزود. این استاد کم نظیر موسیقی ایران در شب چهارشنبه دوم آذرماه ۱۳۰۵ هجری شمسی هنگامی که از منزل یکی از دوستان به خانه می‌رفت درشکه اش با اتومبیلی تصادف کرد و بر اثر ضربه‌ای که بر سر او وارد آمد چنان به سختی صدمه دید که در دم جان سپرد. محمد هاشم میرزا متخلص به «افسر» در مدح این استاد و «درویش عبدالمجید طالقانی» مبتکر خط شکسته فارسی که در او طالقانی هستند دو بیت زیر را سروده است:

درویش زمان ما و درویش نخست هریک به رهی رسم تجدد می‌جست
آن یک خط راست را شکسته بنوشت وین موسیقی شکسته را کرد درست
ایرج میرزا نیز در وصف او از زبان «زهره» در منظومه «زهره و منوچهر» گفته است: تار نهم در کف درویش خان.

نخستین موسیقیدانی که اقدام به نوشتن

دستگاه ماهر کرد

سالار معزز از نخستین کسانی است که نوت را برای ثبت الحان موسیقی ملی ایران برگزید (قبل از وی لومر دست به این کار زده بود). این هنرمند برای فاصله‌های ربع پرده‌ای (نیم بمل یا کرن امروز) علامتی را که همان ایام احتمالاً نزد مصری‌ها و عراقی‌ها متداول بود اختیار کرد و با اتخاذ این روش برای نخستین بار اقدام به نوشتن دستگاه ماهر کرد.

نخستین مدرسه موسیقی به روش علمی در ایران

مدرسه موسیقی اولین مؤسسه دولتی است که برای تعلیمات موسیقی به روش علمی در ایران دایر شد، ولیکن چون منظور از تأسیس آن بهبود وضع موسیقی نظامی بود بیشتر از این نظر تعلیمات آن پیشرفت می‌کرد. شعبه موسیقی دارالفنون در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی از قشون منتزع شد و جزو یکی از واحدهای وزارت معارف درآمد و به نام مدرسه موسیقی نامیده شد. این مدرسه تا سال ۱۳۰۷ هجری شمسی زیر نظر سالار معزز و معاونت فرزند ارشد ایشان نصرالله خان مین باشیان ملقب به نصرالسلطان اداره می‌شد و به همین نام باقی بود و از آن پس سازمان آن دگرگون شد و مدرسه موسیقی دولتی نام گرفت.

نخستین کسی که نت و آهنگ را مدون کرد

صفی الدین ارموی، متولد ارومیه (قرن هفتم هجری قمری) در دربار «المستعصم» و «هلاکو» بوده و کتابی دارد به نام ادوار، وی اولین بار نت و آهنگ را مدون کرد و از حالت سماعی به صورت کتاب در آورد. صفی الدین در اصلاح و تکمیل نوآوریها و ابداعات قدما در موسیقی کوشیده و در فواصل گام نیز تحقیقاتی کرده است. او با بصیرتی که در علم و عمل موسیقی داشت نظر قدما را در پرده بندی عود تعدیل کرد و با تصرفات استادانه پرده‌های غیر لازم را حذف و محل پرده‌های مناسب را تثبیت نمود. صفی الدین اعتدالی در گام موسیقی ایران به وجود آورد و گام او در هر اکتاوی شامل هفده فاصله بوده است. نوشته‌اند که او موسیقی را به ترتیب جدیدی تنظیم کرد و روش وی مورد قبول و ملاک عمل استادان پس از او گردید و این روش هنوز تا حد زیادی در کشورهای اسلامی متداول است. ابتکار بعضی الحان و مقامها یا شعبه‌ها و گوشه‌ها را به وی نسبت داده اند. چنانکه خود در شرح حال خویش تلویحاً به ساختن آهنگ طرب انگیز اشاره می‌کند و طرب انگیز یکی از شعبه‌ها و گوشه‌های دستگاه ماهر است که اکنون استادان، فن آن را می‌نوازند. بعضی از تاریخ نویسان، «ارموی» را بزرگترین موسیقیدان ایران و پس از «اسحاق موصلی» بزرگترین موسیقیدان دوره اسلامی می‌دانند. کتاب‌های او از مهم‌ترین مآخذ موسیقی ایران دوره اسلامی است. وی برای نخستین بار آهنگ موسیقی را با الفبای ابجدی و عدد نوشت، و بدین شیوه توانست نغمه‌هایی را که پیش از این از راه گوش و سینه به سینه نقل می‌شد ثبت کند.

نخستین کسی که پیانو را کوک ایرانی کرد

اولین کسی که پیانو را کوک ایرانی کرد و الحان ملی را در آن نواخت

آگهی های شما به کیفیت و استمرار این هفته نامه یاری می رساند

برنامه های تابستانی ماه جولای هزار و یکشب

Thousand and One Nights, the hottest club in town playing the best Persian and current dance music in a unique atmosphere that must be experienced!

SUNDAY 15th JULY یکشنبه ۱۵ جولای

از ساعت ۷ شب تا ۲ بامداد

BOAT PARTY

ON THE RIVER THAMES

BBQ and SHISHA

SATURDAY 21th JULY شنبه ۲۱ جولای

از ساعت ۹ شب تا ۴ بامداد

SUNDAY 29th JULY یکشنبه ۲۹ جولای

از ساعت ۷ شب تا ۲ بامداد

DJ: VOICE DJ: SAYEH DJ: JOOBIN

THE YACHT CLUB,
TEMPLE PIER, VICTORIA EMBANKMENT,
LONDON, WC2R 2PN

روبروی آندرتراوند TEMPLE

تلفن اطلاعات: 07967021001

و ورودیه ۸
تا قبل از ساعت ۱۰، ۷ پوند
اعضای هزار و یکشب ۱۰ پوند
غیر اعضا ۱۲ پوند

با تشکر از کلیه عزیزان، نشریات و سرمه‌فانی که در این چند سال ما را یاری داده اند

و با تشکر از دوستانی که با تشریف فرمایی صمیمانه خود در برنامه هفدهمین سالگرد هزار و یکشب در ۸ جولای، ما را حمایت فرمودند

از پذیرفتن عزیزان با کفش گتانی و شلوار جین معذوریم



reports@persianweekly.co.uk

خواندنی و باور نکردنی!

خوابی که دنیا را تکان داد!



بطوریکه ساعت دیواری دفتر روزنامه " بوستون گلوب " نشان میداد، ساعت اندکی از سه بامداد گذشته بود و خبرنگار کشیک شب بنام " بایرون سام " که روی نیمکت خوابش برده بود، از خواب بیدار شد و سرش را تکان داد تا حالش جا بیاید و خاطره خواب وحشتناکی که دیده بود - از یاد ببرد. از اینکه می دید همه آن حوادث ناگوار، در عالم خواب اتفاق افتاده بود و حقیقت نداشت - کاملاً خوشحال بود. هنوز صدای فریاد کسانی را که در اقیانوس جوشانی که غل غل میکرد و فرو میرفتند - می شنید. او در خواب دید که توده های مذاب و گداخته ای از دامنه کوه، بسوی مزارع - دهکده و مردم آن جاری شده و انفجار عجیبی جزیره را به ستونی از آتش و دود و گل ولای مبدل ساخت است. ابهای خروشان دریا - در نقطه ای که لحظه ای پیش جزیره در آن قرار داشت - سر به طغیان گذاشته بودند. خبرنگار نشریه " بوستن گلوب " همانجا تنها روی نیمکت نشست و سرش را بین دو دست خود قرار داده بود. نگاه مدادی برداشت و جزئیات خوابی که دیده بود را روی کاغذ یادداشت کرد. او در این یادداشت، به توصیف جزئیات ماجرا پرداخت و نوشت که چگونه مردم وحشت زده جزیره کوچک " پرالیپ " واقع در نزدیکی " جاوه " گرفتار توده های مذاب و دریای جوشان شدند و آتش فشان - همه چیز را از بین برد. کشتی ها در برابر دیواری از آب، روی هم میغلتیدند، وعاقبت واپسین انفجار جزیره " پرالیپ " را از روی صفحه زمین محو کرد. این خبرنگار آمریکایی - انچنان تحت تاثیر خواب خود قرار گرفته بود که تمام اتفاقاتی را که در خواب دیده بود - جزء به جزء نوشت و سپس مطلب را روی میز گذاشت. روز بعد وقتی سردبیر این یادداشت را مشاهده کرد و تصور نمود خبری است که ظرف شب گذشته بوسیله تلگراف دریافت شده است و " بایرون سام " برای جلب توجه انرا روی میز او قرار داده است. او هنگامیکه مطلب را خواند احساس کرد این خبر یک خبر مهم است و برای همین او این مطلب را در دو ستون و در صفحه اول روزنامه چاپ کرد. هنگامیکه مشاهده کرد هیچیک از روزنامه های " بوستن " این خبر دست اول را چاپ نکرده اند - بسیار خوشحال شد - و با شادمانی این مطلب را بوسیله تلگرام در اختیار خبرگزاری " اسوشیتد پرس " گذاشت و آن خبرگزاری نیز به نوبه خود سایر روزنامه های آمریکا را تغذیه کرد. هر چند این مطلب، مهمترین مطلبی بود که در روز اوت ۱۸۸۳ انتشار یافت. اما سردبیر روزنامه " بوستن گلوب " به دردرس بزرگی دچار شد. زیرا تمام روزنامه ها خواستار جزئیات مربوط به این فاجعه بودند. در حالیکه او نمیتوانست پاسخ کافی و قانع کننده ای در اختیار آنان بگذارد. ارتباط با " جاوه " امکان پذیر نبود و خبرنگاری هم که این مطلب را نوشته بود - بعد از ترک روزنامه بخانه نرفته بود. بعد از کلی تلاش سرانجام سردبیر روزنامه " بوستون گلوب " انرا در خانه یکی از اقوامش یافت. ولی " بایرون سام " اظهار داشت که این مطلب را بر اساس خوابی که دیده بود برشته نگارش درآورده و تصادفاً انرا روی میز جا گذاشته است. بدتر از همه - مسئول کتابخانه روزنامه نیز اعلام کرد که جزیره ای بنام " پرالیپ " نه تنها در " جاوه " بلکه در هیچ نقطه دیگر جهان وجود ندارد. سردبیر روزنامه " بایرون سام " را بخاطر این اشتباه اخراج کرد. خبرگزاری " اسوشیتد پرس " برای چاره جوئی و حفظ اعتبار خویش در میان روزنامه های بزرگی که این گزارش بی اساس را چاپ کرده بودند، با دستپاچی تشکیل جلسه داد. روزنامه " بوستن گلوب " نیز که ابروی خود را در خطر می دید - در صد بر آمد راهی برای رهائی از این گرفتاری بیاید. سرانجام تصمیم گرفت در صفحه اول خود، از خوانندگانش بخاطر چاپ این گزارش غیر مستند پوزش بخواهد و خنده های تحقیرآمیز رقبای خود را تحمل کند. ولی همانروز طبیعت قدم به میدان گذاشت. امواج خروشان و سهمگین، سواحل باختری آمریکا را مورد تهدید قرار داده بودند. در همان زمان خبر رسید که فاجعه بزرگی در نزدیکی اقیانوس هند اتفاق افتاده است و بر اثر طغیان آب - هزاران نفر جان خود را از دست داده اند - و امواج سهمگین چندین فروند کشتی را به کام خود فرو برده است. روزنامه ها - قسمتهائی از گزارش مربوط به این حادثه را چاپ کردند و منتظر ماندند تا گزارش کاملتری بدستشان برسد. از " استرالیا " خبر رسید که هوا منقلب شده و امواج وحشتناکی به سواحل آمریکا - مکزیک - آمریکای جنوبی یورش برده.... چنان هنگامه ای بر پا شده که نظیر آن در تاریخ بشر دیده نشده است. چند روز بعد کشتی هائی که از این حادثه جان سالم بدر برده بودند، همراه خود اخبار هولناکی درباره آتش فشان جزیره " کرآ کاتو " آوردند. این گزارش حاکی بود که در گیرودار یک انفجار وحشناک در تنگه " سوندا " جزیره مذکور بکلی ناپدید شده بود. نوسانات مربوط به سنجش فشار هوا به سراسر جهان گزارش شد و این نوسانات، موجبات پیدایش یک تلاطم عظیم جوی را فراهم ساخت که در برابر شگفتی و حیرت دانشمندان، سه بار کره زمین را دور زده بود. از نظر مطبوعات این فاجعه یکی از مهمترین حوادثی بود که تا آن زمان رخ داده بود. به همین جهت - اخبار مربوط به این حادثه را با تیترهای درشت منتشر ساختند. چند روز بعد " بایرون سام " یعنی همان خبرنگاری که به اصطلاح گاف داده بود، نه تنها به سرکار خود بازگشت، بلکه عکس و تقصیلات او با اب و تاب زیاد، در صفحه های روزنامه های آمریکا بچاپ رسید. البته هیچکس نفهمید که چگونه این خبر از فاصله ای بسیار دور - یعنی در حدود نیمی از محیط کره زمین به این خبرنگار آمریکائی الهام شده بود. جزیره " کارآ کاتو " در روز ۲۷ اوت دستخوش حادثه شد و روز بعد از هم پاشید و در روز ۲۹ اوت به زیر آب رفت. صحنه وحشتناکی که " بایرون سام " در خواب دیده بود، عملاً صورت تحقق بخود گرفت. ولی او در یادداشت خود نام جزیره را " پرالیپ " ذکر کرده بود - در حالیکه فاجعه اکنون در جزیره ای بنام " کارآ کاتو " اتفاق افتاده بود. سالها این موضوع نامعلوم باقی ماند - تا اینکه انجمن تاریخی هلند یک نقشه قدیمی برای او فرستاد که در آن - نام این جزیره " پرالیپ " ذکر شده بود - و معلوم شد که اهالی بومی در یکصد و پنجاه سال قبل این جزیره را " پرالیپ " مینامیدند ولی از آن تاریخ به بعد دیگر به این نام خوانده نمی شد.

چرا مردم شهر پمپی مجسمه شدند؟!؟



مردی در معبری سوخته، مشتکی سکه را در دست میفشارد. شاید دزدی بوده یا شاید این پول پس انداز یک عمر او بحساب می آمده است، این سکه های طلا از هر کجا بدست آمده - سرنوشت او چنین بود که آنها را ۱۵۰۰ سال همچنان در مشت خود نگاهدارد، تا او را در قرن هجدهم از میان خاکستر و مواد مذاب سرد بیرون بکشند. او از اهالی شهر " پمپی " بود - یکی از شهرهای ثروتمند روم، نزدیک خلیج " ناپل " - که در روز هولناک ۱۹ اوت از عرصه گیتی محو شد. آتشفشان اگر چه شهر را نابود کرد - اما انرا زیر قشری از خاکستر محفوظ نگه داشت. فروشندگان، مغازه های خود را برای رفتن به خانه می بستند. دختران در نزدیکی چشمه مشغول گفتگو بودند. نانوائی خمیرهای نان را تازه در تنور کرده بود. در یک میکده مشتری سکه ای را بر روی میز گذاشته... ناگهان ... ناگهان نخستین لرزه آغاز شد. دختر میفروش تردید نکرد. دست پیش برد و سکه را برداشت. نانوا نانهایش را در تنور گذاشت... هنوز میتوان تمام آنها را در موزه " ناپل " دید! همانگونه تبدیل به سنگ شده اند. بعضی ها پا به فرار گذاشتند، زیرا میدانستند زلزله نخستین علامت شروع آتشفشانی است - اما دیگران خیلی دیر جتیبندند. صحنه ها بسیاری غم انگیز و باور نکردنی میباشد. اوج هنر طبیعت در این مکان - صحنه گارگاه مجسمه سازی شهر پمپی میباشد استاد مجسمه ساز به همراه سگی که بر سکوی نشسته توسط مجسمه ساز دیگری بنام طبیعت بشکل مجسمه درآمده اند.



این شاهکار وحشتناک یکی از اسرار امیزترین صحنه های خلق شده در شهر پمپی میباشد. گروهی از سوگواری کنندگان از زیر خاکستر بیرون آورده شدند - آنها خودشان در مراسم تدفین کسی شرکت داشتند. بعضی ها در حال دفن دلفینه های با ارزش و گرانبهای خود غافلگیر شده بودند. بعضی از ترس خشم آتشفشان خود را در خانه هایشان پنهان کرده بودند. بیشتر اهالی شهر لوازم زندگی خود را بر آراه بار کرده - اما پشت دروازه شهر گیر افتادند. وقتی بعد از ۲۸ ساعت آتشفشان " وزو " خاموش شد، شهر " پمپی " حدود ۶ متر به زیر خاکستر فرو رفته بود و از بیست هزار جمعیت آن دو هزار نفر ناپدید شده بودند. شهر و فاجعه برای قرنهای فراموشی سپرده شد - تا در سال ۱۷۴۸ مهندس درباره پادشاه ناپل درصدد واریسی تونل قدیمی که از رودخانه " سارنو " اب اشامیدنی به شهر میرسانید بر آمد و شروع به کنندن چاهی کرد. از حسن تصادف چاه درست از ناحیه تجاری شهر سر برآورد، و نقاشیهای دیواری بسیار زیبایی آشکار شد. در انجا به جسد یکی از اهالی " پمپی " برخوردند که چند سکه در دست داشت. در سال ۱۷۶۳ باستان شناس المانی به " پمپی " علاقمند شد و با مطالعه این شهر به یکی از متخصصان تاریخ این شهر بدل گردید. اما مقامات محلی از نزدیک شدن او و حفاری در این شهر باستانی جلوگیری بعمل آوردند. او با رشوه دادن به ماموران توانست به بازدید در انجا بپردازد و با کار دقیق توانست تحقیقاتی درباره تاریخ شهر بعمل آورد - اما مرگ نابهنگام او کارش را متوقف کرد. در این قرن آرشیتکت ایتالیایی " جوزپه فیورلی " دست به حفاری دقیق و مرحله به مرحله شهر زد - او هیچ یک از جزئیات را از قلم نینداخت. هنوز دو پنجم شهر در زیر خاک است - و چه بسا اسرار نهفته و حیرت انگیزی در آن پنهان شده باشد.



لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

سرقت از جواهر فروشی معروف لندن

۲ سارق در لباس خریدار، جواهر فروشی معروف لندن را زدند.

سارقان مسلح به عنوان مشتری وارد جواهر فروشی «گراف دایاموندز» واقع در یکی از خیابانهای غرب لندن شده و با تهدید کارکنان و مقدار قابل توجهی از جواهرات مغازه دار را ربودند و متواری شدند.

مرد چینی، سگ مهاجم را گاز گرفت

یک مرد چینی، سگ غریبه را به دلیل حمله به سگ خانگی اش به شدت گاز گرفت و کشت.

«گینگ»، یک مرد روستایی از منطقه یانگفان در استان هوی، سگ ناشناس بزرگی که به سگ دست آموزش حمله کرده بود، گاز گرفت. در جریان این درگیری، شانه مرد روستایی دچار جراحت و خمی شد.

"پانزده جنگ بزرگ دنیا" به زبان داستان

مجموعه پانزده جلدی "داستانهای پانزده جنگ بزرگ دنیا" پس از ۱۵۶ سال منتشر شد.

"پانزده جنگ بزرگ دنیا از مارتن تا واترلو" نوشته سیر ادوارد که در سال ۱۸۵۱ به نگارش درآمده بود وارد بازار جهانی کتاب شد. این کتاب با جنگ مارتن، نبرد بین امپراتوری ایران و یونان در چهارصد سال قبل از میلاد آغاز می شود و در ادامه با معرفی قهرمانان جنگهای مطرح تاریخ به توصیف این نبردها تا سال ۱۸۷۰ می پردازد و در انتها نیز با توصیف جنگ بلنهایم که بریتانیا فاتح آن بود پایان می یابد.

این انگلیسی های خرافاتی

عدد ۷ به اعتقاد بسیاری افراد در اروپا شانس می آورد اما نوزادی

که چندین عدد ۷ در شناسنامه اش دارد چقدر خوش شانس است؟ نوزاد دختر انگلیسی که روز شنبه (۷/۷/۲۰۰۷) درست ساعت ۷ صبح به دنیا آمده است سر و صدای بسیاری در این کشور به پا کرده است.

این دختر که در بیمارستان کودکان در بیرمنگام به دنیا آمده است هفتمین فرزند خانواده پر جمعیت شان هم هست.

خانم "اللی" ۳۷ ساله مادر این دختر امیدوار است این تعداد عدد هفت در آغاز زندگی دخترش بتواند برای او خوش شانسی بیاورد و او در آینده بلیطهای بخت آزمایی را برنده شود.

طراحی حرفه ای وب سایت خدمات نشر لیفلت و چاپ دیزاین طراحی لوگو

07733113137
02084537350

کلینیک زیبایی



لیزر ILP برای از بین بردن موی صورت ۵۵ پوند، زیر بغل ۴۰ پوند، چینه ۳۰ پوند بالای لب، ۲۰ پوند، بی کی تی ۴۵ پوند، یا ۱۴۰ پوند، با سبک آفتابان ۹۵ پوند و خشمه ۸۰ پوند

تزیین ناخن برای از بین بردن چروک، از ۱۷۰ پوند و جوانی کردن پوست از ۳۵ پوند

Facial و تمیز کردن صورت از ۱۴ پوند تا ۵۰ پوند، کلمه در سینه های زیبایی، الکترونیک ۳ پوند

از بین بردن مویرگ های قرمز ۳۵ پوند، لایه برداری پوست صورت و از بین بردن تک های صورت ۳۵ پوند Macroderm

Contact Lens رنگی ۱۰ پوند برای ایرانیان

جدیدترین مد جای آرایش و رنگ مو، انواع کوتاه کردن مو و آرایش عروس، بوت آپ مو

دکتر عباس شیر افکن دکتر ویلیامز

LEMOGE CLINIC 191 Kilburn High Road, NW6 7HY (near Bingso)
Open Mon-Fri: 9.30-19. Sat & Sun: 9-18. Tel: 020 7372 0044
020 7372 4433

QUEENS PARK CLINIC, 47 Salusbury Road, NW6 6NJ
(opposite Queens park Station)
Open Mon-Fri: 9.30-19, Sat & Sun: 10-17.30. Tel: 020 7912 0920
020 7604 3124

دکتر عباس شیر افکن همه روزه در LEMOGE بعد از ظهر هر ۷ ش مشاوره رایگان
ضمناً ما به کار تخصصی نیاز مندیم

نامی مطمئن و پیشرو

ساتلایت 5 ستاره

5 STAR SAT

نصب و تبدیل سیستم ثابت و موتورایزر
جهت دریافت هزاران کانال افغانی، فارسی
کردی، عربی، ترکی و اروپایی

کنترل کلیه کانالها از هر جای منزل بدون نیاز به سیم کشی

نصب آنتن تلویزیون و نصب تلویزیون پلاسما

نصب و راه اندازی کانالهای ماهواره ای در تمام نقاط انگلستان



Tel: 020 8395 3114
Help Line: 07817 690 167

Technomate

Your Digital Partner For Life

آریانا TV از کابل
آریانا افغانستان از آمریکا



reports@persianweekly.co.uk

بیوگرافی و فیلم شناسی محمد رضا شریفی نیا، بازیگر سرشناس سینما



نام: محمدرضا شریفی نیا

تاریخ تولد: ۱۳۳۴

همسر آرزیتا حاجیان (بازیگر)

پدر مهراوه و ملیکا شریفی نیا (بازیگران)

.....

برای اولین بار با بازی در نقش بسیار کوتاهی (استاد دانشگاه) در فیلم پری (داریوش مهرجویی، ۱۳۷۳) دیده شد. اما قبل از آن و در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ مشغول بازی در نقش ولید در مجموعه تلویزیونی امام علی (ع) (داود میرباقری) بود که با پخش این مجموعه در سال ۱۳۷۵ مطرح و شناخته شد. پس از پری آدم برفی (داود میرباقری، ۱۳۷۳) را بازی کرد که این فیلم به مدت سه سال توقیف شد. محمدرضا شریفی نیا علاوه بر بازی در فیلمهای سینمایی و مجموعه های تلویزیونی سمتهای دستیار کارگردان، برنامه ریز، عکاس را هم برعهده داشت. او علاوه بر اینها بهترین انتخاب برای گزینش بازیگر برای فیلمهای سینمایی است. در بسیاری از فیلمها انتخاب بازیگران بر عهده او بوده است. محمدرضا شریفی نیا بهترین بازی عمرش را در فیلم دنیا (منوچهر مصیری، ۱۳۸۱) ارائه داد. یک بازی قدرتمندانه از کسی که توانایی های بالقوه ای در ارائه نقش دارد.

فیلم شناسی:

آدم برفی (داود میر باقری، ۱۳۷۳)

پری (داریوش مهرجویی، ۱۳۷۳)

برج مینو (ابراهیم حاتمی کیا، ۱۳۷۴)

ابر و آفتاب (محمود کلاری، ۱۳۷۵)

لیلا (علی حاتمی، ۱۳۷۵)

سینما سینماست (سید ضیاء دری، ۱۳۷۵)

جهان پهلوان تختی (بهروز افخمی، ۱۳۷۶)

بازیگر (محمد علی شجادی، ۱۳۷۷)

شیدا (کمال تبریزی، ۱۳۷۷)

عشق کافی نیست (مهدی صباقراده، ۱۳۷۷)

بلوغ (مسعود جعفری جوزانی، ۷۸/۱۳۷۷)

دختردایی گمشده (داریوش مهرجویی، ۱۳۷۷)

میکس (داریوش مهرجویی، ۱۳۷۸)

مونس (حمید رخشانی، ۱۳۷۸)

دختری بنام تندر (حمید رضا آشتیانی پور، ۱۳۷۹)

مسافر ری (داود میر باقری، ۱۳۷۹)

مربای شیرین (مرضیه برومند، ۱۳۷۹)

عروس خوش قدم (کاظم راست گفتار، ۱۳۸۱)

دنیا (منوچهر مصیبی، ۱۳۸۱)

واکنش پنجم (تهمینه میلانی، ۱۳۸۱)

۱۳ گربه روی شیروانی (علی اکبر عبدالعلی زاده، ۱۳۸۲)

مکس (سامان مقدم، ۱۳۸۲)

سالاد فصل (فریدون جیرانی، ۱۳۸۳)

ازدواج به سبک ایرانی (حسن فتحی، ۱۳۸۳)

نقاب (پوکر) (کاظم راست گفتار، ۱۳۸۳)

گیس بریده (جمشید حیدری، ۱۳۸۳)

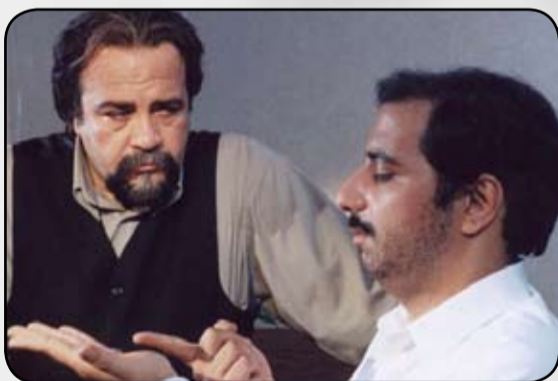
اخراجیها (مسعود ده نمکی، ۱۳۸۵)

مجموعه های تلویزیونی:

امام علی (ع) (مجموعه، داود میرباقری، ۱۳۷۰)

همسایه ها (مجموعه، محمدحسین لطیفی، ۱۳۸۰)

سفر سبز (مجموعه، محمدحسین لطیفی، ۱۳۸۰)



میکس



محاکمه



تسویه حساب



اخراجیها



reports@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

عکس ارسالی این هفته



کنسرت اندی در لندن، سال گذشته
عکس از: ع. ن. از لندن

Spirit & Life
An Exhibition of Masterpieces of Islamic Art
from the Aga Khan Museum Collection

14 July to
31 August
2007

THE ISMAILI CENTRE
TUESDAY TO SUNDAY
10 AM TO 4 PM
FREE ADMISSION

نمایشگاه

Low Price Catering Equipment
EASY EQUIP.co.uk
DIRECT FROM FACTORY

| | | | | | |
|--|---|--|--|--|------------------------------|
| | Heavy Duty, 6 Burners Gas Range £975 | | Manual Mincer, Vol. 12 £325 | | Cold room 1.5x1.5x2m £1959 |
| | Gas Conveyor 20 inch Belt Pizza Oven £4250 | | Heavy Duty Meat Mincer Mod 22 £595 | | Dairy Cabinet 1.8m £1995 |
| | Lincoln Conveyor Belt Pizza Oven £5250 | | Commercial Butcher Block 1200x600mm £495 | | Servis-Oven +2/+4 C.2m £1395 |
| | Imperial Gas Fryer, fully s/Steel £595 | | Commercial Band Saw 183/2 £795 | | |
| | Heavy Duty Spiral Dough Mixer 32 litre £795 | | | | |

London Showroom:
Unit 2B, 9-15 Elthorne Road,
London,
N19 4AJ

Tel: 020 7272 9300
www.easyequip.co.uk
E-mail: sales@easyequip.co.uk

All prices exclude V.A.T



لطفا مقالات آموزشی خود را برای ما ارسال نمایید info@persianweekly.co.uk

راهنمای ورود بستگان شما و درخواست ویزا برای آنان Relatives Who Come to the United Kingdom

به بهانه هفتم برج هفت سال دو هزار و هفت میلادی که از آن جمله
روزهایی بود که فقط یکبار در تاریخ بشریت تجربه میشود و آن هم ۶
روز پیش بود!!!

07/07/07

هفت، رقمی اسرارآمیز و مقدس

عجایب هفتگانه قرون وسطی

امروز و بنا به تقویم خویشاوندان آنسوی آب، فردا، روزی بسیار بسیار جالب است. این روز که هفتم جولای دو هزار و هفت نام دارد، هنگامی که به این شکل ۷/۷/۰۷ نوشته میشود، ماهیت جادویی خود را نشان میدهد.

در این روز که از نظر شمار فراوانی از افراد، خوش یمن ترین روز ممکن شناخته میشود، از شدت برگزاری مراسم عروس، رکورد شکن شده و مسئولین برگزاری مراسم ازدواج نمیدانند چگونه از عهده این تعداد فراوان جشن در یک شب، بر خواهند آمد.

از طرفی این روز، روزی عالی برای دارندگان کازینو در لاس وگاس و سایر نقاط "قمارخیز" جهان است. چرا که در قمار، قرار گرفتن سه عدد ۷ در کنار هم به معنای برنده شدن است و آزمودن بخت در روز ۷ ماه ۷ سال ۷، دیگر چه خواهد بود! اما به راستی چرا عدد ۷ از این همه قدر و منزلت برخوردار است؟

جادوی هفت

هفت، از ترکیب دو عدد سه و چهار ایجاد شده است که بنا بر حکمت فیثاغورثی و زمانی بسیار دورتر از آن، اعدادی خوش یمن شناخته میشوند. به عقیده بابلیان، مصریان و تمدنهای باستانی دیگر، به وجود ۷ سیاره مقدس اعتقاد داشتند. در زبان عبری لغت قسم خوردن، به طور تحت اللفظی به معنای قرار گرفتن تحت نیروی ۷ چیز است که برگرفته از هفت میثی است که در پیمان میان ابراهیم نبی و ابی ملک در بیرشیا به آن اشاره شده است.

هرودوت نیز به یک قسم عبری اشاره کرده که در آن هفت سنگ به خون آغشته میشوند. آفرینش جهان در هفت روز انجام شده، هفته هفت روز دارد، هفت حسن خداداد، هفت گناه کبیره، هفت مرحله در زندگی انسان، هفت طبقه بهشت و جهنم و مثالهای بیشماری دیگر در میان ادیان، ملل و اعصار مختلف از جمله مصادیق حضور جادویی عدد ۷ در زندگی و مرگ انسانها هستند.

تعدادی از مشهورترین ۷ های جهان از این قرارند:

هفت طبقه بهشت:

بر اساس آیات قرآن و مفسران احادیث، بالاترین درجه سعادت معنوی، ورود به طبقه هفتم بهشت است. مسلمانان به وجود هفت طبقه یا مرحله آمرزش و بهشتی شدن اعتقاد دارند. این طبقات هفتگانه همانهایی هستند که حضرت محمد(ص) در شب معراج خود سوار بر "براق" آنها را طی نموده است.

هفت گناه کبیره:

هفت گناه کبیره، گناهایی هستند که در زمان تاریخ بسیار قدیم رهبانیت مسیحی مشخص شده و در قرن ششم میلادی توسط پاپ گرگوری اول یا گرگوری کبیر در یک دسته قرار گرفته اند. این گناهان عبارتند از: تکبر، طمعکاری، شهوت - در معنای تمایل بیش از حد یا نامشروع جنسی، حسادت، شکم پرستی که معمولاً مستی نیز در آن منظور میشود و تنبلی. هفت گناه کبیره از موضوعات مورد علاقه در وعظ و خطابه ها، نمایشنامه های اخلاقی و هنر اروپای قرون وسطا بوده است.

هفت کلمه آخر:

هفت کلمه آخر، به آخرین جمله حضرت عیسی بر صلیب اشاره دارد. این کلمات از این قرارند: "خدای من، چرا مرا به خود واگذاشتی؟"

هفت علم انسانی (علوم سبعة):

طبقه بندی آزاد موضوعاتی که از قرن پنجم میلادی به بعد، دربرگیرنده برنامه آموزشی غرب در قرون وسطا بود. به نظر میرسد که نام "علوم انسانی" برگرفته از رساله "سیاست" ارسطو باشد که در آن از "شاخه هایی از دانش که شایسته انسان آزاد است"، یعنی دانش اولیه ای که برای یک شهروند با تحصیلات مناسب لازم است، سخن گفته است. این علوم عبارتند از علوم سه گانه: دستور زبان (ادبیات)، علم بیان و دیالکتیک (مباحثه و مکالمه) و علوم چهارگانه که پیشرفته تر بوده و از این قرارند: حساب، هندسه، موسیقی و نجوم.

عجایب هفتگانه طبیعی:

کوه اورست در مرز نپال و چین، آبشار ویکتوریا در آفریقا، گردن کنیون Grand Canyon آمریکا، ساحل مرجان بزرگ استرالیا، سپیده دم شمالی قطب شمال، آتشفشان پاریکوتین Paricutin در مکزیک و بندر ریو دوژانیرو برزیل

هفت مرد فرزانه:

نامی که در سنت یونانی به هفت تن از سیاستمداران، قانونگذاران و فیلسوفان قرن ۷ و ۶ قبل از میلاد داده شد. این فرزندان عبارتند از: سولون قانون گذار یونانی، تالس فیلسوف اهل میلتوس، پیتاکوس فرمانده نظامی اهل میلتین، کلتوبولوس فیلسوف اهل رودس، شیلون اسپارتی از ناظران شاه، بیاس فرزانه ترین هفت فرزانه، اهل پری یون و پریاندرا حاکم مستبد کورنتی.

هفت دریا:

شامل دریاهای قطب شمال و قطب جنوب، اقیانوس آرام شمالی و جنوبی، اقیانوس اطلس شمالی و جنوبی و اقیانوس هند.

هفت حس:

بر اساس تعلیمات باستانی، روح انسان یا "بدن مقدس درون" او مرکب از هفت خاصیت است که هر یک تحت تاثیر یکی از سیارات هفتگانه اند. آتش موجب زندگی، خاک به وجود آورنده توانایی احساس کردن، آب موجب قدرت بیان، هوا حس چشایی، مه موجب حس بینایی، گلهبا به وجود آورنده حس شنوایی و باد جنوب به وجود آورنده حس بویایی هستند.

هفتمین پسر از هفتمین پسر:

همانطور که گفتیم، هفت جادویی ترین اعداد است و در معرفت قومی، هفتمین فرزند پسر از هفتمین پسر یک خانواده با نیروهای قدرتمند جادویی و شفاهدنگی متولد میشود. او پیشگو است و میتواند طلسمهای قدرتمندی را اجرا کند و میتواند با نهادندست خود بر بدن افراد رنجور، آنان را شفا دهد.

عجایب هفتگانه قرون وسطی:

(۱) آمفی تئاتر روم، (۲) کاتاکومبهای (سرداب) اسکندریه، مصر (۳) دیوار بزرگ چین (۴) استون هنج در ویلتشایر انگلستان (۵) برج کج پیزا (۶) برج چینی (از جنس چینی) نانکینگ، چین (۷) مسجد ایا صوفیه در استانبول

چه خویشاوندانی را می توانید به بریتانیا بیاورید؟

قوانین مهاجرت اعلام می کنند که مادران و پدران بیوه که بیش از ۶۵ سال سن دارند، و همینطور اولیاء و پدر بزرگ و مادر بزرگ هایی که با هم مسافرت می کنند و یکی از آنها بیش از ۶۵ سال سن دارد، می توانند به بریتانیا بیایند. در برخی شرایط، به پسران، دختران، خواهران، برادران، عموها، دایی ها، عمه ها و خاله هایی که بیش از ۱۸ سال سن دارند، و همینطور اولیاء و پدر بزرگ و مادر بزرگ هایی که زیر ۶۵ سال دارند، ممکن است اجازه ورود داده شود.

چگونه آنها واجد شرایط برای ورود به بریتانیا می شوند؟

شما باید در حال حاضر در بریتانیا زندگی کرده و مقیم باشید و از نظر قانونی هیچ محدودیتی بر سر مدت زمان اقامت شما در این کشور وجود نداشته باشد، و آنها باید بتوانند نکات زیر را اثبات کنند: که آنها کاملاً یا عمدتاً از نظر مالی به شما وابسته هستند؛

که آنها از هیچ وابسته دیگری در کشور خودشان برخوردار نیستند که بتوانند از نظر مالی آنها را حمایت کند؛

که شما به اندازه کافی از امکانات مالی برای تامین زندگی و تهیه مسکن برای آنها برخوردارید بدون آنکه لازم باشد به امکانات

اجتماعی متوسل شوید.

اگر شرایط انسانی ویژه ای وجود داشته باشد در آنصورت کودکانی که بیش از ۱۸ سال سن دارند، خواهران، برادران، عمه ها، خاله ها، دایی ها، عموها و سایر اولیاء و پدر بزرگ و مادر بزرگ هایی که به تنهایی زندگی می کنند ممکن است واجد شرایطی باشند که در فوق به آنها اشاره شد.

آنها باید قبل از مسافرت به بریتانیا از حق ورود (entry clearance) به کشور برخوردار شوند.

کمک های دولتی چه هستند؟

اگر شما در بریتانیا زندگی می کنید یا مقیم هستید در آنصورت باید بتوانید خودتان را از نظر مالی و مسکن بدون برخوردارگی از برخی کمک های دولتی تامین کنید. اینها شامل موارد زیر می شوند:

کمک هزینه درآمد (Income Support) و کمک هزینه

کارجو (Jobseeker's Allowance - JSA);

حمایت مالی برای مسکن و بی خانمانی (homelessness)

کمک هزینه مسکن (Housing Benefit) و کمک هزینه مالیات

شهرداری (Council tax benefit)

اعتبار مالیاتی خانواده های شاغل (Working Families' Tax Credit)

پرداختی از صندوق اجتماعی (Social Fund)

کمک هزینه کودک (Child Benefit); یا

هر گونه کمک هزینه زندگی برای معلولین (Disability allowance)

حق ورود چیست؟

حق ورود، ویزا برای مسافرت به بریتانیا است. خویشاوند شما باید برای اخذ این ویزا به سفارت بریتانیا، کمیسیون عالی و یا سایر مقرهای دیپلماتیک بریتانیا (به آنها همچنین پست های دیپلماتیک بریتانیا گفته می شود) در کشوری که زندگی می کند رجوع کند. شما می توانید جزوات و اطلاعات توضیح دهنده در باره انواع ویزاهای مختلف را از مرکز کمک های حقوقی دریافت کنید. اگر

تقاضای خویشاوند شما برای اخذ حق ورود رد شود، در آنصورت آنها معمولاً از حق فرجام بر علیه این تصمیم برخوردارند. لطفاً به

یادداشتی باشید که باید طی ۲۸ روز پس از رد تقاضای این ویزا علیه تصمیم گرفته شده اقدام کنید.

هر چند کاملاً تلاش شده است تا اطلاعات این سند دقیق باشند ولی این سند یک اظهارنامه کامل و مستند از مفاد قانون در این باره

نیست و جایگزین مشاوره حقوقی نمی تواند باشد. ما مسئولیت عدم دقت و عواقب چنین بی دقتی را متقبل نمی شویم. محتوای این سند

برای کسانی نوشته شده است که مقیم انگلیس و ویلز هستند و یا تحت دایره شمول قوانین آنها می باشند.



reports@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

۸۳۷ دوربین جدید دیجیتال HP

دوربین های دیجیتال جدیدی که قرمزی چشم بر اثر برخورد نور فلش در تصاویر از بین می برند، امروزه رواج بسیاری یافته اند. اما در مورد درخشندگی چشمان سگ ها و گربه های خانگی که یکی دیگر از مشکلات موجود در این زمینه است چه می توان کرد؟ شرکت Hewlett-Packard در دوربین دیجیتال جدیدش R۸۳۷، این مشکل را برطرف نموده است. اصولاً نور بر شبکه چشم انسان و حیوان به صورت های متفاوت منعکس می گردد و در چشمان



حیوانات برافروختگی ترسناکی را ایجاد می کند. در این محصول جدید مشابه روشی که به منظور از بین بردن قرمزی چشم انسان به کار گرفته می شود، نرم افزار موجود در دوربین، درخشش چشمان حیوان را تشخیص می دهد و آن را با نقطه سیاهی، همانند مردمک چشمان انسان، جایگزین می کند.

Hewlett-Packard هم چنین نرم افزاری را در این دوربین قرار داده که با استفاده از آن می توان لک ها و چین و چروک های موجود در صورت انسان را در عکس های گرفته شده، رفع نمود.

این دوربین ۷.۲ مگا پیکسلی با قابلیت زوم اپتیکال ۲X و صفحه نمایش سه اینچی، ماه آینده با قیمتی معادل ۲۳۰ دلار روانه بازار خواهد شد.

علاوه بر برطرف نمودن درخشندگی چشمان حیوانات، این دوربین کانون توجه چشم را تشخیص می دهد و جهت نگاه حیوان را با یک نقطه سفید بسیار کوچک، نشان می دهد.

تنها در حالتی که در تاریکی مطلق عکس گرفته شود و درخشندگی چشم حیوان بسیار شدیدتر از حد معمول باشد، روتوش تعبیه شده در دوربین به درستی کار نخواهد کرد و در چنین شرایطی کاربر عکس قابل توجهی نخواهد داشت.

بانکی خود را ارسال کنند. چنانچه نامه ای الکترونیکی یا عادی دریافت کردید که ادعا می کند در رابطه با بخت آزمایی است که شما در آن شرکت نکرده اید توصیه می کنیم به آن پاسخ ندهید و هیچگونه فرمی را تکمیل ننمایید.

سایت اینترنتی مربوط به سازمان بخت آزمایی ملی بریتانیا اظهار می دارد که:

- ما برنده شدن فردی که در یک بخت آزمایی شرکت کرده است را از طریق پست الکترونیکی به او اعلام نمی نماییم. در صورتیکه نامه الکترونیکی به شما اعلام می نماید که در بخت آزمایی برنده شده اید، این نامه توسط سازمان بخت آزمایی ملی بریتانیا ارسال نشده است.
- ما شماره های برنده یا تاریخ های برنده شدن را از طریق پست الکترونیکی اعلام نمی کنیم.
- ما مبلغ جایزه را از طریق پست الکترونیکی اعلام نمی نماییم.

- ما از شرکت کنندگان درخواست اعلام نام، نشانی یا مشخصات بانکی را از طریق پست الکترونیکی نمی نماییم.

نکاتی در مورد مشخص شدن اینکه آیا نامه ای غیرواقعی و به قصد کلاهبرداری می باشد:

- نامه ممکن است حاوی واژه "فوری" باشد بدین معنی که "چنانچه (به عنوان مثال) در ظرف مدت ۵ روز پاسخ ندهید، حساب شما مسدود خواهد شد".

- ممکن است پیوندهایی در متن نامه الکترونیکی وجود داشته باشد که به نظر قانونی رسد زیرا حاوی بخش یا تمام نام شرکتی واقعی است. این پیوندها می توانند شما را به سایت های اینترنتی غیرواقعی متصل کنند که از شما می خواهد آخرین اطلاعات فردی مربوط به خود را در اختیار آنها قرار دهید

بخت آزمایی ملی انگلستان -UK National Lottery

بسیاری از افراد نامه های الکترونیکی (ایمیل) دریافت کرده اند که ادعا می کنند توسط سازمان بخت آزمایی ملی در بریتانیا ارسال شده اند و به دریافت کننده اعلام می کنند که برنده مبلغ قابل توجهی شده است. دریافت کنندگان چنین نامه های الکترونیکی می بایستی بسیار مراقب باشند. معمولاً به دنبال نامه اول، نامه الکترونیکی دیگری ارسال می شود و از برنده درخواست می شود مبلغی (معمولاً چند صد پوند) را برای تامین مخارج مربوطه پرداخت کند. این اقدام یک حقه و نیرنگ است که هدف آن دریافت پول از شما می باشد.

به دریافت کنندگان چنین نامه هایی که در آنها ادعا شده است از طرف شرکت های بخت آزمایی از بریتانیا ارسال شده اند، توصیه می نماید حداکثر دقت و احتیاط را بخصوص در مواردیکه از آنها درخواست پول برای دریافت جوایز می شود، به عمل آورند. شرکت های قانونی بخت آزمایی بریتانیا از افراد نمی خواهند جهت دریافت جوایز خود پول یا مشخصات

سرویس تعمیر و تنظیم موتور
گیربکس برق اگزوز کلاچ باطری
نقاشی صافکاری
و کارهای خدمات بیمه

اتو آریا

شرکت اتو آریا آماده مشاوره رایگان برای حل مشکلات شما
در ارتباط با اتومبیل و بیمه شما در هر زمان می باشد.

AUTO ARYA

در خدمت تمامی هموطنان، خصوصاً شمال تا غرب لندن



Tel: 020 8452 9100

74 Hassop Road, Cricklewood, London, NW2 6RX

Help Line: 079 8082 3895- 087 0890 7579

دیگران اتومبیل خود نباشید
ما کلیه مشکلات
اتومبیل شما را در اسرع وقت
با کیفیت عالی حل خواهیم کرد



تعویض خرید و فروش انواع اتومبیل
قیمت مناسب و گارانتی پس از فروش
از نمایندگی و تعمیرگاه
اتو آریا دیدن فرمائید



reports@persianweekly.co.uk

ترجمه شده از سایت Dr. Raz
vi's Good to Know Info
مخصوص گوگل خانم دکتر رضوی

توصیه پزشکی به کسانی که پرواز مکرر دارند

کارمندان گوگل

تنها کسانی نیستند که وقت زیادی را در هواپیما صرف می کنند ، خیلی ها از

عوارض «سندرم استفاده از کلاس عادی خطوط هوایی» رنج می برند. در اینجا می خواهم به ترفندهایی اشاره کنم که حتی به کار مسافران کارآزموده هوایی می آید و به علاوه برای کسانی که مسافرت های جاده ای طولانی با اتوبوس یا قطار دارند ، هم مفید هستند.

در «سندرم استفاده از کلاس عادی خطوط هوایی» ، در اثر مسافرت طولانی مسافران ، لخته های خون در پاها ایجاد می شود ، به این عارضه اصطلاحاً DVT یا لخته خون در وریدهای عمقی پا گفته می شود.

اما منظور ما از سفر طولانی چیست؟ سفر طولانی به سفری گفته می شود که بیش از دو ساعت طول بکشد ، بعد از دو ساعت ، حتی اگر پرواز خود را عوض کنید ، با گذشت هر ساعت ، احتمال بروز لخته افزایش می یابد. اگر لخته ها کهنه شوند و به ریه ها بروند - بیماری ای که به آن آمبولی ریوی PE می شود- می توانند منجر به مرگ شوند.

البته این سندرم می تواند به آسانی در مسافران کلاس تجاری یا کلاس ممتاز هواپیماها هم رخ دهد ، ولی به دلیل اینکه در کلاس های عادی خطوط هوایی ، صندلی های بیشتر و طبعاً فضای کمتری برای تحرک وجود دارد ، این عارضه بیشتر بروز پیدا می کند.

صدای مبهمی آمد ، چیزی گفتید؟ نگران نباشید ، تنها در ۳ تا ۵ درصد مسافران خطوط هوایی لخته های خون ایجاد می شود و بیشتر این لخته ها هم خود به خود از بین می روند. بنابراین تنها در عده کمی لخته های خون مشکلزا می شوند ، اما می توان با کارهایی از این درصد کم هم جلوگیری کرد. البته هر چقدر شما بیشتر پرواز کنید ، احتمال ایجاد لخته در شما بیشتر می شود ، به طوری که در تجاری که پروازهای مکرر دارند ، احتمال ایجاد لخته ۵۰ برابر دیگران است.

معمولاً تا چند روز بعد از پرواز ، بیماری نشانه ای ندارد و DVT می تواند



با گرفتگی عضلانی اشتباه شود. علائم بیماری شامل موارد زیر

هستند:

- التهاب ناگهانی یک پا (التهاب خفیف هر دو پا طبیعی است) - گرفتگی و درد در قسمت های پایینی یک پا

- کبودی یا التهاب پشت زانو - علائمی که در قفسه سینه پیدا می شوند (آمبولی ریوی) ، معمولاً ۲ تا ۴ روز و حتی دیرتر از زمان تشکیل لخته ، تظاهر پیدا می کنند. علائم می توانند شامل اینها باشند:

- تنگی نفس ، تنفس سریع ، نفس زدن - حس گرفتگی در یک سمت بدن ، تنفس دردناک - درد سینه و گاهی درد شانه

- تب - سرفه حاوی خون - غش

اگر فکر می کنید این بیماری برای مسافران سالم نمی تواند اتفاق بیفتد ، سخت در اشتباهید. ورزشکار بودن یک عامل خطر عمده است ، ورزشکاران ضربان قلب پایین تری دارند که باعث کم شدن جریان خون و افزایش ایستایی آن می شود. سایر کسانی که باید از لحاظ DVT ، تحت مراقبت شدید باشند ، اینها هستند:

- کسانی که اخیراً جراحی شده اند یا مجروح شده اند. ۳۰ روز قبل و بعد از مسافرت از جراحی پرهیز کنید.

- سابقه شخصی یا خانوادگی DVT

- سرطان ، بیماری قلبی ، دیابت یا چاقی - زنانی که حامله اند یا قرص های پیشگیری از حاملگی می خورند و یا هورمون درمانی می شوند.

فکر می کنم توجهتان را جلب کرده باشم. بالاخره چگونه می توان از DVT ، حین مسافرت جلوگیری کرد؟

- هر وقت ممکن باشد ، در هواپیما ، اتوبوس یا قطار راه بروید.

- هر ۳۰ تا ۶۰ دقیقه پاهای خودتان را ورزش بدهید. پایتان را دراز کنید و مچ پایتان را خم کنید ، انگشتان پایتان را بالا ببرید و آنها را از هم باز کنید. می توانید زانوهایتان را بچرخانید ، در هوا به صورت دایره ای آنها را حرکت دهید.

- اما اگر جایی برای دراز کردن پایتان نباشد ، پایتان را به صورت مسطح روی زمین بگذارید و در حالی که پاشنه پایتان را بالا می برید ، انگشتان پایتان را به پایین فشار بدهید و بچرخانید. بعد ، پاشنه پایتان را پایین بیاورید و در این حین ، انگشتان پایتان را بالا ببرید و از هم باز کنید. این کار را پنج بار یا بیشتر تکرار کنید.

- عضلان رانتان را ورزش دهید ، برای این کار پایتان را به صورت مسطح روی زمین بگذارید و سپس کف پایتان را چندین اینچ به جلو بلغزانید و سپس کف پا را به عقب بلغزانید و این کار را تکرار کنید. اگر جا داشته باشد ، پایتان را دراز کنید و بدون اینکه پایتان را تکان دهید ، عضلات رانتان را منقبض کنید.

- پاهایتان را روی هم نیندازید ، لباس های تنگ هم نپوشید. (زانو بند ، جوراب کشی تنگ ، لباس تنگ) ، البته جوراب های مخصوصی که خاصیت فشارندگی دارند ، مفید هستند.

- به اندازه کافی مایعات بخورید ، این مایعات نباید الکل یا کافئین داشته باشند و بهتر است نوشیدنی های حاوی الکترولیت باشند ، هر ۱ تا ۲ ساعت ، یک

فنجان آب بخورید ، نوشیدن مقدار زیاد آب معمولی توصیه نمی شود (در مسافرت های طولانی می تواند منجر به افزایش غلظت خون و تشکیل لخته شود). اگر عامل خاطر DVT را دارید مثل سابقه DVT ، با پزشکتان مشورت کنید ، شاید به درمان دارویی نیاز داشته باشد. (توجه داشته باشید که برخلاف عقیده عموم ، آسپرین از تشکیل این لخته ها جلوگیری نمی کند ، آسپرین عمدتاً اثر شریانی دارد و بر جریان خون وریدی بی تأثیر است.)

- البته توصیه استاندارد دیگری که می شود ، پرهیز از خواب است که من فکر می کنم کمی رحمانه است و مجازات غیرمعمولی برای مسافرانی محسوب می شود که در طی سفرشان ، سرگرمی چندانی ندارند.

اگر فکر می کنید که دچار DVT شده اید ، پاهایتان را ماساژ ندهید ، چون می تواند لخته را جابجا کند و باعث آمبولی ریوی شود. با پزشکتان تماس بگیرید و به او بگویید که مسافرت طولانی ای داشته اید و درد یا التهاب در یک پا دارید. تست مناسب تشخیصی اولتراسوند (سونوگرافی) یا است که نه نهجی است و نه دردناک.

نگهداری LAPTOP



بهترین روش برای نگهداری نوت بوک مراجعه به سایت شرکت سازنده و یا دفترچه های راهنمای همراه دستگاه است لیکن به صورت کلی می توان با رعایت نکات زیر کارکرد و عمر دستگاه را افزایش داد و با لذت و اطمینان از این ابزار پیشرفته استفاده کرد.

باتری: یکی از مهمترین دلایل تهیه نوت بوک توسط شما خاصیت قابل حمل بودن و داشتن عمر باتری زیاد است برای اینکه باتری بهترین کارکرد و عمر را داشته باشد باید اولین بار که نوت بوک را روشن می کنید آن را صد در صد شارژ کرده (بین یک تا سه ساعت)، سپس اجازه دهید، باتری کار کرده تا تخلیه شود به طوری که حداقل به ۱۰ درصد برسد این کار را ۲ الی ۳ مرتبه تکرار کنید تا کلیه سلولها قابلیت نگهداری شارژ خوب را بدست آورند. چنانچه همیشه از برق برای روشن بودن دستگاه استفاده می کنید باتری را ۱۰۰ درصد شارژ کرده، آنرا از دستگاه جدا و هفته ای ۱ الی ۲ بار آنرا شارژ کنید. هر چه تعداد به برق خوردن باتری کمتر باشد عمر باتری بیشتر خواهد بود. چنانچه از باتری استفاده می کنید اجازه دهید تا به حداقل شارژ ۱۰ درصد برسد (هنگامی که Low Battery ظاهر گردید) سپس آن را شارژ کنید. در ضمن جهت روشن کردن دستگاه همیشه ابتدا آداپتور را به برق سپس آن را به دستگاه متصل کنید. دقت کنید کارکرد باتری بستگی به فرکانس پردازنده - نور LCD و کارکرد درایوهای دستگاه دارد و زمانی که جهت کارکرد باتری ذکر می شود برای بهترین شرایط (Standby) بوده و کارکرد واقعی باتری بر اساس آمپر ساعت (mAh) و تعداد سلول های آن مشخص می شود.

درایوها: لنز (Optic) درایوها بسیار حساس می باشند درایو نوت بوک برای خواندن (DVD/CD) های اصل طراحی شده اند بنابراین اصراری در خواندن هر گونه (DVD/CD) که به صورت غیر استاندارد و روی (DVD/CD) را به صورت پی در پی انجام ندهید و حتماً فواصل کوتاهی بین آنها قرار دهید. چنانچه از درایو استفاده نمی کنید داخل آن (DVD/CD) قرار ندهید.

Keyboard و LCD: برای تمیز کردن فقط از مایعات مخصوص و یا یک دستمال بدون پرز کمی مرطوب باشد استفاده کنید سپس آن را با دستمال دیگر خشک کنید. از هیچگونه اسپری (حتی خشک) استفاده نکنید. دقت کنید مایعات و گرد و غبار به سرعت موجب خراب شدن Keyboard می شود. در صورتیکه مایعی روی دستگاه شما ریخت سریعاً آن را خاموش کرده و باتری را جدا کنید، آن را با باد سرد خشک و سریعاً به مرکز خدمات مراجعه کنید.

بازیابی (Recovery): نوت بوکها دارای سیستم عامل اصل شرکت مایکروسافت می باشند که نشانه آن زیر دستگاه نصب است که همراه درایورهای مربوطه خاص آن دستگاه بر روی آن نصب گردیده و چنانچه به هر علتی از بین بروند نصب آن، بسیار مشکل است. به همین دلیل در دستگاه های جدید، در یک قسمت از هارد دستگاه که معمولاً ۱۰ درصد ظرفیت آن بوده (به همین علت مقدار ظرفیت هارد کمتر از مقدار اسمی آن مشاهده می گردد) و به طور مخفی می باشد، قسمتی به نام Recovery وجود دارد که کل سیستم عامل، درایورها و برنامه های کاربردی

در آن می باشد. این برنامه در All Program و Control Panel وجود دارد. جهت تهیه نسخه پشتیبان از آن Recovery را اجرا، سپس گزینه اول که Create Recovery Disk است را باز کنید. چنانچه دستگاه دارای DVD RW بوده یا تهیه یک یا دو دی وی دی خام و چنانچه دارای CD RW بوده و با تهیه حداقل شش سی دی خام (تعداد در هر دستگاهی ذکر می گردد) به ترتیبی که اعلام می شود از Recovery یک نسخه پشتیبان تهیه کنید و آن را در آرشیو خود نگاه دارید. این کار باید همان روزهای ابتدای خرید دستگاه انجام گردد. هرگاه به هر علتی ویندوز از بین رفت یا مشکل پیدا کرد می توانید از آن استفاده کنید و دقت کنید که هیچگاه هارد را نباید فرمت کرد چون پارتیشن Recovery از بین می رود و در ضمن قبل از Recovery دستگاه، از اطلاعات شخصی خود حتماً نسخه پشتیبان تهیه کنید.

محافظت در برابر ویروس: لپ تاپها مانند سیستم عامل دارای برنامه ضد ویروس اصل شرکت های Norton یا McAfee می باشند، همواره آنها را به روز نگهدارید.

نکته: هنگام استفاده از بلندگوی خارجی بهتر است صدا حداکثر تا دو سوم باز گردد. در ضمن روشنایی دستگاه نیز در مواقع عادی تا دو سوم باشد و در آخر هنگام کار کردن هارد، دستگاه را حرکت ندهید.



info@persianweekly.co.uk

طنز هفته بند

۸. روزنامه (قانون) به سرپرستی میرزا ملکم خان که در لندن منتشر می شد (غیر دولتی).
۹. روزنامه (حبل المتین) به سرپرستی مؤید الا سلام در کلکته منتشر می شد (غیر دولتی)
۱۰. روزنامه (عروة الوثقی) به سرپرستی سید جمال الدین اسد ابادی در پاریس منتشر می شد (غیر دولتی).
۱۱. روزنامه های (حکمت) و (پرورش) که در قاهره منتشر می شدند.
۱۲. روزنامه (ملتی) که در سال ۱۲۸۲ هجری قمری در تهران انتشار یافت.
۱۳. روزنامه (خلاصه الحوادث) در سال ۱۳۱۶ هجری قمری در تهران منتشر شد.
۱۴. روزنامه (علمیه دولت ایران) در سال ۱۲۸۰ هجری قمری بمدت ۲ سال در ۵۳ شماره منتشر شد.
۱۵. نشریه (ایران سلطانی) که ماهنامه بود.
۱۶. روزنامه (علمی) که در ۱۲۹۳ هجری قمری منتشر شد.
۱۷. روزنامه (مربخ) که در ۱۲۹۵ هجری قمری در ۴ صفحه منتشر شد و شامل حوادث نظامی بود.
۱۸. نشریه (صور اسرافیل) که در ۱۳۱۹ هجری قمری به مدیریت میرزا جهانگیر خان شیرازی در قاهره منتشر شد.
۱۹. روزنامه (بهار) به مدیریت ملک الشعراى بهار، (نسیم شمال) به مدیریت سید اشرف الدین و (مساوات) به مدیریت مساوات.
۲۰. اولین روزنامه فکاهی روزنامه (طلوع) بود در سال ۱۳۱۸ هجری قمری به مدیریت عبدالحمید خان معین السلطنه.
۲۱. اولین روزنامه بزبان خارجی روزنامه (وطن) بود و به سرپرستی لوی نرمان به زبان فرانسه که فقط یک شماره آن منتشر گردید.
۲۲. اولین روزنامه متعلق به زنان نشریه (دانش) بود به مدیریت زوجه میرزا حسن خان کمالی

قدیمی ترین روزنامه های ایران !!!

۱. قدیمی ترین روزنامه ایران که در واقع ماهنامه بود بوسیله میرزا صالح شیرازی انتشار یافت.
۲. دومین روزنامه قدیمی ایران (وقایع اتفاقیه) بود که آن هم هفته نام بود و هفته ای یک بار منتشر می شد. سرپرست این نشریه میرزا تقی خان امیر کبیر بود (تاریخ انتشار ۱۱۹۰ هجری قمری)
۳. وقایع اتفاقیه از شماره ۴۷۱ به بعد (روزنامه دولت علیه ایران) در ۱۲۷۷ هجری قمری تغییر نام داد و زیر نظر ابوالحسن خان غفاری (صنیع الدوله) منتشر گردید و تا شماره ۵۹۱ ادامه یافت.
۴. روزنامه دولت علیه ایران به (روزنامه دولتی) تغییر نام داد و تا سال ۱۳۲۵ هجری قمری فعالیت داشت.
۵. (وزنامه رسمی دولت ایران) که در سال ۱۳۲۹ هجری قمری منتشر گردید.
۶. روزنامه های (شرف) و (مرآت السفر) و (مشکوٰه الحضر) که دولتی بود و در زمان حکومت ناصر الدین شاه منتشر می شدند.
۷. روزنامه (اختر) که به زبان فارسی اسلامبول منتشر می شد و در زمان ناصر الدین شاه و بعد از وی نیز ادامه داشت (مدت انتشار ۲۳ سال). این روزنامه غیر دولتی بود.

KHATIBI & ASSOCIATION
Business Advisors Chartered Accountants Registered Auditors

**موسسه حسابداری
و
حسابرسی خطیبی**

بالیانهای اشخاص، شرکا و شرکتها
ثبت شرکت و برنامه های تجاری

PAYE & VAT; Personal, Partnership and Company's
Tax return

Complete Tax Planning, PAYE & VAT Auditing and Accounting
service, Business Plans & Company registration

Tel/Fax: 020 7604 4378

Office M32, Merlin House, 122-126 Kilburn
High Road, London, NW6 4HY

بهترین سرویس قبل و بعد از فروش
کیفیت برتر، قیمت مناسبتر
کلیه شبکه های افغانی، فارسی، عربی، ترکی
کردی و کانالهای اروپایی
نصب سیستم ثابت و موتورایزر

Technomate
Your Digital Partner For Life

MAHTAB SAT

نصب آنتن تلویزیون
و
نصب تلویزیون پلاسما

مهتاب سات

Tel: 020 8640 9605
Help Line: 07967 724 435



لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

در آمدی بر عرفان مدرن

(قسمت سوم)

(گردآوری: بهزاد - ر / behzad@persianweekly.co.uk)

از کتاب کلید جهان های اسرار، اثر هارولد کلمپ

می خواهم به خانه برگردم



می خواهم به خانه برگردم! تقاضایش حالتی معنوی داشت. در بیچارگی نا امیدانه اش، حافظه ی ضعیف ولی نه خاموش روح، او را در بر می گرفت. او به یاد آورد که خانه ی حقیقی اش روی زمین نبود و او تنها برای سفر به آنجا آمده بود.

پذیرفتن زندگی آنگونه که هست وقتی دبرای صدای خود را شنید، از خود شکست و به قفس انسانیش بازگشت. او این طور دریافت که من اکنون در خانه هستم. اما این بار منظورش خانه ی آسمانیش نبود. منظورش زمین بود. زمین سخت، بی رحم و بی تفاوت. دبرا با صدای بلند گفت: «من هر وقت که بخواهم در خانه هستم. اینجا بهتر از این نمی شود. پس من هم اشک هایم را پاک می کنم و برای روزی برنامه ریزی می کنم که برای ترک اینجا به حد کافی بزرگ شده باشم.» سپس گریه را متوقف کرد. کلید درک او به سرعت رفته بود. در راه خانه باید شرایطی بوجود آید. اما در واقع آن شرایط در محدوده های قابل تحملی هستند. چه درک مهمتری برای یک کودک می تواند وجود داشته باشد؟

دبرا بزرگ شد، ازدواج کرد و سختی هایی را تحمل کرد که به شکر فایه کمال ختم شد. پسر اولش را از دست داد. زندگی با بودجه ی اندک از هم نپاشید و رنج های دیگری از این قبیل، او را به دل کندنی ناامیدانه کشاند. روزی افسرده و دلسرد به کلیسای پناه برد. داخل کلیسا مراسم عبادی در حال برگزاری بود و بیرون کلیسا مردم دعاهایی را به آرامی زمزمه می کردند. در آن لحظه که دبرا در عمق ناامیدی غرق بود، احساس کرد دست آسایش آمد تا روی شانه اش استراحت کند. چشمانش از تعجب باز شد. نگاهی به عقب انداخت تا از آن نوازش ملایم روح قدردانی کند. اما هوایی تهی، از چشمان متعجب وی استقبال کرد. هیچ کس در آن نزدیکی نبود. به هر حال شما ممکن است بگویید این احساس، سرابی بیش نبوده، ولی شاید اینطور هم نبوده.

در تعالیم باستانی اک (Eck)، خود خدا - که نمی گوئیم مذکر است یا مونث - در مقابل دید بشر ظاهر نمی شود و به حالت عادی میان انسان ها رفت و آمد نمی کند. اما خدا پیام آورانی معنوی را می فرستد که اغلب با عناوین قدسیین و فرشتگان و یا فرستادگان شناخته شده هستند. دبرا آن را در یک ضربان قلب دریافت. در واقع یک فرشته ی نهبان، دست اطمینان و آسایش را بر شانه اش گذاشته بود. داستان دبرا مثال فوق العاده ای ست از اینکه چطور شما هم ممکن است اشاره ی ملایمی را از جانب روح مقدس (اک) تجربه کنید، تا به شما در سفرتان نزد خدا کمک کند.

دبرا حتی قبل از ترک کلیسا می دانست که هدیه ای از رحمت، او را با برکاتی ویژه نوازش کرده است. این لحظه ی فوق العاده، درک اطمینانی بود از یک حقیقت کهن: زندگی چیزی بیش از یک پیاده روی اتفاقی ست. یک وجود الهی به دبرا فیض بخشیده بود. به عنوان فردی کاتولیک، جنبه ی فیزیکی زندگی را، اساسی تر از جنبه ی درونی آن می پنداشت و برای همین از درک چنین واقعیتی شگفت زده شده بود. این لطف الهی از طریق دست نوازش گری، ولو غیر قابل رویت می آمد.

آمده و به خواهرش حمله کرده و شکنجه گرش را به شدت کتک زد. خواهر بزرگتر که عصبانی شده بود، جریان را به پدرش گفت. پدر، خرد سلیمان نداشت و برای تنبیه دبرا را در اتاقش حبس کرد. دبرا که به تازگی شرایط سختی را پشت سر گذاشته بود، با خود فکر می کرد که خواهرش آغاز کننده ی جنگ بوده ولی پدر او را تنبیه کرده بود. او در حالی که از این بی عدالتی خرد شده بود، روی تختش دراز کشید. او فریاد می زد: «من می خواهم به خانه برگردم! من فقط می خواهم به خانه برگردم!» قلب دبرا با حالتی معنوی هریک از ما روح هستیم. همه ی ما روزی در بهشت های رفیع نور و صوت پاک خداوند، می خندیدیم و می خواندیم و بازی می کردیم. ما بدون نظم و نیاز به خدمت کردن به دیگران، تنها به خودمان خدمت می کردیم. بنابراین خداوند برای تجربه ی غنی زندگی در یک دنیای دوگانه، ما را به زمین فرستاد تا از بی نهایت هایی چون سرما و گرما، فقر و ثروت، و یا عشق و نفرت، رنج و لذت ببریم. این تمامی آموختن طبیعت حقیقی عشق بود. این ماموریت ماست. اولین درس بزرگ این است که به خودمان عشق بورزیم. بنابراین وقتی دبرا فریاد می زد «من می خواهم به خانه برگردم! من فقط

کودکی که او را دبرا می نامیم به نابه دلایلی، با نقصی در درجه ی معده اش متولد شده بود. پزشکام مطمئن نبودند که وی بتواند این شرایط را پشت سر بگذارد. در تمام مدت دوران کودکی، والدین دبرا او را اینطور به دیگران معرفی می کردند: «دختر ما با نقصی در درجه ی معده اش متولد شده و نمی تواند غذا را خیلی خوب نگهدارد.» چنین اظهاراتی بار منفی بسیار زیادی را در جوانی دبرا افزوده بود. روزی مشکل دبرا بسیار بحرانی شد و والدینش او را زمانی یافتند که کاملاً کیود شده بود و او را به بیمارستان منتقل کردند. دبرا به واسطه ی شانس و رحمت لهی نجات یافت. پزشکانی که از وی مراقبت می کردند اظهار کرده بودند که درجه ی معده، که آنها ثابت کرده بودند، در آینده مشکل چندانی به وجود نخواهد آورد. اکنون خواهر بزرگتر دبرا از تمسخر او لذت شیطانی می برد. بعد از اینکه دبرا از بیمارستان بازگشت، خواهرش جنگ شدیدی را با او آغاز کرد. خوشبختانه قوانین خانوادگی مانع از این می شد که خواهر دبرا آسیب جسمانی به وی وارد کند. اما بدرقاری های زبانی و تمسخر کار خودش را کرد. دیگر حرمت و احترام شخصی میان آنها وجود نداشت. در آن روز بخصوص دبرا از این بد رفتاری ها به ستوه

زیبا شوید، نه عروسک

گاهی آدم در کوچ و خیابان افرادی را می بیند که با دیدن آرایش آنها اولین چیزی که به ذهنش می رسد یا این است که طرف، آینه ای دم دست نداشته و یا اینکه صورتش را با موم نقاشی اشتباه گرفته که اینطور خود را «تابلو» کرده است! البته ما اصلاً قصد نداریم که در مورد آثار اجتماعی و فرهنگی و... آرایش های غلیظ و عجیب و غریب در این صفحه صحبت کنیم و به هر حال از قدیم گفته اند «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.» اما آرایش کردن نیز مثل هر کار دیگری ظرافت های خاص خود را می طلبد که بدون در نظر گرفتن آنها آرایش ممکن است فقط یک فاجعه بامزه باشد!

به طور قطع منظور همه آدم ها و به ویژه خانمها از آرایش کردن، زیباتر شدن است اما این هدف مسلماً با نقاشی کردن صورت بدست نمی آید، بلکه آرایش باید و طوری باشد که زیبایی های صورت را بیشتر جلوه دهد و نقاط ضعفی را که احتمالاً در صورت وجود دارند، محو کند. بنابراین، این تصور که آرایش هر چه غلیظتر و پررنگتر باشد زیباتر است، به طور کلی بی معنی و اشتباه است. شما می توانید با رعایت نکات کوچکی در مورد نحوه استفاده از لوازم آرایش، به گونه ای ظاهر خود را زیباتر کنید که نه تنها زنده نباشد بلکه طبیعی هم جلوه کند و چهره شما راشبیه عروسکی های پلاستیکی نکند.

کرم پودر کرم پودر معمولاً اولین ماده ای است که خانمها برای آرایش کردن استفاده می کنند و اصطلاحاً به عنوان «زیرسازی و پایه آرایش» شناخته می شود. رنگ کرم پودر مورد مصرف باید کاملاً هماهنگ با رنگ صورت شما باشد و به هیچ وجه نباید رنگ پوست را تغییر دهد. مغایر بودن رنگ کرم پودر مورد مصرف باعث می شود رنگ پوست صورت شما با رنگ پوست بقیه بدنتان تفاوت پیدا کند و دورنگه شوید!

برای انتخاب رنگ هماهنگ با پوست، بهتر است مقداری از کرم پودر را در امتداد خط فک و آرواره خود بمالید و رنگ آن را در انعکاس نور طبیعی، مشاهده کنید. در صورتی که نتوانید بین رنگ پوست این قسمت از صورت و قسمت های دیگر چهره تفاوتی قابل شوی، شما رنگ صحیح را انتخاب کرده اید ولی در صورت مشاهده تغییر رنگ پوست صورت، باید انتخاب خود را تصحیح کنید. البته به طور کلی این قانون وجود دارد که کرم پودرهای با رنگ پایه زرد، بسیار طبیعی تر از رنگ های دیگر به نظر می رسند و برای هر پوستی از معمولی گرفته تا تیره، به توجیه به درجه رنگ کرم زیا هستند. در مقابل، سعی کنید از کرم پودری که پایه رنگ آن، صورتی است استفاده نکنید، چون با مالیدن این کرمها به پوست، به نظر می رسد که ماسک به صورت خود زده اید و حالت بسیار مصنوعی دارد.

آرایش اجزای صورت از بالاترین قسمت، یعنی ابروها شروع می کنیم. اولین نکته این است به طور کلی تاتو را توصیه نمی کنیم، هر چند این روزها خیلی هم مد شده است. حتی بهتر است از کشیدن مداد ابرو، در داخل ابروها نیز خودداری کنید. درست است که پررنگ تر بودن ابروها نسبت به دیگر اجزای صورت باعث زیباتر شدن چهره می شود، اما پررنگ بودن بیش از حد ابروها هم مصنوعی به نظر می رسد و هم باعث می شود چهره شما شبیه شخصیت های کارتونی شود. در تمام مراحل آرایش باید توجه داشته باشید نباید اجزای صورت به نحو غیرطبیعی آرایش شوند چون زیبایی آرایش، به محو بودن آن است. برای پر کردن ابروها بهتر است یک رنگ از سایه چشم خود را انتخاب کنید که هماهنگی بیشتری با رنگ طبیعی ابروهای شما دارد. یک برس ابرو را که تا حدودی نوک آن نازکتر از سایر قسمت هایش چیده شده بردارید و به «سایه چشم» به مورد نظر بمالید. سپس با چند ضربه، اضافات پودر سایه را از برس تکانده و برس را با ضربات آرام، داخل ابروی خود بمالید. این کار را از داخلی ترین گوشه ابرو (تاج ابرو) شروع کنید و دقیقاً در امتداد خط طبیعی ابروی خود به سمت انتهای آن بروید.

اگر تمام مراحل آرایش خود را در نور طبیعی و روشنایی روز انجام دهید نتیجه مطلوب تری نصیب شما می شود.

آرایش پلکها

اولیه نکته در مورد سایه چشم است. خیلی از خانمها برای صرفه جویی در وقت، از همان رژگونه خود برای سایه چشم استفاده می کنند ولی این کار اصلاً مناسب نیست، چون رنگ صورتی تیره ای که در ترکیب رژگونهها به کار می رود، برای اطراف چشم در نظر گرفته شده است و نه تنها زیبایی چندانی ایجاد نمی کند بلکه برعکس باعث ایجاد حالت خستگی چشمها می شود. اگر می خواهید آرایش ساده ای داشته باشید و تنها از یک رنگ برای آرایش پلکها بایقتان استفاده کنید، بهتر است از رنگهایی مثل صورتی، قهوه ای سوخته و یارنگ بژ (قهوه ای-خاکستری) استفاده کنید، این رنگها به برس زدن اندکی احتیاج دارند و در کوتاهترین زمان می توانند زیبایی خاصی به پلکها ببخشند.

خط چشم، دومین کاریست که برای آرایش چشمها انجام می شود. کشیدن خط بر روی نیمی از پلک (بالا یا پایین) بهترین راه برای کوچک جلوه دادن چشمهاست که معمولاً با هدف کلی کشیدن خط چشم، مغایرت دارد. بنابراین برای درشت تر جلوه دادن چشمها بهتر است از ابتدای خط رویش مژهها تا انتها (بر روی پلک بالا یا پایین و یا هر دو) خط کاملی بکشید یعنی دقیقاً از داخلی ترین گوشه چشم تا خارجی ترین قسمت آنرا با خط چشم پوشش دهید. هنگام استفاده از ریمل نیز ابتدا مژههای گوشه داخلی چشم را ریمل بکشید و بعد به سمت مژههای خارجی پیش بروید.

آرایش گونهها

اگر می خواهید گونههای شما شبیه «خط عابر پیاده» به نظر نرسد، بهتر است «رژگونه» را به صورت افقی در امتداد گونه نمالید. برای مالیدن رژگونه ابتدا لبخند بزنید و بعد بر روی برجستگی های «سیب مانند» گونهها، رژگونه را بر این ترتیب بمالید: ابتدا برس رژگونه را به طور مایل به سمت خط رویش موهای سر ببرید و دوباره برس را روی برجستگی گونهها پایین بیاورید تا هم اضافات رنگ از گونه جدا شود و هم رنگ اندکی پخش شود.

آرایش لبها

برای آرایش لبها، از رژ لبی استفاده کنید که خیلی پررنگ نباشد، و رنگ متوسط داشته باشد. خط لب را بعد از استفاده رژ لب، بکشید. دقت کنید که خط لب خیلی پررنگتر از رنگ رژلب نباشد. خط لب خیلی غلیظ نه تنها «از مد افتاده» بلکه اصلاً هم زیبا نیست. برای اینکه رنگ خط لب شما زیبا و طبیعی باشد، از رنگی استفاده کنید که هم رنگ و یا نهایتاً یک درجه تیره تر از رنگ رژلب شما باشد. در ضمن خط لب را دقیقاً روی خط طبیعی لب خود (خطی که سطح صورت را از لب جدا می کند) بکشید و اگر لبهای شما کوچک هستند از نقاشی کردن لب خودداری کنید.

بهترین روش برای درشت تر کردن لبها کوچک، استفاده از رژلبهایی با رنگ متوسط (نه کم رنگ و نه پررنگ) و نیز استفاده از برق لب است.

بهتر است بعد از کشیدن خط لب، با یک قلموی نازک، اندکی رنگ خطلب و رژ لب را با هم مخلوط کنید تا هم، رنگ به صورت یکنواخت بر روی لبهای شما پخش شود و هر رنگ رژ و خط لبتان با یکدیگر چندان مغایرت نداشته باشند.

آرایش اجزای صورت، در اینجا به پایان می رسد اما ممکن است پوست برخی افراد دارای لکههایی باشد که احتیاج به محو کردن داشته باشد. در صورت وجود لک و یا حلقه سیاه دور چشم، این مرحله را بعد از استفاده کرم پودر بر روی پوست صورت انجام دهید.

در بازار محصولات زیبایی وجود دارند که برای محو کردن حلقه تیره زیر چشم استفاده می شوند. این کرمها بهتر است یکی-دو درجه روشن تر از رنگ پوست شما باشد. این محصولات بیشتر برای کم رنگ کردن لکههایی استفاده شود که بیشتر جلب توجه می کنند، اما راه بهتر برای محو کردن لکههای پوست، استفاده از همان کرم پودر رنگ پوست است. کرم پودر باید به صورت غلیظتر استفاده شود تا در نهایت لکهها نیز به رنگ طبیعی پوست در آیند. در ضمن بهتر است همواره از محصولات کرم پودر با «نشان (مارک) یکسان» استفاده کنید چون در این صورت امکان هماهنگ کردن آنها با یکدیگر بسیار آسان تر خواهید بود. بعد از پوشاندن لکهها توسط کرم پودر، سعی کنید با ضربات آهسته انگشت خود بر روی پوست، تمام قسمت های پوست صورت را هم سطح کنید تا برجستگی بر روی پوست شما نمایان نباشد. آرایش شما تمام شد، خسته نباشید!



reports@persianweekly.co.uk

نقطه (نزدیک دیرک) و نوار باریک سفید در سمت اهتزاز در بالاترین نقطه (دورترین به دیرک) قرار گیرد.

تفاوت میان پادشاهی متحده و بریتانیا ی کبیر چیست؟

بریتانیای کبیر از انگلستان، اسکاتلند و ویلز تشکیل شده است که با افزوده شدن ایرلند شمالی پادشاهی متحده را به وجود می آورند.

نام کامل پادشاهی متحده "پادشاهی متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی" می باشد. به صورت رسمی اصطلاح بریتانیا به پادشاهی متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی اطلاق می گردد. پادشاهی متحده از طریق تصویب قانونی در پارلمان در سال ۱۸۰۱ ایجاد شد.

در قرون وسطی ویلز از چندین پادشاهی کوچک یا ناحیه تشکیل شده بود که در حدود سال ۱۳۰۰ میلادی عمدتاً تحت کنترل انگلستان در آمده بودند. اما تنها با تصویب قوانین در پارلمان که در سال ۱۵۳۶ آغاز شد ویلز به طور رسمی در انگلستان ادغام گشت.

اسکاتلند و انگلستان تا سال ۱۶۰۳ دارای پادشاهی های جداگانه بودند. در این سال جیمز ششم پادشاه اسکاتلند به عنوان شانزدهمین ملکه الیزابت اول بر تخت شاهی انگلستان جلوس کرد. ادغام کامل دو کشور که پادشاهی متحده بریتانیای کبیر را به وجود آورد در سال ۱۷۰۷ انجام شد.

از قرن ۱۲ میلادی به بعد ایرلند به درجات مختلف تحت تاثیر انگلستان قرار داشت اما تا زمان تصویب قانون اتحاد در سال ۱۸۰۰ با بریتانیای کبیر متحد نشده بود. در سال ۱۹۲۲ ایرلند جنوبی از این اتحادیه خارج شد.

پیروان چه مذهبی در بریتانیا زندگی می کنند؟

در بریتانیا همگان از حق آزادی مذهب برخوردارند. از نظر تاریخی بریتانیا کشوری است مسیحی و تقریباً ۷/۱ میلیون نفر عضو فعال کلیسای انگلستان (انگلیکن) که از نظر قانونی کلیسای رسمی انگلستان شناخته می شود، هستند.

در اسکاتلند تقریباً ۱/۱ میلیون نفر عضو کلیسای پرزبیتاری-کلیسای مستقر در اسکاتلند- هستند. در ایرلند شمالی تقریباً نیمی از مردم خود را پروتستان و حدود ۴۰٪ خود را کاتولیک می دانند.

در ویلز موقعیت کلیسای انگلیکن در سال ۱۹۲۰ به عنوان کلیسای رسمی ملغی شد. این بدان معناست که کلیسای رسمی وجود ندارد ولی دو فرقه متدیویست و باپتیست از بیشترین تعداد پیروان برخوردارند.

در سال ۲۰۰۱ آمار جمعیتی هویت مذهبی جمع آوری شد. این امر در انگلستان، ویلز و اسکاتلند تازگی داشت اما در سرشماری های پیشین در ایرلند شمالی گنجانده شده بود.

کمی بیش از سه چهارم جمعیت بریتانیا اعلام نمودند دارای مذهب می باشند. بیش از هفت نفر از هر ده نفر (۷۲ درصد) مذهب خود را مسیحی اعلام نمودند. پس از مسیحیت اسلام با تقریباً ۳ درصد پیرو (۶/۱ میلیون نفر) در کل جمعیت، معمول ترین مذهب بود.

پر شمارترین گروه های مذهبی بعدی هندو (۵۵۹.۰۰۰) و سپس سیک (۳۳۶.۰۰۰)، یهودی (۲۶۷.۰۰۰) و بودایی (۱۵۲.۰۰۰) و ۱۷۹.۰۰۰ نفر پیرو مذاهب دیگر بودند که هر یک کمتر از ۱ درصد جمعیت را تشکیل داده و روی هم ۳ درصد دیگر از کل جمعیت بریتانیا را شامل می شدند.

در ایرلند شمالی به نسبت انگلستان و ویلز (۷۷٪) و اسکاتلند (۶۷٪)، مردم بیشتری خود را مذهبی می دانستند (۸۶٪). در حدود ۱۶ درصد از جمعیت بریتانیا اعلام نمودند که هیچ مذهبی ندارند. در این مقوله افرادی قرار می گیرند که لا ادری، غیر معتقد به خدا، و لا مذهب هستند و یا در برهه های پرسشنامه عبارت نمی دانم را ذکر نموده بودند.



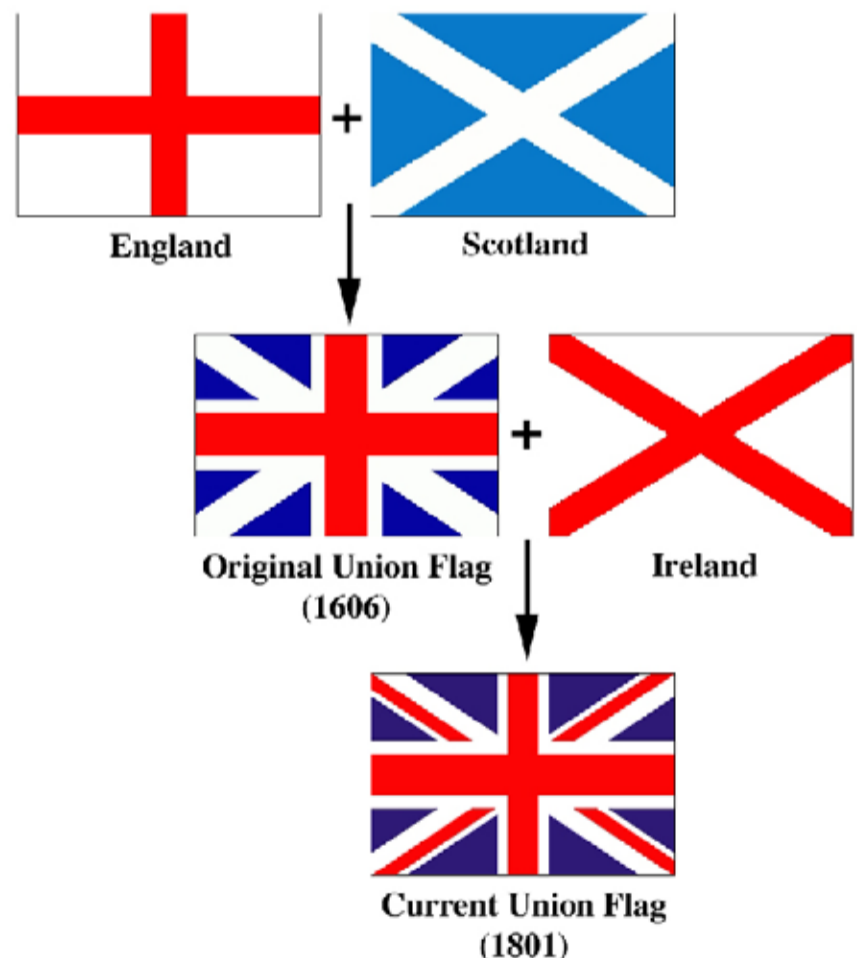
بریتانیا را بهتر بشناسیم

سرود ملی بریتانیا چیست؟

سرود ملی بریتانیا از سرودی میهن پرستانه که نخستین بار در سال ۱۷۴۵ اجرا شد، سرچشمه می گیرد.

به سبب آن که متن سرود به سنت بستگی دارد، سرود ملی فاقد یک شکل تایید شده رسمی است. در طی سالیان آبیاتی به آن اضافه شده است اما این آبیات به ندرت مورد استفاده قرار می گیرند. کلمات استفاده شده همان هایی هستند که در سرود سال ۱۷۴۵ وجود داشت با این تفاوت که هر وقت لازم باشد به جای شاه لفظ ملکه به کار می رود. در مراسم رسمی معمولاً تنها بخش اول که به شرح زیر است خوانده می شود:

خداوند حافظ ملکه بزرگوار ما باشد!
پاینده باد ملکه پاک نژاد ما!
خداوند نگهدار ملکه باد!
باشد پیروز، خرسند و با جلال،
حکمرانی کند بر ما دراز،
خداوند نگهدار ملکه باد!



پرچم بریتانیا چه شکلی دارد و نماد چیست؟

پرچم بریتانیا که در میان مردم به یونیون جک معروف است دارای مشخصه های زیر می باشد:

- برای انگلستان صلیب سرخ سنت جرج، بر روی زمینه سفید،
- برای اسکاتلند صلیب سفید مورب سنت اندرو، بر روی زمینه آبی،
- برای ایرلند صلیب سرخ موربی که به سنت پاتریک نسبت داده می شود، بر روی زمینه سفید.

شکل نهایی پرچم اتحادیه که شامل صلیب سنت پاتریک بود در سال ۱۸۰۱ پس از اتحاد بریتانیای کبیر با ایرلند ساخته شد. گرچه امروزه فقط ایرلند شمالی بخشی از بریتانیاست، این صلیب هنوز در پرچم باقی است.

ویلز در پرچم اتحادیه نمادی ندارد زیرا هنگامی که نخستین نمونه این پرچم به وجود آمد ویلز با انگلستان متحد بود. قدمت پرچم ملی ویلز که نقش اژدهای در زمینه سفید و سبز بر آن نقش بسته است، به قرن ۱۵ میلادی می رسد. این پرچم به شکل گسترده ای در سراسر ویلز استفاده می شود.

پرچم اتحادیه باید طوری بر فراز میله پرچم به اهتزاز درآید که نوار پهن سفید مورب در بالا برنده پرچم در بالاترین

خدمات تصویر برداری و مجالس

عکاسی مدل - فیلمبرداری مراسم شما

با بهترین کیفیت

078 6509 4370



reports@persianweekly.co.uk

سیندرلای ایرانی

یکی بود ، دو تا نبود ، زیر گنبد کبود که شاید کبود نبود و آبی بود ، یه دختر خوشگل بی پدر مادر زندگی می کرد. اسم این دختر خوشگلک سیندرلا بود که بلا نسبت دخترای امروزی، روم به دیوار روم به دیوار ، گلاب به روتون خیلی خوشگل بود . سیندرلا با نامادریش که اسمش صغرا خانم بود و ۲ تا خواهر ناتنیاش که اسمشون زری و پری بود زندگی می کرد . بیچاره سیندرلا از صبح که از خواب پا می شد باید کار می کرد تا آخر شب . آخه صغرا خانم خیلی ظالم بود . همش می گفت سیندرلا پارکت ها رو طی کشیدی؟ سیندرلا لور لور دراپه ها رو گرد گیری کردی؟ سیندرلا میله شیک توت فرنگی منو آماده کردی ؟ سیندرلا هم تو دلش می گفت : ای بتکی ، دلیل مرده ی گامبو ، کارد بخوره به اون شکمت که ۲ متر تو آفسایده ، و بلند می گفت : بعله مامی صغی (همون صغرا خانم خودمون) . خلاصه الهی بمیرم برای این دختر خوشگلک که بدبختیهاش یکی دو تا نبود القسه ، یه روز پسر پادشاه که خاک بر سرش شده بود و خوشی زیر دلش زده بود ، خر شد و تصمیم گرفت که ازدواج کنه . رفت پیش مامانش و گفت مامان جونم مامانش : بعله پسر دلبندم شاهزاده : من زن می خوام مامانش : تو غلط می کنی پسره ی گوش دراز ، نونت کمه ، آبت کمه ؟ دیگه زن گرفتنت چیه؟ شاهزاده : مامان تو رو خدا ، دارم پیر پسر می شم ، دارم مثل غنچه ی گل پرپر می شم مامانش در حالی که اشکش سرازیر شده بود گفت : باشه قند عسلم ، شیر و شکرکم ، پسر گلم ، می خوای با کی مزدوج شی؟ شاهزاده : هنوز نمی دونم ولی می دونم که از بی زنی دارم می میرم مامانش : من از فردا سراغ می گیرم تا یه دختر نجیب و آفتاب مهتاب ندیده و خوشگل مثل خودم برات پیدا کنم . خلاصه شاهزاده دیگه خواب و خوراک نداشت . همش منتظر بود تا مامانش یه دختر با کمالات و تحصیل کرده و امروزی براش گیر بیاره. یه روز مامانش گفت : کوچولوی عزیز مامان ، من تمام دخترای شهر رو دعوت کردم خونمون، از هر کدام که خوشش اومد بگو تا با پس گردنی برات بگیرمش ، شاهزاده گفت : چرا با پس گردنی؟ مامانش گفت : لاغ ، چرا نمی فهمی ، برای اینکه مهریه بهش ندی، پس آخه تو کی می خوای آدم بشی ؟ روز مهمونی فرا رسید ، سیندرلا و زری و پری هم دعوت شده بودند . زری و پری هزار ماشالله ، هزار الله اکبر ، بزمن به تخته ، شده بودند مثل ۲ تا بچه میمون ، اما سیندرلا ، وای چی بگم براتون شده بود یه تیکه ماه ، اصلا" ماه کیلویی چنده ، شده بود ونوس شایدم ... (مگه من فضولم ، اصلا" به ما چه شبیه چی شده بود) . صغرا خانم حسود چشم در اومده سیندرلا رو با خودش نبرد ، سیندرلا کنار شومینه نشست و قهوه ی تلخ نوشید و آه کشید و اشک ریخت . یهو دید یه فرشته ی تپل مپل با ۲ تا بال لنگه به لنگه ، با یه دماغ سلطنتی و چشمای لوچ جلوی روش ظاهر شد سیندرلا گفت : سلام..... فرشته : گیریم علیک . حالا آغوره می گیری واسه من ؟ سیندرلا : نه واسه خودم می گیرم فرشته : بیجا می کنی ، پاشو ببینم ، من اومدم که آرزوهات رو بر آورده کنم ، زود باش آرزو کن سیندرلا : آرزو می کنم که به مهمونیه شاهزاده برم فرشته : خوب برو ، به درک ، کی جلوی راهتو گرفته دختره ی پررو ؟ راه بازه جاده درازه..... سیندرلا : چشم میرم ، خداحافظ فرشته : خداحافظ سیندرلا پا شد ، می خواست راه بیفته . زنگ زد به آژانس ، ولی آژانس ماشین نداشت . زنگ زد به تاکسی تلفنی ولی اونجا هم ماشین نبود . زنگ زد پیک موتوری گفت : آقا موتور دارید؟ یارو گفت

خواص ازدواج

هم جدی بگیرید، هم نگیرید!

خواص ازدواج برای آقایان

... قبل از ازدواج خوابیدن تا لنگ ظهر، بعد از ازدواج بیدار شدن زودتر از خورشید، نتیجه گیری اخلاقی: سحرخیز شدن

... قبل از ازدواج رفتن به سفر بیاجازه، بعد از ازدواج رفتن به حیاط بالاجازه، نتیجه گیری اخلاقی: کسب اعتبار

... قبل از ازدواج خوردن بهترین غذاها بیمنت، بعد از ازدواج خوردن غذاهای سوخته با منت، نتیجه گیری اخلاقی: تقویت معده

... قبل از ازدواج استراحت مطلق بیجر و بحث، بعد از ازدواج کار کردن در شرایط سخت، نتیجه گیری اخلاقی: ورزشی شدن

... قبل از ازدواج آموزش گیتار و سنتور و... بعد از ازدواج آموزش بچه‌داری و شستن ظرف، نتیجه گیری اخلاقی: همدردی با خانمها

... قبل از ازدواج گرفتن پول تو جیبی از پاپا، بعد از ازدواج دادن کل حقوق به خانم، نتیجه گیری اخلاقی: مستقل شدن

خواص ازدواج برای خانم ها

... قبل از ازدواج وزن ایده‌آل با چهرهای بشاش، بعد از ازدواج چاق و افسرده و منزوی، نتیجه گیری اخلاقی: آمادگی بدن در مقابله با روزهای سخت

... قبل از ازدواج ایستادن در صف سینما و استخر، بعد از ازدواج ایستادن در صف شیر و گوشت، نتیجه گیری اخلاقی: آموزش ایستادگی

... قبل از ازدواج تعطیلات رفتن به دیزین واسکی، بعد از ازدواج در تعطیلات شست و شوی خانه و لباس، نتیجه گیری اخلاقی: پر شدن اوقات فراغت

... قبل از ازدواج نوشتن کتاب شعر و رمان، بعد از ازدواج نوشتن داستان پرنده در قفس، نتیجه گیری اخلاقی: شهرت باداورده

... قبل از ازدواج صحبت تلفنی بیمحاسبه زمان، بعد از ازدواج اتهام به پرحرفی حتی برای ده دقیقه، نتیجه گیری اخلاقی: حفظ عضلات صورت

... قبل از ازدواج رفتن به سفرهای هفتگی، بعد از ازدواج در حسرت رفتن به پارک سر کوچه، نتیجه گیری اخلاقی: در امنیت کامل به سر بردن

چت، جدیدترین اخبار لندن و مطالب خواندنی و عکسهای دیدنی در سایت

www.persianweekly.co.uk



هفته نامه پرشین جهت تکمیل کادر مطبوعاتی خود به تعدادی همکار نیازمند است ،

لطفاً علاقمندان با شماره 02084537350

یا ایمیل: info@persianweekly.co.uk تماس بگیرید



reports@persianweekly.co.uk

خانه و خانه داری

دستور آشپزی این هفته هدیه ایست از طرف
رستوران فود استیشن برای شما عزیزان

مرصع پلو

ملیت: ایرانی

مواد لازم:

- ۱ عدد مرغ
- ۴ لیوان برنج
- ۱ لیوان کشمش قرمز
- ۱ لیوان زرشک
- ۱/۲ یک دوم لیوان خلال پسته
- ۱/۲ یک دوم لیوان خلال بادام
- ۱/۲ یک دوم لیوان مغز گردو
- ۱/۳ لیوان خلال پوست پرتقال یا نارنگی
- ۲ عدد پیاز
- ۱/۳ قاشق چای خوری زعفران
- ۱ مشت نمک زبر
- روغن به مقدار نیاز
- ۱/۲ قاشق چای خوری زردچوبه
- مقداری شکر (در صورت نیاز)

طرز تهیه:



یکی دو ساعت قبل از شروع زرشک را در آب سرد خیس کنید، بگذارید تا خوب خیس بخورد. برنج را هم با آب گرم بشوید و در آب گرم بگذارید خیس بخورد.
اینها (مرغ، خلال پوست پرتقال یا نارنگی، زرشک، کشمش) برای تزئین مرصع پلو است در نتیجه باید قبل از شروع کردن پلو آماده باشند.

مرغ را به چهار پنج تیکه تقسیم کنید و آنرا همراه با مقداری آب و نیم قاشق زردچوبه و یکی از پیازها که پوست کنیده اید و خورد کرده اید آب پز کنید تا گوشت مرغ کاملا پخته شود. بگذارید مرغ سرد شود، سپس استخوانها را جدا کنید و مرغ را به قطعات کوچک تقسیم کنید (نگاه کنید به تصویر).

خلال پوست پرتقال یا نارنگی را اگر شیرین شده خریدهاید نیازی به شیرین کردن ندارد در غیر این صورت در اصطلاح آشپزی به این روش، شیرین کردن خلال پوست پرتقال یا نارنگی میگویند:

خلال را چند بار در آب خیس می کنید و بعد آب را خالی می کنید. در مرحله بعد باید آنرا چند بار در آب یکی دو جوش بدهید تا تلخی آن برود. معمولا سه بار باید این عمل را تکرار کنید و مزه کنید تا مطمئن شوید که تلخی خلال از بین رفته است.

رازهای زیبایی و سلامتی

پوست:

پوست نقش مهمی در سلامت بدن دارد. دفع مواد زاید از راه تعریق، تنفس و کمک به حفظ تعادل آب در بدن، ترشح و تهیه ویتامین D، تنظیم درجه حرارت بدن، انتقال حس لامسه و حرارت و آنتی کورساز، حفظ ساختمانهای زیرین و اندامهای درونی از کارهای اساسی پوست است.

پوست که از دو بخش اپیدرم (Epidermis) و درم (De-mis) تشکیل شده است، در بر گیرنده ۱۸ تا ۲۰ درصد از آب بدن فقط در ناحیه درم میباشند که با ابلا رفتن سن از مقدارش کاسته میشود.

پوست از نظر ضخامت متفاوت است. در پاره ای از نقاط نازکتر و در نتیجه حساستر و در برخی نقاط دیگر ضخیم تر و مقاومتر است. حساس ترین نقاط پوست در اطراف چشم ها قرار دارد. در همین قسمت رد پای زمان را بصورت چین و چروک میبینیم و به سن و سال دیگران پی می بریم. ضخیم ترین قسمت پوست در پاشنه های پا قرار دارد.

نکته جالبی که باید بدان اشاره کرد، ارتباط مستقیم موی سر و پوست صورت است. کسانی که موهای ناسالمی دارند و از پربی و شوره سر رنج میبرند به یقین با مشکلاتی در مورد پوست صورت هم روبرو هستند. این گروه اغلب جوشهایی بر روی پیشانی و بینی دارند.

بیماریها و درمانها

مویرگهای سطحی پوست:

مویرگهای سطحی نمایان و کبودی پوست را با ویتامین C به مقدار فراوان می توان درمان کرد.

مرکبات، کرفس، جعفری، گوجه فرنگی و خربزه در این زمینه میتوانند بسیار موثر باشند و توصیه می شود به اندازه کافی در غذای روزانه قرار گیرند.

دم کرده بابونه و نعناع صحرایی نیز، هم برای نوشیدن و هم برای شستشوی این قسمت پوست مفید میباشند. پوست هایی که دارای مویرگهای سطحی نمایان هستند، فقط باید با آب ولرم شستشو شوند. این گونه پوستها بسیار حساس و آسیب پذیرند و هرگز نباید از آب خیلی گرم یا سر جهت شستشوی آنها استفاده کرد.

بخور نیز جهت پاک کردن این پوست ها مضر میباشند. در صورت لزوم از آب گیاه یا جوشانده نیمه گرم آن بصورت کمپرس استفاده کنید.

ماسک مخمر آبجو و جوانه گندم:

رگر پوست شما دارای مویرگهای سطحی نمایان است از این ماسک استفاده کنید.

یک

قاشق چایخوری تخم مرغ (زرده و سفیده مخلوط)، یک قاشق چایخوری جوانه گندم، یک قاشق چایخوری روغن جوانه گندم، یک قاشق چایخوری مخمر آبجو

این مواد را مخلوط نمایید و به مدت ۱۵ دقیقه روی پوست بگذارید، سپس با پنبه و آب نیمه گرم پوست را تمیز نمایید. پس از خشک کردن پوست آنرا با روغن بادام چرب کنید.

پوست خشک و مویرگهای نمایان:

اگر پوست خشکی دارید که دارای مویرگهای نمایان است، باید از پوستتاتین بیشتر مراقبت کنید. ماسک مخمر آبجو و جوانه گندم برای شما مفید است و می توانید ماهی یکبار آنرا استفاده کنید. ماسک مؤثر دیگر برای شما مخلوط

یک قاشق چایخوری عسل میباشند. این ماسک را به مدت ۱۰ دقیقه خود گذاشته، سپس با بشوید.

چرب و مویرگهای سطحی نمایان: اگر پوست چربی دارید و مویرگهای پوستتان در روی گونه ها به چشم میخورد، میتوانید از آب جعفری و عسل ماسک خوبی داشته باشید.

یک قاشق سوپخوری آب جعفری را به یک قاشق غذا خوری عسل اضافه کنید. در صورتیکه پوست شما خیلی چرب میباشند، چند قطره آب لیمو ترش به آن بیفزایید و به مدت ۱۵ دقیقه روی پوست بگذارید، سپس با آب نیمه گرم بشوید.

روی پوست
آب نیمه گرم

پوست

اگر پوست چربی دارید و مویرگهای پوستتان در روی گونه ها به چشم میخورد، میتوانید از آب جعفری و عسل ماسک خوبی داشته باشید.

یک قاشق سوپخوری آب جعفری را به یک قاشق غذا خوری عسل اضافه کنید. در صورتیکه پوست شما خیلی چرب میباشند، چند قطره آب لیمو ترش به آن بیفزایید و به مدت ۱۵ دقیقه روی پوست بگذارید، سپس با آب نیمه گرم بشوید.

لوسیون همیشه بهار:

یکی از بهترین راههای درمان مویرگهای سطحی نمایان، گل همیشه بهار است.

مقداری از این گل را به مدت ۲۰ دقیقه در یک پیمانه آب جوش بریزید و سپس با پنبه روی محل بمالید.

س. قارون

عکس از: www.superbeauty.org

خواهید داشت و از خریدتان ناراضی خواهید بود.
۸- اگر گوشواره ای با آویز بلند دارید، بهتر است از گردنبدن صرف نظر کنید تا جلوه ی گوشوارهتان بیشتر شود.

اگر گردنی کشیده و بلند دارید و اگر موهایتان کوتاه است یا اگر موهای بلندی دارید که همیشه جمع می کنید، بهتر است از گوشواره های بلند و پهن استفاده کنید. اگر گوش های کوچکی دارید، ترجیحا از گوشواره های چسبان استفاده کنید.

۹- از طرح های جدید طلا و جواهر می توان به این موارد اشاره کرد: طرح های شوپارت، که در آنها چندین جواهر در یک محفظه شیشه ای به صورت معلق قرار می گیرند. کارهای مرصع کاری پنهان، که یک نگین بزرگ از به هم پیوستن چندین نگین کوچک تر تشکیل می شود به نحوی که از دور فقط یک تکه بزرگ نگین به نظر می رسد. و توری های بسیار نازک و ظریف، که برگرفته از طرح های ایتالیایی و سویسی است.

۱۰- خطر بروز حساسیت های پوستی در استفاده از انگشتر، گردنبدن، گوشواره و دستبند وجود دارد. اگر با نشانه هایی از حساسیت پوستی مواجه شدید، حتما برای درمان به پزشکان مراجعه کنید.

۱۱- و بالاخره اینکه، اگر طلا و جواهرتان را با استانداردها و معیارهای انتخابی خودتان بخرید، مطمئنا علاقه بیشتری به آن پیدا خواهید کرد و در نهایت هم از خرید خودتان راضی و خشنود خواهید بود. اسیر مد بودن و تقلید کورکورانه از مد روز، باعث می شود حس مالکیت و علاقهتان نسبت به آنچه خریداری کرده اید، به مرور از بین برود.

کنید، چون بخشی از فضای که برای جلوه ی گوشوارهتان لازم است، توسط پهنی و درخشندگی گردنبدناتان از بین می رود. ضمنا بهتر است که رنگ سنگ های به کار رفته در جواهرتان با رنگ پوستتان هماهنگ باشد.

۷- موقع انتخاب دستبند دقت کنید که دستبندتان تنگ نباشد و ضمنا آنقدر هم بزرگ نباشد که با کاهش وزن تان توی دست لق بزند یا از دست بیفتد. اگر دستتان نسبتا چاق است، دستبندی انتخاب کنید که کیپ دستتان نباشد.



دستبندهای تنگ، دستتان را چاق تر از آن چیزی که هست، نشان می دهند. در انتخاب دستبند باید راحتی دست را هم در نظر بگیرید. اگر دستبندتان باعث درد یا حس گرفتگی در مچ دستتان می شود، همیشه حس ناخوشایندی

طلا و جواهر و ۱۱ نکته

صابون مد، به تن طلا و جواهر هم خورده است. این روزها اگر چه به اقتضای مد، مارک هایی مانند ورساچی و بولگاری، ویتترین های طلا و جواهرفروشی ها را پر کرده اند، اما برای یک انتخاب خوب در دنیای طلا و جواهر باید به چند نکته توجه کنید. از جمله اینکه:

۱- اگر پوستتان سفید یخی است، ترجیحا به جای طلای زرد از طلای سفید استفاده کنید. درخشندگی طلای سفید، زیبایی و جلوه پوستتان را بیشتر می کند.

۲- اگر پوستتان گندمگون (رنگی مابین سفید و برنزه) است، استفاده از طلای زرد و ترکیب آن با طلای قرمز برای جلوه پوستتان مناسب تر است.

۳- اگر پوستتان برنزه یا سبزه تیره است، ترجیحا از زیورآلاتی استفاده کنید که ترکیبی از طلای سفید و زرد باشند.

۴- در مهمانی های رسمی اگر تنها نگین انگشتر و یا نگین آویز گردنبدناتان هم رنگ لباس یا مکمل رنگ لباستان باشد، مناسب تر است.

۵- گردنبدن پهن، اصطلاحا اسپرت است و استفاده از آن در محافل رسمی چندان مرسوم نیست. بهتر است که از این گردنبندها در مهمانی های صمیمی و محافل دوستانه استفاده کنید.

این را هم فراموش نکنید که اگر گردنبدناتان پهن باشد و نگین های رنگی داشته باشد، چهرهتان عبوس و گرفته به نظر می رسد.
۶- وقتی از گردنبدن پهن استفاده می کنید، بهتر است از گوشواره صرف نظر



لطفا اس ام اس های زیباتون رو برای ما بفرستید
077 3311 3137

جدول و سرگرمی

موقعیت عشقی صرف نمایید. عجلانه در ادامه و یا قطع آن تصمیم نگیرید. امروز روزیست که نبای در هیچ موردی عجله به خرج دهید.

فال این هفته

متولدین اسفند:
اگر قصد داشتید که شغل خانگی آغاز نمایید بدانید که در بهترین دوره در این رابطه قرار دارید. پیشنهاد شراکت و همکاری کسانی که دوستان دارند را رد نکنید.

متولدین شهریور:
گرفتاریهای جزئی را بی اهمیت نشمارید. در روابط عشقی و زناشویی بهبودی بیشتری احساس خواهید نمود. متاهلین بهتر است همفکری بیشتر با همسرشان داشته باشند.

متولدین فروردین:
حتم داشته باشید که عقاید و نقطه نظراتتان فوق العاده هستند. پس با اعتماد به نفس کامل بر مشکلات غلبه نمایید. مسایلی که باعث محدودیت شما بودند، حالا عاقبت به نحوی از سر راه تان رفع میشود که قادر به پیشروی خواهید شد.

دنیای مجازی چت
مطالب خواندنی در وب سایت
WWW.PERSIANWEEKLY.CO.UK

متولدین مهر:
اگر احتیاج بکمک دارید نگران شکستن غرورتان نباشید زیرا افرادی هستند افرادی که علی رغم توقعات با جان و دل حاضر بکمک و همکاری با شما میباشند.

متولدین اردیبهشت:
به پیشروی ادامه دهید و پذیرای تغییر و تحولات آینده باشید. پس هر آنچه را در دل دارید به زبان آورید و از ادا و اصول در برابر خانواده جدا خودداری کنید. تغییر و تحولی ناگهانی در شما ایجاد خواهد شد که لازم است در آن صورت با دقت به ندای دلتان گوش فرا دهید.

فال قهوه
ورق تاروت
079 0453 4265

متولدین آبان:
عشق همچنان بهترین پشتیبان شما خواهد بود و در زندگی زناشویی آرامشی بینظیر تجربه خواهید نمود. امروز یکی از دوستان دوران کودکی و یا تحصیلی را ملاقات خواهید نمود و یا خبری از او خواهید شنید. روز خوبی برای شماسست.

متولدین خرداد:
شانس مسافرت بخاطر رشته فعالیتتان وجود دارد که میتواند نقش بسیار مثبتی را در آرام نمودن اعصابتان بازی کند ولی برای متاهلین روزی نخواهد بود که بخاطر بچه ها و مسائل مالی بیهوده سربسر هم نگذارید.

متولدین آذر:
موقعیت مالی ممکن است تغییر بخصوصی نداشته باشد ولی نگرانی نیز ایجاد نخواهد نمود. موقعیت سفری چند روزه و تفریحی را از دست ندهید. از طرف بچه ها فوق العاده خوشحال خواهید شد و متاهلین نیز با تمام تلاششان نتوانند توانست بر سوءتفاهمات پیش آمده فائق بشوند.

متولدین تیر:
دوره مثبتی برای گرفتن وام و قرض نمیشاید. سعی کنید مشکلات و سوءتفاهماتی را که بین شما و همسر و یا محبوبتان وجود داشته است، بکلی رفع نمایید و بهمین دلیل نیز احتیاج دارید که وقت بیشتری را با او صرف نمایید.

متولدین دی:
در زندگی زناشویی و احساسی اگر منطقه تصمیمات خود را بگیرید، خودتان را خوشبختتر خواهید یافت. در دوره فشارهای شدید مالی قرار دارید که امروز خبری خوش برای کمک به این وضعیت خواهید شنید.

متولدین مرداد:
آشنائی با جنس مخالف میتواند تبدیل به رابطه عشقی بسیار زیبایی برای امروز شما باشد که در انتها به عروسی و تشکیل خانواده نیز بیانجامد. ورود مسافرائی باعث خواهد شد که بعد از سالیان دراز عزیزانتان را بار دیگر ملاقات کنید.

متولدین بهمن:
در رابطه با زندگی احساسی، سعی کنید وقت بیشتری را برای بررسی

| جدول عددی | ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
|-----------|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۲ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۳ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۴ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۵ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۶ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۷ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۸ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۹ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۰ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۱ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۲ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۳ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۴ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۵ | | | | | | | | | | | | | | | |

| جدول عددی | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
|-----------|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|
| ۱ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۲ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۳ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۴ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۵ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۶ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۷ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۸ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۹ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۰ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۱ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۲ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۳ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۴ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۵ | | | | | | | | | | | | | | | |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| | | 7 | | | 2 |
| 2 | 4 | | 7 | 5 | 9 |
| | | | 2 | 5 | |
| 3 | 9 | | | 6 | 5 |
| | | | | 8 | |
| 7 | 6 | | 5 | | 2 |
| | | | 6 | 3 | |
| 6 | 5 | | 1 | | 7 |
| | | | | | 6 |
| | | 3 | | | |

آموزش کامپیوتر و نرم افزارهای جانبی
آموزش طراحی وب سایت های شخصی و تجاری در منزل یا محل کار شما
بهزاد - ۰۷۹۰۹۷۷۸۱۸۵

فصل اول: مبانی کامپیوتر و اینترنت
فصل دوم: سیستم عامل و مدیریت فایل
فصل سوم: کاربردهای اینترنت و ایمیل
فصل چهارم: نرم افزارهای آفیس و کاربردهای آن
فصل پنجم: طراحی وب سایت و ابزارهای آن
فصل ششم: امنیت و رمزنگاری در کامپیوتر
فصل هفتم: موبایل و تبلت و کاربردهای آن
فصل هشتم: شبکه های کامپیوتر و اینترنت
فصل نهم: بازی و سرگرمی های کامپیوتر
فصل دهم: اخبار و رویدادهای دنیای تکنولوژی

فصل یازدهم: طراحی گرافیک و کاربردهای آن
فصل بیستم: آموزش نرم افزارهای تخصصی
فصل بیست و یکم: اخبار و رویدادهای دنیای تکنولوژی
فصل بیست و دوم: آموزش نرم افزارهای تخصصی
فصل بیست و سوم: اخبار و رویدادهای دنیای تکنولوژی
فصل بیست و چهارم: آموزش نرم افزارهای تخصصی
فصل بیست و پنجم: اخبار و رویدادهای دنیای تکنولوژی
فصل بیست و ششم: آموزش نرم افزارهای تخصصی
فصل بیست و هفتم: اخبار و رویدادهای دنیای تکنولوژی
فصل بیست و هشتم: آموزش نرم افزارهای تخصصی
فصل بیست و نهم: اخبار و رویدادهای دنیای تکنولوژی
فصل بیستم: آموزش نرم افزارهای تخصصی



reports@persianweekly.co.uk

صفحه شما

SMS



مهم این نیست که تو آد لیست مسنجرمون چند نفر آد شدن. مهم اینه که تو قلبمون فقط ۱ نفر ادد شده باشه که با هم آن بشیم، باهم آرشیو زندگی رو دوره کنیم و با هم آف بشیم. اما باید یادمون باشه پسورد دوستیمون رو جواری بسازیم که کسی نتونه هکمون کنه

ابر بارنده به دریا میگفت من نیارم تو کجا دریایی در دلش خنده کنان دریا گفت ابر بارنده تو خود از مائی

داری کجا میری دومی: دارم میرم خرید اولی: پس چرا با عموت میری دومی: چون رو شیشه فروشگاه نوشته بود خرید برای عموم آزاد است

کوهی استوار بودم بر قامت سرو گونه ی شب که نه تنها به مقصودش که همانا از پای در آوردن من بود نرسید بلکه مجبور به ترک پیکره ی سنگ کوه نمود. هر شب سوار بر اسب سفید پوش رویاهایم به اوج زیبایی ها به پرواز در می آمدم تا حس پرواز را دوباره تجربه کنم و چه شکوهمند است این پرواز و چه زیباست عطر خواب آور گل یاس عطری که سراسر وجود صبح را در بر گرفته و او به این دلیل بر خود می بالد. چه زیباست لباس سفید سحری، شنیده بوده ام از بزرگان که صبح سفید تنی است خوشبو اما نمی دانستم که چه عظم

و علت ویرانگی همان علل علتهاست همان بزرگ و مهربان لایتناهی که هر چه باز گویی باز هم هیچ نگفتی. و عجب شکوهی دارد این خاطرات شب، شکوهی عظیم و غیر قابل تصور. از خاطرات شب چتری ساختم بر بام آینده ام و آن را بر روی تمامی آینده ام گسترانیده ام تا چراغ راهم باشد و هم آنکه بعنوان حقیقت جاودانه ای در قلبم باقی بماند و هم اینکه این بار من به استقبال شب می روم

و امروز باقیمانده ی شب سیاه تلی از خاطراتست، با آمدن صبح شب با تمام سیاهی اش رخت برپست، رفت تا به تمام کابوس های وحشتناک پایانی دوباره دهد در میان آن همه ستارگان بی شمار اما کم نور شب که همانند فانوس کوچک سوسو می زند یک ستاره شده ستاره ی بخت من و آن همانند شاهین سفید پر تیز پرواز عهده دار فرشته ی نجاتم گشت و بر سکوت شکننده ی شب مهر پایانی نهاد

پیام های مهربانی تان رادر این ستون درج کنید

1- hamid boroman digeh tahvil nemi-giry zang nemizani mageh yadet raft to faranseh ba ham digeh bal morg miko-rdim.mehdi az finchily

2- hassn jan govahinamahto ke geerfty pas ky mibari restoran behesht.mehdi az finchily

salam man arash 25 az london khahane dosti ba dokhtare irani hastam plz give me call(07877217861)thank you

خوب ما رو کاشتی نیو مدی ها

عارف

سوسن چون مرسی بابت زحمات

عباس

خیلی باحالی علیرضا

غلامعلی

آگهی های دوست یابی و پیام های مهربانی در این صفحه رایگان است

info@persianweekly.co.uk
لطفا پیام های خود را ایمیل نمایید

آپارتمان دو خوابه در منطقه HARROW 078 1357 8659

BMW 318 CISE 2002 Coupe, Manual, Petrol, Silver, Great condition. Full service history. 6 Months TAX, 1 year MOT Price: £7400.00 ONO Tel: 07980 823 895



Peugeot 206, 1.4 LX, 5 door, Manual, Full service History, 6 months TAX, 1 Year MOT. Price: £1750.00 ONO Tel: 07833 710 167



Recovery Truck for a quick sale

IVECO

Year 1997, Diesel,

MOT & road Tax till December 2007.

All inspections are welcome.

Price: 2995.00

Tel: 07737 641 039



آپارتمان دو خوابه در شمال لندن DSS پذیرفته می شود

This lovely flat is located on the ground floor of a new purpose built block in Cricklewood. Nicely furnished two bedrooms, one bright reception, one family bathroom, one en-suite shower room and separate fully fitted kitchen. This flat is situated in close proximity to

Tesco, Brent Cross shopping centre and .underground station zone 3

.Fully furnished.Off street parking

DSS also accepted

Per week £260

Tel: 07833 710 167





reports@persianweekly.co.uk

لطفا سبزه
مطلب و شعر
لریزی بیزه گوندین

گذری بر فرهنگ و ادبیات آذربایجان

رقصهای فولکلوریک قدیمی آذربایجان

مقدمه
قسمت اول نوشته مسعود



به دنیای رقص خوش آمدید. شما در حال تجربه قدیمیترین فرم رقص، یعنی رقص فولکلوریک هستید. این نوع رقص اساس و پایه بسیاری از انواع دیگر رقصها است. واژه "رقص فولکلوریک" معمولاً به "رقص توده عوام" اطلاق میشود. اثبات اینکه کجا و چگونه بوجود آمده امکان ناپذیر است. باستان شناسان و مورخین میگویند که رقص بخشی مهم از فرهنگ انسانهای اولیه بود بطوریکه آنان از طریق رقص و با استفاده از حرکات و ریتم احساسات خود را به دیگران بیان مینمودند. انسانها رقصیده اند و هنوز هم برای جشنها، تداوم زندگی، کارهای اجتماعی، ارتباط معنوی و اظهار وجود و هویت اجتماعی میرقصند.

فواید رقصهای فولکلوریک

... رقص بازتاب جغرافیا، آب و هوا، موسیقی، نحوه زندگی، باورها، و تاریخ مردم است. بستگی به خصوصیات و شرایط منطقه ای دارد. برای مثال آب و هوا عامل بسیار مهمی است. معمولاً رقصهای مناطق سرد سیر شامل حرکات سریع و قوی، حرکات نیرومند و عملکرد تند هستند. رقصهای مناطقی با آب هوای بسیار گرم دارای حرکات روان و نرم بوده و بیشتر سلیس و آهسته هستند. در مناطق گرم به نظر میرسد که رقصها توازنی از حرکات نیرومند و آهسته است. ساکنین مناطق کوهستانی نسبت به کسانی که در مناطق هموار زندگی میکنند بیشتر گرایش به حرکات انفرادی با جابجایی کم میباشند و رقصهای آنان متمایل به حرکات در جا است در حالی که رقص مردمان مناطق هموار شامل حرکاتی از این سو به آنسو میباشد و مانند این است که آنان سوار کارانی بودند که در منطقه ای وسیع میتاختند.

تنوع فرمها، الگوها، و وظیفه رقص فولکلوریک به اندازه تنوع فرهنگها متغییر است. رقص میتواند با و بدون شریک رقص، بصورت دایره‌ها، مربعها، یا صفهای بلند، بصورت سه نفره، چهار نفره، یا به تنهایی انجام شود.

رقصها به عنوان وسیله ای برای بیان آفریده شده اند، در این مورد میتوان به رقصهای عروسی، رقصهای جنگی، رقصهای اعتراضی، رقصهای عاشقانه، رقصهای کار، رقصهای مذهبی، و رقصهای مخصوص روزهای تعطیل اشاره نمود.

رقصهای فولکلوریک بسیار اجتماعی بوده و ذاتاً برای تفریح میباشند. هر ایفاگر رقص عضوی از گروه بزرگی است، و ایفاگران در بسیاری از رقصها الگوی حرکتی خود را تغییر میدهد و ارتباط را بین افرادی که توانایی دارند ارتقا میدهد مگر اینکه خجول و کمرو باشد.

رقص فولکلوریک به افزایش حرکات ریتمیک، هماهنگی عصبی-عضلانی، تعادل، و وقار کمک میکند. رقص چالشی برای یادگیری مهارتهای جدید است و بدون توجه به سن، به شرکت کنندگان خرسندی ناشی از موفقیت و مقبولیت را میبخشاید.

خانم "هلن اریکسن" فارغ التحصیل رشته "رقص اقوام" از دانشگاه لس

آنجلس و کاندیدای دکترای فولکلور، اسلاو شناسی و تورکولوژی دانشگاه جرج آگوست آلمان است. او آموزگار رقصهای سنتی بالکان و مسلمانان شرق است. تحقیقات، مقالات و نشریات او در مورد رقصها و لباسهای سنتی شایان توجه بوده و با بسیاری از موسیقیدانان نیز همکاری دارد. نظر او را در باره رقص بانوان آذربایجان میخوانیم:

رقصهای آذربایجان:

آذربایجان یکی از جمهوریهای قفقاز شوروی سابق بود. امروزه جمهوری مستقلی است که به دلیل داشتن ذخایر غنی نفت مورد توجه بینالمللی است. تعداد بسیاری از آذربایجان در شمال غربی ایران و در منطقه شهر تبریز ساکن هستند. رقص بانوان در قفقاز به لحاظ حرکات دلپذیر دست، حرکات بیانگر بازو و قدمهای ظریف از دیگر رقصها تمیز داده میشود. قدمهای ظریف ایفاگر رقص توسط دامنهای بلند پوشیده شده و چنین مینماید که ایفاگر رقص به حالت شناور بر روی زمین جاری است. رقصها گاهی غمگین، گاهی آتشین و بیشتر تغزلی است و بیانگر سرشت فاخر بانوان آذری است. رقصهای سولو و گروهی در عروسی و سایر مناسبتها اساساً ساده است. این رقصها در شوروی سابق بصورت رقصهای هنری صحنهای، ارتقا یافته است.

رقصهای فولکلوریک قدیمی آذربایجان

۱- آبابی: این رقص در منطقه شکی و زاقاتالا آفریده شده است. در این منطقه به افراد میانسال "آبابی" گفته میشود. این رقص عموماً توسط مردان یا زنان میانسال اجرا میشود. آفریننده ملودی این رقص، آهنگ سازان شکی میباشند. کمی اغراق آمیز و کمیگ است. سرعت رقص آرام است. این رقص قبلاً در شهر شکی بصورت دسته جمعی اجرا میشد. بعداً تبدیل به رقص انفرادی شد.

۲- آذربایجان: رقصی قدیمی و بی اندازه ملودیک است. این رقص فقط توسط مردان اجرا میشود. در مراسم پرطمنراق و بیشتر در لباس عید یا ردای چرکسی اجرا میشود. ریتم بسیار سریع آن از مجری رقص مهارت ذاتی میطلبد.

۳ - آستا قاراباغی: این رقص در قره باغ بوجود آمده است. ترتیب حرکات رقص ثابت و سرعت آن آرام است.

۴ - آسما کسمه: از جمله قدیمیترین رقصهای مرسوم در عروسی میباشد. نام گذاری آن به این دلیل است که عروس را به همراه صدای موسیقی "آسما کسمه" به خانه داماد میآورند و با آن زنان مشایعت کننده عروس در مقابل او میرقصند. سرعت رقص آرام است. کمی افراط آمیز و بشکل پرشی است.

۵ - آغیر قاراداغی: ملودی رقصی است که در قره داغ آفریده شده است. در شکی و زاقاتالا بسیار مرسوم است. سرعت اجرای آن آرام است.

۶ - آچاگولو: در سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ در ناحیه شامخی و توسط علی کریم اف ساکن روستای کاوالا آفریده شده است. در اصل توسط خانمها اجرا میشود. سرعت آن کمی سریع است.

۷ - آواری: منصوب به آواری های ساکن آذربایجان میباشد. رقص آواری بطور گسترده ای بین آذربایجانیها متداول است. از سه قسمت تشکیل شده است. در ابتدا آرام بوده و به تدریج بر سرعتش افزوده شده و در نهایت به ریتم سریع لژیونکا میرسد.

۸ - آی بری باخ: از جمله قدیمیترین رقصها میباشد که فقط توسط خانمها اجرا میشود.

۹ - انزلی: ملودی رقصی است که تقریباً در سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ در باکو آفریده شده است. نحوه اجرای آن آرام و بدلیل خصوصیت اجرای ملودی، بیشتر برای افراد مسن مناسب است. "انزلی" رقصی سنتی است. در ابتدای عروسی اجرا میشود. رقص "انزلی" را در اصل افراد مسن اجرا میکنند ولی جوانها هم میتوانند آنرا اجرا نمایند.

۱۰ - اوچ بادام بیر قوز: در زمانهای قدیم در شکی آفریده شده است. همراه با آواز ایفا میشود. تصنیف آنرا در آن دوره خوانندگان توانایی همچون جبار فرزند قارایاغدی و علی عسگر عبدالله یف خوانده اند.

۱۱ - اوچ نومه: دورد نومه. بش نومه. آلتی نومه: همه اینها ملودیهای رقص هستند که در نیمه دوم سالهای ۱۹۲۰ در باکو پا به عرصه ظهور نهاده است. این رقصها بخصوص "بش نومه" و "آلتی نومه" هنوز هم مشهورند. رقصهای "اوچ نومه" و "بش نومه" را که تمپو آهسته و ملودی حزین دارند خانمها اجرا میکنند. "دورد نومه" و "آلتی نومه" نیز تمپو نسبتاً سریعی دارند و رقصهای سلیسی است که هم توسط مردان و هم توسط زنان رقصیده میشود.

۱۲ - اوزون دره: رقصی است بینهایت جذاب، ظریف و لیریک. این رقص نه تنها در آذربایجان بلکه در گرجستان و ارمنستان نیز از جمله رقصهای دوست داشتنی محسوب میشود. در قره باغ و بین آقام و روستای گوی تپه

دره ای وجود دارد که آنرا "اوزون دره" مینامند. این رقص صرفاً منحصر به این دره میباشد.

۱۳- اون دورد نومه: این نام گذاری (شماره ۱۴) به دلیل شماره ردیف رقص است. این رقص توسط مردان و زنان اجرا میشود. رقص ملایم، با سرعت آرام و به نحو حزین اجرا میشود.

۱۴- ایکی آروادلی: این رقص کمیگ در منطقه شکی و در روستای قاراداغلی آفریده شده است. توسط آقایان اجرا میشود.

۱۵- بریلیانت: این رقص دو نوع متفاوت دارد. اولی در سالهای ۱۹۲۰ الی ۱۹۲۲ در باکو آفریده شده، تمپو آن سریع بوده و ملودی آن بی اندازه پر شور است. توسط مردان اجرا میشود. نوع دیگر آن فقط برای اجرای خانمها است. ملودی آن ظریف و آهنگدار اجرا میشود. سرعت آن آرام است.

۱۶- بنوشه: رقصی است بسیار ظریف. این رقص در اصل توسط خانمها هم بصورت آرام و هم با سرعت تند اجرا میشود. در سال ۱۹۱۰ آفریده شده است.

۱۷- پهلوانی: رقصی قدیمی است که مختص پهلوانان جوان است. این رقص در کوههای منطقه شکی پا به عرصه گذاشته و آهنگساز آن آبیله جعفراف بود. رقصی است با حرکات بسیار سریع و بینهایت دینامیک. پهلوانان در این رقص بیش از اینکه قدرت خود را به نمایش بگذارند بیشتر مهارت و چابکی جوانی در معرض دید قرار میدهند. این رقص در بیشتر مناطق آذربایجان اجرا میشود.

۱۸- تامارا: تقریباً در سالهای ۱۹۱۶-۱۹۱۷ در باکو آفریده شده است. نام گذاری این رقص به افتخار هنرمند مشهور اهل سلیان و ایفاگر رقصهای آذربایجان در عروسیها، خانم تامارا بوده است. این رقص بسیار جذاب و لیریک بوده و در اصل توسط خانمها و در بسیاری از مواقع توسط خانمها و آقایان با تمپو آرام اجرا میشود. رقص با آواز موسیقی مقامی آغاز میشود.

۱۹- توی رقصی: رقص قدیمی، سنتی است که در نخجوان رقصیده میشود. اقوام جوان عروس و داماد این رقص را در مقابل درشکه ای که عروس را میبرد میرقصیدند. رقص شبیه "یالی" است، قدمها به سرعت به یکسو برداشته میشود. در دست بیشتر کسانی که میرقصیدند مشعل سوزان بود.

۲۰- توراجی: رقصی قدیمی است که تقریباً در اوایل قرن نوزدهم آفریده شده و به دراج پرده شکاری زیبای کوهستانی اختصاص یافته است. موسیقی حزین و دلنوازی دارد. رقص تداعی کننده نحوه پرواز دراج است. همه حرکات ایفاگر رقص یادآور پرواز دراج و سلیان او در آسمان است.

۲۱- ته ره کمه: ترکمه نام قومی است که از دیرباز ساکن آذربایجان بودند. آفریننده رقص خود ترکمه ایها بودند. میتوان گفت که ترکمه رقصی بسیار قدیمی است. نحوه اجرای این رقص دو نوع میباشد ولی هر دو نوع موسیقی یکسانی دارند. هماکنون این رقص در بسیاری از مناطق آذربایجان متداول بوده و همچنین در برنامه گروههای حرفهای و آماتور رقص موجود است.

۲۲- جامیش باغا گیردی: از نام این رقص چنین برمیآید که نامی تصادفی است. احتمال دارد که اولین مجری آن شخصی چاق بوده و دوستان او به شوخی چنین نامی را به رقص داده اند. نام رقص نیز چنین ماندگار شده است. به هر حال وقتی این رقص قدیمی در گنجه رقصیده میشد کاراکتر کمیگ آن دلیلی بر این فرضیه بود. در نخجوان و شاه بوز نحوه اجرای آن چندان کمیگ نیست. در این منطقه معمولاً افراد مسن این رقص را ایفا میکنند. حرکات رقص وسیع، و به شکل پرشی است. این رقص در بسیاری از مناطق آذربایجان مرسوم است.

۲۳- جنگی: گاهی رقص "جنگی" نحوه راه رفتن جنگاور، همآورد خواهی، دعوت به جنگ را تداعی میکند. آفرینش "جنگی" به گزشته های دور برمیگردد. "جنگی" به لحاظ کاراکتر همانند زمره آثار موسیقی قایتاغی و "هالای" میباشد.

۲۴- جئیرانی: رقصی است ظریف زیبا و لیریک. به همین دلیل به رقص نام زیباترین و ظریفترین جاندار یعنی جیران (گوزن) را داده اند. "جیرانی" از جمله قدیمیترین رقصهای آذربایجان است. در شوشا پا به عرصه ظهور نهاده است. رقص سرعت متوسطی دارد و در اصل توسط خانمها ایفا میشود. ولی در برخی مناطق مانند شکی توسط آقایان هم رقصیده میشود. این رقص اکنون هم مشهور است

ادامه دارد



Persian Carpet

A brief history of Persian Carpet and its patterns

The history of Persian Carpet-a culmination of artistic magnificence - dates back to 2,500 years ago. The Iranians were among the pioneer carpet weavers of the ancient civilizations, having achieved a superlative degree of perfection through centuries of creativity and ingenuity. The skill of carpet weaving has been handed down by fathers to their sons, who built upon those skills and in turn handed them down to their offspring as a closely guarded family secret. To trace the history of Persian carpet is to



follow a path of cultural growth of one of the greatest civilizations the world has ever seen.

From being simple articles of need, floor and entrance coverings to protect the nomadic tribesmen from the cold and damp, the increasing beauty of the carpets found them new owners - kings and noblemen, who looked upon them as signs of wealth, prestige and distinction.

Pazyryk Carpet, 5th century BCE

Russian archaeologists Rudenko and Griaznov in 1949 discovered the oldest known "knotted" carpet in the

Pazyryk valley, about 5000 feet up on the Altai Mountains in Siberia. Dating back to the fifth century BCE The Pazyryk carpet is of rare beauty and woven with great technical skill. It was found preserved in the frozen tombs of Scythian chiefs, which were 2400 to 2500 years old, it is now kept in the Hermitage Museum of Leningrad. Another rug found in the same area, dates back to the first century BCE.

When Cyrus the Great conquered Babylon in 539 BC, he was struck by its splendour, and it was probably he who introduced the art of carpet making into Persia. However, historical records show that magnificent carpets adorned the court of Cyrus the Great, who founded the Persian Empire over 2,500 years ago. It is also said that the tomb of Cyrus, who was buried at Pasargadae near Persepolis, was covered with precious carpets. Even before his time, it is very likely that Persian nomads knew about the use of Knotted carpets. Their herds of sheep and goats provided them with high quality and durable wool for this purpose.

The first documented evidence on the existence of carpets came from Chinese texts dating back to the Sassanid Dynasty (224 - 641 CE). In 628 CE, the Emperor Heraclius brought back a variety of carpets from the conquest of Ctesiphon, the Sassanian capital. The Arabs also conquered Ctesiphon in 637 CE, and among the spoils brought back were said to be many carpets, one of which was the famous garden carpet, the "Spring time of Khosro". This carpet has passed into history as the most precious of all time. Made during the reign of Khosro I (531 - 579 CE) the carpet was 90 Feet square. The Arab historians' description is as follows: "The border was a magnificent flower bed of blue, red, white, yellow and green stones; in the background the colour of the earth was imitated with gold; clear stones like crystals gave the illusion of water; the plants were in silk and the fruits were formed by colour stones" However, the Arabs cut this magnificent carpet into many pieces, which were then sold separately.

Turkish Knot

After the period of domination by the Arab Caliphates, a Turkish tribe, named after their founder, Seljuk conquered Persia. Their domination (1038 - 1194 CE) was of great importance in the history of Persian carpets. The Seljuk women were skilful carpet makers using Turkish knots. In the provinces of Azerbaijan and Hamadan where Seljuk influence was strongest and longest lasting, the Turkish knot is used to this day.

In the Turkish (or Ghiordes) knot the yarn is taken twice around two adjacent warp threads and the ends are drawn out between these two threads.

Sinneh Knot

In the Persian (or Sinneh) Knot, the wool thread forms a single turn about the warp thread. One end comes out over this thread and the other over the next warp thread.

The Mongol conquest and control of Persia (1220 - 1449) was initially brutal. However, they soon came under the influence of the Persians. The palace of Tabriz, belonging to the Ilkhan leader, Ghazan Khan (1295 - 1304) had paved floors covered with precious carpets. The Monghol ruler Shah Rokh (1409 - 1446) contributed to the reconstruction of much that was destroyed by the Mongols and encouraged all the artistic activities of the region. However, the carpets in this period were decorated with simple motifs, which were mainly geometric in style.

Esfahan Carpet

The Persian carpet reached its zenith during the reign of the Safavid Dynasty in the 16th century. Indeed the first concrete proofs of this craft date back to this period. Approximately 1500 examples are preserved in various museums and in private collections worldwide. During the reign of Shah Abbas (1587 - 1629), commerce and crafts

prospered in Persia. Shah Abbas encouraged contacts and trade with Europe and transformed his new capital Esfahan, into one of the most glorious cities of Persia. He also created a court workshop for carpets where skilled designers and craftsmen set to work to create splendid specimens. Most of these carpets were made of silk, with



gold and silver threads adding even more embellishment. Two of the best know carpets of the Safavid period; dated 1539 come from the mosque of Ardebil. Many experts believe that these carpets represent the culmination of achievement in carpet design. The larger of the two carpets is now kept in London's Victoria and Albert Museum while the other is displayed at the Los Angeles County Museum.

The court period of the Persian carpet ended with the Afghan invasion in 1722. The Afghans destroyed Esfahan, yet their domination lasted for only a short period and in 1736, a young Chieftain from Khorasan, Nader Khan became the Shah of Persia. Through the whole course of his reign, all the country's forces were utilised in campaigns against the Afghans, the Turks, and the Russians. During this period, and for several turbulent years after his death in 1747, no carpets of any great value were made, and solely nomads, and craftsmen in small villages continued the tradition of this craft.

In the last quarter of the 19th Century and during the reign of the Qajar rulers trade and craftsmanship regained their importance. Carpet making flourished once more with Tabriz merchants exporting carpets to Europe through Istanbul. At the end of the 19th Century some European and American companies even set up businesses in Persia and organised craft production destined for western markets.

Today, Carpet weaving is by far the most widespread handicraft in Iran. Persian carpets are renowned for their richness of colour, variety of spectacular artistic patterns and quality of design. In palaces, famous buildings, mansions and museums the world over, a Persian carpet is amongst the most treasured possession.

Kashan Carpet

Major Weaving Centers:

Arak, Ardebil, Bijar, Hamadan, Esfahan, Kashan, Kerman, Mashhad, Nain, Qom, Sanandaj, Shiraz, Tabriz, Tehran, Yazd, Zanjan.

Other Centers:

Abadeh, Afshar, Ghotloo, Ahar, Amol, AnjelasAradkan, Baft, Bakhtiar, Balouch, Bam, Bandar Turkman, Behbahan, Bidgol, Borcheloo, Broujerd, Chenar, Darab, Darjezin, Farahan, Firouzabad, Garavan, Ghotlog, Golkhar, Golpayegan, Gonbad, Haris, Hosseinabad, Jourqan, Kaboudar, Ahang, Kashmar, Koliai Khamseh, Khoie, Khosrowabad, Lorestan, Mahallat, Makou, Malayer, Mahabad, Moshkabad, Moghan, Mianeh, Najafabad, Natanz, Nahavand, Neiriz, Neishabour, Qashqaeie, Qazvin, qouchan, Rafsanjan, Ravar, Roudbar, Saman, Sarmilaq, Sarouk, Semnan, Senneh, Sirjan, Shahre Kord, Shahreza, Shahr Babak, Shahrour, Shahsavan, Tabas, Torbat Heidarieh, Tousirkan, Tajabad, Tafresh, Turkaman Sahra, Varamin, Vis, Yasouj, Zarand.



reports@persianweekly.co.uk

History and Origins of Persian (Parsi or Farsi) and Dari-Persian language By: UCLA, Language Materials Projects

Persian Language

Persian is spoken today primarily in Iran, Afghanistan and Tajikistan, but was historically a more widely understood language in an area ranging from the Middle East to India. Significant populations of speakers in other Persian Gulf countries (Bahrain, Iraq, Oman, Republic of Yemen and the United Arab Emirates), as well as large communities around the World.

Total numbers of speakers is high: about 55% of Iran's population are Persian speakers; about 65% of Tajikistan's population are Tajik-Persian speakers; over 25% of the Afghanistan's population are Dari-Persian speakers; and about 1% of the population of Pakistan are Dari-Persian speakers as well.

Linguistic Affiliation

Persian is a subgroup of West Iranian languages that include the closely related Persian languages of Dari and Tajik; the less closely related languages of Luri, Bakhtiari and Kumzari; and the non-Persian dialects of Fars Province. Other more distantly related languages of this group include Kurdish, spoken in Turkey, Iraq, and Iran; and Baluchi, spoken in Afghanistan, Iran, and Pakistan. Even more distantly related are languages of the East Iranian group, which includes Pashtu, spoken in Afghanistan; Ossete, spoken in North Ossetian, South Ossetian, and Caucasus of former USSR; and Yaghnobi, spoken in Tajikistan. Other Iranian languages of note are Old Persian and Avestan (the sacred language of the Zoroastrians for which texts exist from the 6th century B.C.).

West and East Iranian comprise the Iranian group of the Indo-Iranian branch of the Indo-European family of languages. Indo-Iranian languages are spoken in a wide area stretching from portions of eastern Turkey and eastern Iraq to western India. The other main division of Indo-Iranian, in addition to Iranian, is the Indo-Aryan languages, a group comprised of many languages of the Indian subcontinent, for example, Sanskrit, Hindi/Urdu, Bengali, Gujarati, Punjabi, and Sindhi.

Linguistic Variation

Scholars recognize three major dialect divisions of Persian: Farsi, or the Persian of Iran, Dari Persian of Afghanistan, and Tajik, a variant spoken in Tajikistan in Central Asia. We treat Tajik as a separate language, however. Farsi and Dari have further dialectal variants, some with names that coincide with provincial names. All are more or less mutually intelligible.

Dari Persian, mainly spoken in Afghanistan, until recently, deferred to the Tehran standard as its model, and although there are clear phonological and morphological contrasts, due partly to the influence of neighbouring Turkic languages, Farsi and Dari Persian remain quite similar. The dialectal variation between Farsi and Dari has been described as analogous to that between European French and Canadian French. Dari is more conservative in maintaining vowel distinctions that have been lost in Farsi.

Luri and Bakhtiari, languages in the southwest part of Iran, are most closely related Farsi, but these are difficult for a speaker of the Tehran standard to understand. While speakers of Luri regard their speech as a dialect of Persian, speakers of Farsi do not agree. Judaic Persian, written in Hebrew characters and used by Jews throughout Iran, is close to the Persian standard in its written form. However, many Iranians of Jewish descent have left the country and no longer form a significant portion of the population.

Orthography

Persian in Iran and Afghanistan is written in a variety of the Arabic script called Perso-Arabic, which has some innovations to account for Persian phonological differences. This script came into use in Persia after the Islamic conquest in the seventh century. A variety of script forms: Nishki is a print type based closely on Arabic; Talik is a cultivated manuscript, with certain letters having reduced forms and others occasionally elongated in order to produce lines of equal length; and Shekesteh is also a manuscript, allowing for a greater variation of form and exhibiting extreme reduction of some letters. See Persian Alphabet

Linguistic Sketch

The richly inflected morphological system of Old Iranian has been drastically reduced in Persian. The language has no grammatical gender or articles, but person and number distinctions are maintained. Nouns are marked for specificity: there is one marker in the singular and two in the plural. Objects of transitive verbs are marked by a suffix. The morphological features of Arabic words are preserved in loans, thus Persian shows "broken" plural formations, that is, a word may have two different plural forms.

Verbs are formed using one of two basic stems, present and past; aspect is as important as tense: all verbs are marked as perfective and imperfective. The latter is marked by means of prefixation. Both perfective and imperfective verb forms appear in three tenses: present, past and inferential past. The language has an aorist (a type of past tense), and has three moods: indicative, subjunctive, counterfactual. Passive is formed with the verb 'to become', and is not allowed with specified agents. Verbs agree with the subject in person and number. Persian verbs are normally compounds consisting of a noun and a verb.

Word order in Persian is Subject-Object-Verb although modifiers follow the nouns they modify and the language has prepositions.

Persian distinguishes short and long vowels. Words are stressed on the last syllable.

Role in Society

Persian, until recent centuries, was culturally and historically one of the most prominent languages of the Middle East and regions beyond. For example, it was an important language during the reign of the Moguls in India where knowledge of Persian was cultivated and encouraged; its use in the courts of Mogul India ended in 1837, banned by officials of the East Indian Company (British Colonialism). Persian scholars were prominent in both Turkish and Indian courts during the fifteenth to eighteenth centuries in composing dictionaries and grammatical works. A Persian Indian vernacular developed and many colonial British officers learned their Persian from Indian scribes.

Persian is the first language of about 55 percent of the population in Iran, and is the country's official language. It is the language of government, the media, and school instruction. Of the rest of

Iran's population, 20 percent speak related Western Iranian languages and 25 percent speak Arabic, New Aramaic, Armenian, Georgian, Romany, and Turkic languages.

In Afghanistan, Dari Persian, along with Pashtu, are official languages of the country. The language is taught in schools and radio Afghanistan is promoting a standardized pronunciation of the literary language. The Persian spoken in Teheran serves as a model for more formal styles, but some colloquial styles are closer to Tajik. Only minor lexical differences exist between the literary forms used in Iran and Afghanistan. Although both Pashtu and Dari are official languages, Dari has a special social status in the country because of its historical prestige; it is the preferred language for communication among speakers of different linguistic backgrounds.

History

Old Persian is attested from the cuneiform inscriptions left by the Achaemenid dynasty (559 to 331 BC.) that ruled the lands known as the Realm of the Aryans (from which comes the name of the modern country Iran) up until the conquest of Alexander the Great.

Middle Persian, also known as Pahlavi, after the Parthians who ruled Persia after the collapse of Alexander's Empire, is known chiefly through its use in Persian's pre-Islamic Zoroastrian religious writings.

The origin of Modern Persian is not clear. Although greatly influenced and closely affiliated to Middle and Old Persian, there is no conclusive evidence that it is directly descended from these languages. It may instead derive from a Pahlavi dialect once spoken in northeast Iran.

Old Persian, by contrast, and its immediate descendant Middle Persian, originated in a province in southwest Iran that was once the center of the Persian Empire -Parsa or Fars-, hence the contemporary Persian name of the language: Farsi.

The Early Modern period of the language (ninth to thirteenth centuries), preserved in the literature of the Empire, is known as Classical Persian, due to the eminence and distinction of poets such as Roudaki, Ferdowsi, and Khayyam. During this period, Persian was adopted as the lingua franca of the eastern Islamic nations.

Extensive contact with Arabic led to a large influx of Arab vocabulary. In fact, a writer of Classical Persian had at one's disposal the entire Arabic lexicon and could use Arab terms freely either for literary effect or to display erudition.

Classical Persian remained essentially unchanged until the nineteenth century, when the dialect of Teheran rose in prominence, having been chosen as the capital of Persia by the Qajar Dynasty in 1787. This Modern Persian dialect became the basis of what is now called Contemporary Standard Persian. Although it still contains a large number of Arab terms, most borrowings have been nativized, with a much lower percentage of Arabic words in colloquial forms of the language.

The term "Persia(n)" derives from the Greek and is based on the Ancient Greek reference to the whole region. "Farsi" is the Arabic equivalent for the name of the southwestern province of Parsa the locus of various Persian dynasties. "Iran" derives from an Old Iranian word.

NOX ADVERTISING AND DESIGNING GROUP
020 8453 7350

لاحي ويب سائت انيميشن چاپ امور کامپیوتر پرورشور روزنامه مجله روزنامه لیشیت کتاب

Persian Weekly
13 July 2007 2nd Issue

www.persianweekly.co.uk

کابوس ناخوشایند تصادف را
به رؤیایی شیرین تبدیل می کنیم.

Head Injury £1000 - £220000
Neck Injury £1000 - £82000
Back Injury £1000 - £71000
Knee Injury £1000 - £52000
Leg Injury £1000 - £150000

www.euaccident.com

Replacement Vehicle, Repair, Loss of Earnings, Injury Compensation

EU Accident Management

P.C.O REGISTERED
MINI CAB DRIVERS
Car Hire

License No. : CRM3039

چنانچه قبلاً تصادف کرده اید و هنوز مشکلاتان حل نشده با ما تماس بگیرید

دریافت خسارت بیمه شخصی
جایگزینی اتومبیل تصادفی با اتومبیل جدید (تاکسی - مینی کپ)
جایگزینی مینی کپ تصادفی با مینی کپ جدید
دریافت درآمد شما در مدت بیکاری و تصادف
حمایت کردن از بالا نرفتن بیمه

084 5430 0347 BT Local Rate
079 8082 3895
078 9153 0392
Fax: 084 5430 0346

SUIT K, TUDOR HOUSE, LANVANOR RD, NW2 2AR

TONY R Ltd
شرکت حمل و نقل بین المللی
تخفیف ویژه برای ارسال کالا به ایران
ارسال هرگونه کالا و لوازم به تمام نقاط دنیا
جابجایی و بسته بندی لوازم دفتری و مسکونی و انبارداری کالا

www.tonyr.co.uk

020 8451 0022

طراحی وب سایت و انواع طراحی گرافیکی به زبانهای پشتو و اردو

020 8453 7350 - 077 3311 3137